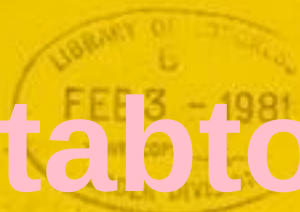


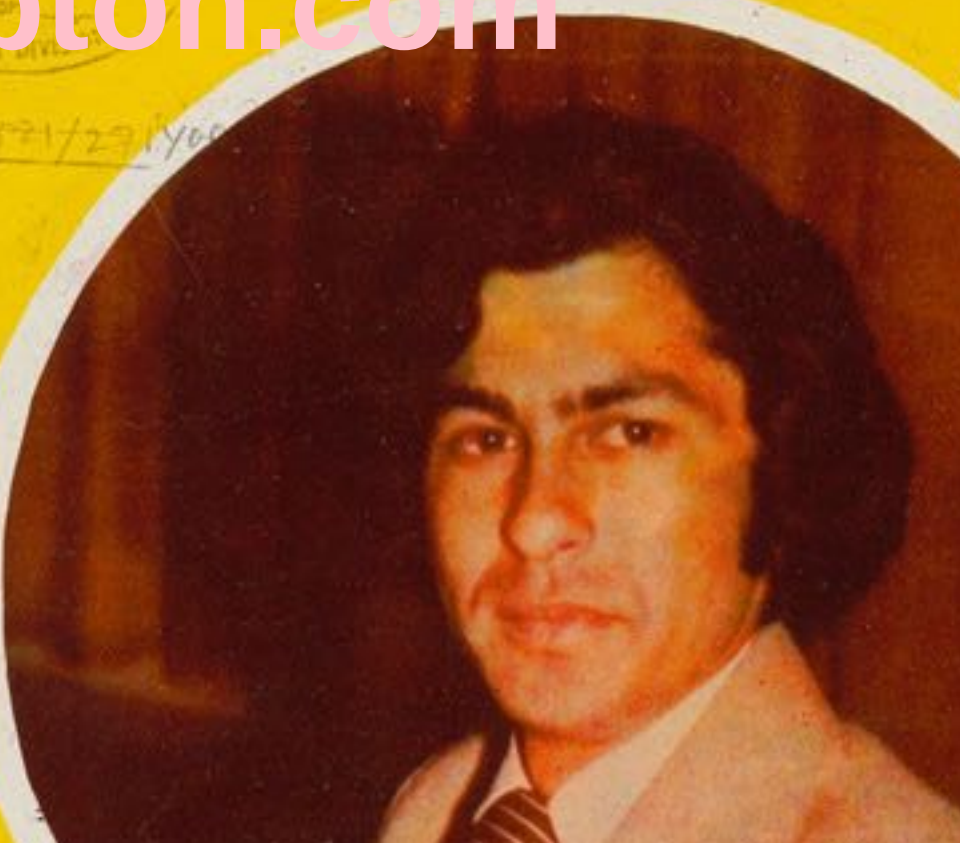
ون

Ketabton.com



A-P RB
77-938031

155-21/23/Y00





بمناسبت شانزدهمین سالروز تأسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تالار نقش‌رنگخانه مقر شورای انقلابی ترتیب شده بود

قَالَ وَقَالَ مَرَاتُهُ

ششم جدی ۱۳۵۹ نخستین سالگرد مرحله
نویین و تکامل ملی انقلاب ثور ، مرحله نجات
انقلاب مردم و وطن بود .

بخطرات تجلیل ازین روز نظر آفرین بسته
اشتراک ببرک کامل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان، اعضای بیرونی
سیاسی و کمیته مرکزی حزب، اعضای هیأت
رئیس و اعضای شورای انقلابی، اعضای
شورای وزیران، کسب‌های حزبی و کارمندان
عالی‌رتبه دولتی، نمایندگان سازمان‌های
اجتماعی، و سازمان‌های صنفی و نمایندگان
تمام ملیت‌ها و قبایل غیور و سلخشور کشور
بمنظور فراهم‌آوری و تدارکات مقدمات
تشکیل جبهه ملی وسیع پدر وطن در کابل
مرکز افغانستان انقلابی کنفرانس عظیم
تاریخی در تالار سلاطین خانه مقر شورای انقلابی
تشکیل گردید.

شانزد همین سا لگرو تاسیس حزب ب
دمو کرا تیک خلق افغا نستان بعد از ظهر
روز ۱۱ جدی از طرف کمیته مرکزی حزب دموکرا-
تیک خلق افغا نستان طی جلسه در تسالار
مکخانه مقر شورای انقلابی تحلیل گردید .

د افغانستان د خلک دمو کړا تیک گو نه د
مر کزی کمېټې د دمو می منشی دافغا نستان
د دمو کړا تیک جمهوریت د انتقالی بسی
شورا د رئیس او صدر اعظم بیرک کارمل
له خوا د ۱۹۸۱ نوی عیسوی کال له امله
د دوستو هیوادو د مشرانو په نامه د مبارکي
پیغامونه مخابره شوي دي .

دافغا نستان د خلک دمو کړا تياک گو نسد
د هر کزی کهيی د عهومي منشي دافغا نستان
د دمو کړا تياک جمهوريت دافغلابی شورا د
رئيس او صدراعظم بېرک کارمل له خوا د
کيوبا د کهو نست گوند د هر کزی کهيی
د لومړی منشي د دولتي شورا درئيس او د
کيوبا د جمهوري حکومت د رئيس فيدل کاسترو
په نامه د هغه هیواد د انقلاب د دوه ویشتمی
کا ليزی له امله هاوانا ته د مبارکسی پیغام
مخابره شويدي .

سفارت گبرای جمهوریت کیوبا مقیم کابل
روزمئی کشورش را تمام ۹ جلدی ضمن ضیافتی
تجلیل نمود .
درین ضیافت که از طرف سار زدا فیسر
سفارت گبرای آنکشود در هوتل کابل برگزار
گردید ، سلطان علی گشتمند عضو بیروی
سیاسی کمیته مر گزی حزب دمو کرا تیک
خلق افغا نستان معاون شورای افلا بسی و
معاون صدر اعظم بعضی از اعضای کمیته
مر گزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان
اعضای هیات رئیس شو را ی انقلابی
برخی از اعضای شو رای وزیران
عده از کارمندان عالیتر تبه دولتی اعم از
ملکی و عسکری و سفرای کبار کشور های
تجابه مقیم کابل شرکت ورزیده بودند .

دکتور انا هیتا راتب زاد عضو یسروى سیاسى کمیته هرگزى حزب دموکرا تیکسان خلق افغانستان ، رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و رئیس سازمان صلح ، همبستگی و دوستی جمهوری دموکرا تیک افغانستان قبل از ظهور ۷جدي در مکر کمیته

مر کزی در دفتر کارش با میلا دین نیکولوف
میلا دینوف سفیر کبیر و نماینده فوق العاده
جمهوری مردم بلغاریا در کابل ملاقات نمود .

دوکتور انا هيتا راتې زاد غږو پسرور
سياسي گهټه هر گزي حزب دمو کراتيک خلقي
افغانستان ، رئيس سازمان دمو گسرا تيک
ژنان و رئيس سازمان صلح و همبستگي و
دوستي جمهوري دمو کرا تيک افغانستان
نا بد عوت لږدا سيون ملي ژنان هند جېټ

بخط‌ر بزرگداشت نخستین سالگرد تحول
ششم‌جندی مرحله نوین و تکاملی انقلاب
شکرهمند ثور یکتعداد از مجبوسین سیاسی
که بنا بر فیصله محکمه اختصاصی انقلاب
به میعاد مختلف حبس محکوم شده بودند
بائبر پیشنهاد خاوالی اختصاصی انقلابی
و منظوری عیات رئیسه شورای انقلاب
جمهوری دموکراتیک افغانستان ایام باشی
مانده حبس شان مورد عفو قرار گرفت .

دترانسپورت او مګر ځنډې وزیر شمیر جان
مزدور یار د جدې په لسمه نیټه له شوروی
اتحاد څخه وطن ته راغی .

مجلسی تحت ریاست فضل الرحیم ہونے
وزیر زراعت و اصلاحات ارضی در حاکم

رئیس ، مشاورین مر بوط ریاست میکا نیزه
مدیران عمی می زراعت و لایات جو ز جان ،
بغلان ، کندز ، بلخ و هرات حاضر بودند ،
روز نهم جدی در آنوزارت دایسر و روی
موضوعات مر بوط به ستیشن های میکا نیزه
زراعتی در ولایات متذکره و چگونگی فعالیت
آنها در آینده بحث و مذاکره صورت گرفته
و در زمینه تعاون لازم اتخاذ گردید .

د افغانستان د خلک د ديمو گرافیک گوند
د مرکز کمیټې غړی او د گوند د بین المللی
ادریکو مسئول او انقلابی شورې غړی
محمود بریالی د جدې په نهمه نیټه —
اولنې تور کې د افغانستان د خلکو د انقلابی

د کابل په ښار کې د فلم جوړولو دسټډیو
د ساختماني پروژې د اقتصادي او تخنیکي
ریښه په بڼه د خپلې نوي پروژې کول د اطلاعاتو
او کلتور وزارت د افغان فلم دریاست او په
کابل کې د شوروي اتحاد د دوو ټلې سینماټو
ګرافي د ساختماني پروژو د تخنیکي مرستو
په سیمه ییزو منځ لاس لیک شو .

د ابراهيم زاده د سيمپسيو ټوگراڼو
د فابريکې د بنسټ ډبره د جنې په لسمه نېټه
د کابو او صنايعو د وزارت د صنا عتي سيمو
د پرمختيا د آمر له خوا دکابل په صنعتي
پارک کې کښودل شوه .



د افغانستان د خلک د دمو کړا تیک گوند مرکزی کمیټی عمومی منشی ، د افغانستان د دمو کړا تیک جمهوریت د انقلاب بی شورا دریس او صدر اعظم ببرک کارمل د انقلاب بی افغانستان په مرکز کابل کی د پلا رنی وطن د ملی پراخی جبهی د چوپړنو د مقد ما تود برابر لو او تدارک له پاره په هغه ستره تاریخی چرکه کی چی د انقلاب بی شورا په مقر د سلامغانی په مانی کی جوړه شوی وه د اساسی وینا داوړو لو په حال کی .

قطعنامه کنفرانس نیروهای ملی و وطنپرست ج.د. افغانستان

کابل ۷ جدی ۱۳۵۷ :

کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست به کمیسیون عالی منتخب صلاحیت میدهد تا کار مقدماتی را در زمینه دعوت کنگره مو سس جبهه ملی پدر وطن انجام دهند .
۱- در خواست های تحریری سازمان های اجتماعی ، سیاسی و علاقمندانی را که میخواهند به منابه موسس جبهه ملی پدر وطن عضویت حاصل نمایند از نظر حقوقی ثبت نمایند .

۲- مسوده اساسنامه در باره جبهه ملی پدر وطن را غرض ارزیابی و تصویب کنگره موسس تهیه نموده اهداف و وظایف اصول تشکیلاتی ، اشکال و میتود های کار ، حقوق و وظایف اعضای آنرا با در نظر داشت اصول اساسی جمهوری دمو کړا تیک افغانستان مقتدرانه طرح کنند .

۳- کنگره موسس جبهه ملی پدر وطن را در اواخر سال جاری و یا اوایل سال نو دایر کرده و درین کنگره نمایندگی تمام نیروهای ملی و وطن پرست میهن ما تمام سازمان های اجتماعی ، سیاسی و همچنان همه افشار و طبقات ملی و دمو کړا تیک کلیه مردمان ملیت ها اقوام و قبایل ساکن در وطن واحد افغانستان بدون تبعیض و تمایز دربار جبهه وسیع ملی پدر وطن اعم از کارگران ، دهقانان ، کسبه کاران ، کوچپا ، کارمندان و روشنفکران تا جبران و سر مایه داران ملی ، علما و روحانیون و دانشمندان را هر چه کاملاً ملحق نمایند .

۴- از نمایندگان سازمان های مشا به درکشور های دوست به کنگره موسس جبهه ملی پدر وطن دعوت بعمل آید .

۵- کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست به کمیسیون عالی منتخب صلاحیت میدهد که میتوانند بنا بر ضرورت عدد دیگر از نمایندگان نیروهای ملی و وطن پرست .

افغانستان را در ترکیب کمیسیون عالی تدارک کنگره موسس جبهه ملی پدر وطن شامل سازد .

اعضای سازمان دمو کړا تیک زنان ولایت ننگرهار بخاطر تأیید و استقبال از مصوبات کنفرانس سر تا سر زن افغانستان روز دهم جدی در سالون موسسه عالی تربیه معلم آن ولایت تشکیل جلسه دادند .

مرسته گردید .
د فاریاب ولایت د جوانانو د دیمو کړا تیک سازمان د آگاه او زهروو خوانا نو یوه دله چی هه موده مخکی په خپله خوښه دبین - المللی ارتجاع او نړیواله امیر یالیزم د گودا میا نو د له منځه وړلو لپاره د هغه ولایت یوی سیمه ته تللی وو د جدی په لسمه نیټه بریالی د میمنی ښار ته ستانه شول .



دکتور اناهیتا راتب زاده هنگام عزیمت جانب هند در میدان هوایی بین المللی کابل.

درین شماره

یکسال در يك هفته

...

جبهه ملی پدر وطن متحد کننده همه مردم

...

علل کمبود وگرائی مواد سوخت در شهر
کابل

...

شاعری از فلسطین ابوسلما

...

ویتنام در قلب ما جاه دارد

...

موضعگیری زنان در جامعه بین المللی

...

در پرتگاه يك حادثه

...

نگرشی بر سینمای شوروی، این سینمای
انسانی

...

عشق و شکلا پیونده

...

آبا میدانید که دستکول از کدام زمان
رواج داشته است

...

دکاربین دسمنرگی اوستی سیاسی و
اقتصادی

...

شرح روی جلد :

...

احمد میرید آوازخوان جوان رادیو تلویزیون
کشور

...

شرح پشتی چهارم :

...

تابلوی نقاشی از کوچه قدیم شوربازار
۲۷-۲۷

جبهه ملی پدر وطن سیستم وسیع توده ای سازمان های اجتماعی، سیاسی است که ستون فقرات آنرا اتحادیه کارگران و دهقانان تشکیل میدهد و تمام طبقات، افشار و گروه های ملی و دموکراتیک، همه نیرو های اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری بخاطر منافع وطن مان افغانستان انقلابی متحد می سازد.

«بیرک کارمل»

۱۳۵۹ خدی ۱۳ ۳ جنوری ۱۹۸۱

اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی

انقلاب يك تحول کیفی و بنیادی شروع نمودند به عملی نمودن دسایس، شکست نا پذیر و سازنده رسالت يك چرخش عظیم و اساسی در حیات نقشه های شوم و غیر انسانی شان. عظیم خویش رادر برابر مام وطن جا معه محسوب می شود. ازینرو حقیقت الله امین این جبار به شایستگی انجام دهند و در- انقلاب اجتماعی، عمیق ترین و این خائن به حزب و مردم بنابر سازندگی، شکو فانی و بهسازی و بنیادی ترین تحول را در حیات دستور سی، آی، ای ای-من میهن محبوب ما افغانستان از هیچ سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک ساز مان استخبا رات امریکا به نوع سعی و تلاش دریغ نوزند. جا معه بو جود می آورد این تحول نیرو های ملی و دمو کرا تیک بیرک کارمل منشی عمومی کمیته بنیادی و عمیق زمینه را مساعد انقلابی و ترقی خواه ضرر بات مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق می سازد تا در عرصه های مختلف جبران نا پذیری را وارد نمود يك افغانستان رئیس شورای انقلاب بی زندگی اجتماعی تحول چشمگیر پدید عده از آنها را به زندان هافرستاد و صدر اعظم جمهوری دمو کرا تیک آمده و طو مار مناسبات فرسو ده و عده را هم تبعید نمود و خو ن افغانستان در کنفرانس با شکوه و کهن غیر عادلانه را در هم پیچد هزاران هزار فر زند بی گناه مارا نیرو های ملی و وطنپرست ست پیرا- و جای آنرا مناسبات عادلانه و نوینی ریخت و پدران، مادران، زنان و مون اهمیت تشکیل و نحوه کار اطفال رنجکشیده ما را برای همیشه جبهه وسیع ملی پدر وطن گفتند : بر نماید. سیاه پوش و عزا دار ساخت. وظیفه اساسی جبهه ملی انقلاب اجتماعی قدرت را از طبقات حاکم و ستمگر گرفته و به مگر مرحله نوین و تکا ملی پدر وطن عبارت از آنست که ضمن طبقات استثمار شده و محکوم و به انقلاب، کاخ ظلم و بیداد رژیم پیروی از منشی عمومی حزب دمو - توده های وسیع ز حمتکشان استبدادی طراز فا شستی امین کراتیک خلق افغانستان و تبلیغ، و رنجبران می سپارد و به خود کامگی جاسوس، این چهره آشنا و شناخته توضیح و ترویج سیاست شورای شده امیر یا لیزم و باند تبهکارش انقلابی و حکومت جمهوری دمو - و استعباد جباران خاتمه میدهد. را واژگون کرد، باب و مرحله کراتیک افغانستان توده های اعضای انقلاب نور که مطابق با کیفی و نوین رادر تاریخ حما سه - خود و تمام مردم نجیب افغانستان قانونمندی تکا مل جا معه ما به ساز این کشور عقابان بلند پرواز را در جهت اشتراک فعال و آگاهانه پیروزی رسید ثمره نبرد طولانی و دلبران غیور گشود. در اعمار جا معه نوین و افغانستان مردم، اقوام و ملیت ها، اقشار و طبقات وسیع و گسترده زحمتکشان مرحله کنونی پرو سه انقلابی شکو فان یا رعایت و احترام اصول کشور ما، مرحله ای انقلاب ملی و دین مقدس اسلام و در نظر داشت دمو کراتیک است و حزب دموکرا- سنن تاریخی، ملی و معنوی تیک خلق افغانستان این گردان بخصوص جا معه ما بسیج نمایند. بیش آهنگ با در نظر داشت جبهه پایه حاکمیت زحمتکشان رسالت و مسوولیت سترگ در رادر جمهوری دمو کرا تیک افغا - برابر مردم و در جهت تشکیل و بسیج نستان تشکیل میدهد، جبهه کلیه نیرو های ملی و دموکرا تیک وظیفه دارد و حدت مردم را به اعم از روشنفکران، کارگران، منظور فعالیت مشترک برای به دهقانان، کسبه کاران، سر بازان پیروزی رسانیدن کا مل انقلاب و افسران، روحانیون و طنپرست ملی و دمو کرا تیک و تکا مل و غیره اقشار و اقوام ساکن بعدی آن تحکیم بخشند و همچنان افغانستان سعی و تلاش خستگی در امر تربیت و طنپرستانه اهالی نا پذیر می نماید تا همه طبقات، و جلب وسیع اتباع جمهوری دمو- گروه ها، نیرو های ملی و دموکرا- کراتیک افغانستان در اداره امور آشام قرن را رویکنش کار نمودندو تیک و تمام ملیت های برادر این دولت و جا معه مساعدت نماید. سر زمین در چو کات جبهه ملی

بقیه در صفحه ۵۱

تجرب

جبهه ملی پدر وطن

متحد کنند همه مردم

انقلاب ملی و دموکراتیک
ضد فئودالیسم و ضد
امپریالیسم نور که برهبری علمی
و عاملان حزب دموکراتیک
خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه
کارگر و همه زحمت کشان وطن»
و به پایمردی و دلاوری اردوی
قهرمان و با اتکاء به پشتیبانی
با الفعل و بالقوه مردم باشپامت
افغانستان به پیروزی رسید نه تنها
راه نوین و انقلابی را در پرا بر
مردم و وطن ما برای شکوفایی
و خوشبختی گشود، بلکه بشکل
همه جانبه زمینه اتحاد و همبستگی
و یکدلی همه مردم رانیز مهیا
گردانید آری پیروزی انقلاب
شکوهمند نور صفحه گشای یک
حیات نوین را باز نمود.

درجوامع طبقاتی منجمده
افغانستان (قبل از انقلاب نور)
طبقات حاکم تمام نعمات مادی
جامعه را به خود و در خدمت
خود قرار داده و طبقات مؤلده
وزحمت کش چون کارگران، دهقانان
وسایر زحمت کشان هم چون
برندگان و مزدوران در بند کشیده
شده صرف به خاطر آنکه زننده
بمانند کار می کنند و تلاش می
ورزند، ولی این شرایط پایایی
مداوم ندارد زیرا طبقات زحمت کش
درک می کنند که مؤلده اصلی
نعمات جامعه آنها هستند و طبقات
حاکم مفت خوارانی بیش نیستند لذا
تحت رهبری حزب پیش آهنگ مرفقی
و انقلابی خویش به مبارزه بر می
خیزند، راز موفقیت این طبقات
و اقشار دموکراتیک در پهلوی

دیگر عوامل در همبستگی و اتحاد
آنها نهفته است.

در کشور محبوب و سر بلند
ما افغانستان اکثریت قریب
به اتفاق مردم طی سده ها و هزاره
های متمادی در تحت شرايط
ناگوار و ضد انسانی که از مناسبات
ناهمگون و غیر عادلانه اجتماعي
و تسلط دولت های جبار و ضد
مردمی رنج می کشیدند، فقر،
مرض، بیسوادی و بی خانمانی
بیداد می کرد و خلق عمدا در تاریکی
و جهل نگه داشته می شدند، حزب
دمو کراتیک خلق افغانستان چون
ستاره رهنمای مردم در آسمان
کشور ما پدید شد و راه طرد آن
شرایط را علما و عملا در پرا بر
خلق گذاشت و پیوسته آنها را برای
کسب پیروزی نهایی بسیج و آگاه
می ساخت. بالاخره در نور ۱۳۵۷
یوغ جباران و ستمگران شکست
وفرو غلطید، انقلاب نور چون
آفتاب درخشانی قلب و جهان
زحمت کشان و وطن پرستان
را گرم کرد و ظلمت ناشی از حاکمیت
طبقات جبار حاکمه را محو نمود و
دست ستمکاران را از دامنه
پاک وطن و مردم کو تاه ساخت.
با پیروزی انقلاب شکوهمند نور نه تنها
طبقات حاکمه ستمگر داخلی بلکه
متحدین جهانی شان امپریالیسم
جهانی، ارتجاع بین المللی و منطقه
و دیگر مرتجعین را نیز از خوان
مفت مردم افغانستان محروم نمودند
لذا همه یکدست علیه انقلاب
نور مردم افغانستان قرار گرفتند و
با آله دست قرار دادن حفیظ الله -

امین این جاسوس سی آی، ای و باند
فاسد و ستم پیشه اش انقلاب
مردم و وطن ما را در لب پر نگاه
سقوط قرار دادند و لی باز هم
مردم دلیر و سلحشور افغانستان
تحت رهبری حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و به پا یمر دی
اردوی دلیر و سر سپرده خویش
طومار ارتجاع امینی را به تاریخ
۶ جدی ۱۳۵۸ درهم پیچیدند
و انقلاب را وارد مرحله نوین و تکاملی
نمودند و مردم، وطن و انقلاب را
از تبااهی و ناگامی نجات دادند
تحول شگرف و قهرمانانه
۶ جدی ۱۳۵۸ بمثابة صفحه درخشان
و سازنده ای است در تاریخ
انقلاب نور که دامان حزب
وطن و انقلاب را از دشمنان
شان پاک ساخت و می توان
آنها (تحول ۶ جدی ۱۳۵۸) ادامه
دهنده قانو نمند انقلاب بر گشت
ناپذیر نور و آغازگر مرحله نوین
آن شناخت.

حال که انقلاب به سیر اصلی
خویش روانه است و حزب
و دولت مردمی ما پیوسته و
خستگی ناپذیر در جهت پیروزی
مردم و شگوفایی وطن در تکاپوست
باید راه های مؤثر و مثمر و سریع
آبادانی وطن و خوشبختی مردم را
جستجو کرد و به کار گرفت در قدم
اول همبستگی و اتحاد همه نیرو
های انقلابی، ملی و وطن پرست
درین مرحله حساس تاریخی کشور
و به خاطر نیل به اعتدال
افغانستان محبوب ما و به خاطر
رشد همه جانبه اقتصادی اجتماعی

سیاسی و فرهنگی کشور و پیروزی
مردم، شرط حیاتی و لازمی است،
دولت مردمی ما با درک این
حقیقت قدم های فراخی درین
جهت برداشته است که اقدام به
خاطر تر کیب و توظیف کمیسیون
عالی تدارک کنگره موسس جبهه
وسیع ملی پدر وطن در جمهوری
دمو کراتیک افغانستان که به تاریخ
۶ جدی ۱۳۵۹ با شرکت نمایندگان
همه طبقات و اقشار و گروه های
ملی، دموکراتیک و وطن پرست دایر
گردید اقدام بس ارزنده درین راه
محسوب می شود. مقدمات
این کار سترگ و سازنده با پیروزی
مرحله نوین و تکاملی انقلاب آغاز
شد، کنگره موسس معلمان،
کنگره داکتران و مستخدمین طبی
کنفرانس روحانیون، کنفرانس
مؤثریت کار وزارت خانه ها و
مؤسسات دولتی، کنگره موسس
اتحادیه نویسندگان، علمادشعرا
و کنفرانس همبستگی بین المللی
سازمان دموکراتیک جوانان
افغانستان و بالاخره کنفرانس
بین المللی سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان و امثالهم در جمله
اقدامات مقدّماتی در راه اتحاد
و بسیج مردم برای اعمار وطن
پیروزی خلق و مبارزه بی امان با
ضد انقلاب و دشمنان وطن می
باشد.

برک کار مل منشئی عمو می
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری
دمو کراتیک افغانستان در کنفرانس
پر شکوه و تاریخی تدارک کنگره
مؤسس جبهه وسیع ملی پدر وطن
بیانیه اساسی را ایراد فرمودند
وطی این بیانیه بر جهات مختلف
موضوع روشنی انداخته شد ایشان
در بخشی از بیانیه اساسی
چنین فرمودند: «... جبهه ملی
پدر وطن سیستم وسیع توده ای
سازمان های اجتماعی، سیاسی
است که ستون فقرات آنها اتحاد
بقیه در صفحه ۴۸

یکسال در یک

تعالی و ترقی مردم زحمت کش و مسلمان افغانستان دعا کردند .

۲۸- اسد :

شصت و یکمین سالگرد استر داد استقلال افغانستان آزاد و مستقل در سراسر مین عزیز تجلیل گردید .

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر روز شنبه هشت سنبله خان- عبدالغفار خان رهبر بزرگ و مبارز پشتون ها را در مقر شورای انقلابی هنگامی ملاقات نمودند

سعید فطر را در عید گاه ها و مساجد جامع مرکز و ولایات کشور در فضای نهایت آرام اخوت اسلامی ادا کردند و از بارگاه خالق بی - نیاز ترقی و تعالی افغانستان عزیز را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آرزو برده دشمنان وطن و انقلاب را سر نگون و شرم سار خواستند .

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ۹ قبل از ظهر روز ۲۱ اسد نماز عید سعید فطر را به امامت قاری محمد عمر در مسجد مقر شورای انقلابی ادا نمودند و برای

دموکراتیک زنان افغانستان در تالار لسه استقلال گشایش یافت .

• • •

یکهزار و چهار صد و سیزدهمین سالگرد نزول قرآن عظیم الشان این کتاب آسمانی بعد از افکار از طرف پوهنغی شرعیات پوهنتون کابل با برگزاری محظی در ادیتوریم پوهنتون تجلیل گردید .

• • •

هموطنان مسلمان و متدین ما در سر اسر کشور روز ۲۱ اسد حلول عید سعید فطر را با سرور و شادمانی استقبال نموده و نماز عید

ختم های قرآن عظیم الشان در ضمن نماز تراویح که شام اول ماه مبارک رمضان در ۷۵ مسجد شهر و حومه کابل آغاز شده بود شام ۳۱ سرطان پایان یافت .

هزاران نفر از شهر یان کابل درین ختم ها اشتراک داشتند در پایان ختم کلام الله مجید برای رفاه و آسایش مردم متدین و مسلمان افغانستان و شگوفانی مین عزیز در تحت رهبری حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان دعا نموده و از خداوند بزرگ استدعا نمودند تا دشمنان انقلاب و خاک مقدس کشور مانیت و نابود گردند .

• • •

پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بتاريخ اول اسد ۱۳۵۹ دایر گردید .

درین پلینوم بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره وظایف حزب و دولت به خاطر تشدید مبارزه علیه نیرو های ضد انقلاب و تقویه قوای مسلح و نیرو های امنیتی دولتی و نظامی اجتماعی بیانیه ای ایراد کردند .

• • •

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قبل از ظهر ۱۳ اسد در جلسه فعالین حزبی شهر ولایت کابل که پیرامون تطبیق تصامیم تاریخی بزرگ و پراهمیت پلینوم سوم کمیته مرکزی در محیط سرشار از روح رفاقت همبستگی و وحدت خدشه ناپذیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور در تالار سلامخانه مقر شورای انقلابی دایر گردیده بود اشتراک ورزیدند .

۱۸- اسد :

باقرانیت پیام بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ، نخستین سیمینار تربیوی برای بالا بردن سطح دانش اعضای سازمان



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو فعیکه بیانیه شانرا به مناسبت شصت و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور عزیز و محبوب ما افغانستان از طریق رادیو تلویزیون ایراد مینمایند .

هفت هفته

سو مین جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق ماده سی و هشت اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار و نیم عصر سی و یکم سنبله ۱۳۵۹ در مقر شورای انقلابی تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان دایر گردید.

اول میزان:

کنگره مؤسس اتحادیه هنرمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان ضمن مراسم باشکوهی در تالار کابل ننداری افتتاح گردید.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. خ. ۱۰، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم

جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲ میزان یکده از روسای عیات های سازمان های جوانان

دموکراتیک کشور های مختلف جهان را که جهت اشتراک در کنفرانس سر تاسری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و ابراهیم بیک با افغانستان انقلابی به کابل آمده بودند در قصر گلخانه پذیرفت در این ملاقات نمایندگان چهل

و چهار سازمان ملی از سراسر جهان و پنج سازمان بین المللی جوانان اشتراک ورزیده بودند.

دوم میزان:

د افغانستان دموکراتیک جمهوریت او شوروی اتحاد تر مینځ د افغانستان د خلک دیموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د ټولنیزو علومو دانستیتوت دودانو د جوړولو موافقه لیک د افغانستان د خلک دیموکراتیک گوند د مرکزی کمیته په مقر کې لاسلیک او سندونه یی یو بل ته ورکړ شول.

۸ میزان:

اولین پلینوم شورای شهری اتحادیه های صنفی شهر کابل طی مراسمی در تالار اتحادیه های کارگری افغانستان بر گزار شد.

۱۳ میزان:

کنگره مؤسس اتحادیه نویسندگان و شعرای جمهوری دموکراتیک افغانستان طی مراسمی بایضی سر دملی جمهوری دموکراتیک افغانستان در تالار لیسه استقلال گشایش یافت.

۲۲ میزان:

موزیم ملی افغانستان بعد از یک دوره غم انگیز رکود مجددا در عمارت سابقه آن واقع دارالامان افتتاح شد.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بنابه دعوت کمیته مرکزی حزب خلقا ورق بزئید

درفش جوانان ارگان کمیته اجرائیه سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان روز ۱۹ سنبله انتشار یافت.

کنگره مؤسس اتحادیه ژورنالیستان جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از لېسر ۲۴ سنبله ضمن مراسم با شکوخی در تالار مؤسسه صحت عامه افتتاح گردید.

دسنبلې ۳۱:

دوات دبانگو ټوله لاری دوطن پلاستیک له فابریکی سره سر کال څه نا څه شپيته ملونه افریقای مرسته کړیده.

یدو سره په کابل کې پای ته ورسیده.

بنامی از مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان راجع به تطبیق مواد کنفرانس ارتقاء موزیت فعالیت وزارت خانه ها، ادارات و موسسات دولتی و ز ۱۲ سنبله سیمینار روسا آمرین موسسات، پروژه ها و تصدی های وزارت معادن و صنایع توسط وزیر معادن و صنایع افتتاح گردید.

روزی بین المللی سراد ۱۷ سنبله طی محافل شانداري در سراسر کشور تجلیل گردید.

زمون د پښتو او بلوڅو وروڼو ملي ورځ د سنبلې ۹ په کابل او هیراد د ولاياتو په مرکزي لوبگي د ځانگړي وټولو په ترڅ کې ونه اخل شوه.

دسه شنبې ورځ د سنبلې په يوولسمه نېټه دافغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته ارگان (حقیقت انقلاب لور) لومړنۍ گڼه څپه شوه. دسنبلې ۱۲:

دعبود دنامتو عالم دختیج دستراو پوه حکیم شیخ الرئیس بلخي ابوعلی سینا د ژوندنی دږم کال علمی سیمینار دبریکره لیک په صادر



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ملاقات با خان عبدالغفار خان مبارز نهضت آزادی بخش ملی و دیر بزرگ پښتون ها.



بېرك كار مل منشي عمو می کمیته مرکزی حزب د مو گرا تیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه با یگمه از مردم ولسوالی خلم ولایت سمنگان مصافحه می نمایند .

• • •

یگسال دریک هفته

در دوران این مذاکرات که دریک فضای

مذاکرات رسمی بین جمهوری دموکراتیک صمیمانه دوستانه و تفاهم متقابل صورت

گرفت روی مسایل اساسی روابط افغانستان

اتحاد شوروی تبادیل نظر به عمل آمد

و انکشاف پیروزمندانه و مشراین روابط بر مبنای

لیستی روز چهار شنبه ۲۳ میزان در راس

یک هیات عالیترتبه حزبی و دولتی برای یک

لیستی روز ۲۴ میزان در عصر کریملین در

مسکو صورت گرفت .

کمونست اتحاد شوروی هیات رئیس شورای

مسافرت رسمی و دوستانه به اتحاد شوروی

عزیمت کردند .



بېرك كار مل منشي عمو می کمیته مرکزی حزب د موکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه سو مین جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را افتتاح می نمایند .



یک سال در یک هفته

معاهده دوستی حسن همجواری و همکاری میان
دو کشور متعلقه سال ۱۹۷۸ ابراز رضایت عمیق
شد *

دمیزان ۲۷ :

دلوی اختر لومړی نیکمرغه ورځ او زمونږ
مسلمانانو خپلواکو خلکو په دیره خوښی او
خوشحالی دختر د نیکمرغو ورځو کلي وگر *

د ملگرو ملتو د موسسې د جوړېدونکې دېرشمه
کالیزه د غړې لمرې نېټه په هیواد کسی
ونمانځله شوه *

د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د
مرکزي کمیټې عمومي منشي د افغانستان د
دموکراتیک جمهوریت د انقلابي شورا رئیس او
صدر اعظم ببرک کارمل شوروی اتحاد ته له
یورسمې او دوستانه تاریخي سفر څخه وروسته
د غړې ۱۴ نېټه په خیر سره گران وطن ته
راستون شو او د هیواد دلس گونوزرو تنو
زیارکښو وطنوالو لخوايي لهو لولو دکاوبی
ساری هرکلی وشو *

د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند د
مرکزي کمیټې عمومي منشي د افغانستان د
دموکراتیک جمهوریت د انقلابي شورا رئیس
اوسر اعظم ببرک کارمل د غړې ۱۶ نېټه له
غرمې وروسته په یوه بچه په هغه درنده غونډه
کې برخه واخیسته چې د افغانستان د خلک
دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې د افغانستان
ددیمو کراتیک جمهوریت د انقلابي شورا او
وزیرانو شورا او افغانستان او شوروی اتحاد
دوستي د ټولنی له خوا داکتوبردستر سوسیال

ببرک کارمل منشي عمومي کمیټه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان وليونید برېژنف منشي عمومي کمیټه مرکزی حزب کمونسټ و صدر هیات رئیس شورای عالی اتحاد شوروی مو قعیکه
بیانیه مشترک دو کشور را اضا مینمایند *

لیستی انقلاب ددري شیتمی کالیزی دنمانځلو
له امله د کابل ننداری په تالارکی شوی وه *

هیات مدیره بانک انکشاف زراعتی تحت
ریاست عبدالوکیل وزیر مالیه ورئیس هیات
مدیره با نك روز ۱۹ غړې ۱۳۵۹
در عمارت با نك تشکیل جلسه
داده و بعداز غور و بررسی راپور های هیات
عامل ، هیات نظار داخلی وادیتوران بین المللی
بیان نشست و صورت حساب نفع و ضرر سال

۱۳۵۸ آن بانک را منظور و تصویب نمود *

نخستین کنفرانس شورای شهری نمایندگان
زنان شهر کابل تحت رهبری سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان بخاطر تشکيل زنان افغانستان
در امر دفاع از انقلاب و مردم بعداز ظهر ۲۸ غړې
۱۳۵۹ درادیتوریم لیسه امانی دایر شد *

کنفرانس بزرگ وبا عظمت سرتاسری زنان
بقیه در صفحه ۴۹



ببرک کارمل منشي عمومي کمیټه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه یک عددی از روسای هیات
های سازمان های جوانان کشور های مختلف جهان را در قصر گلخانه پذیرفته و با آنها صحبت مینمایند *

سلسله گفت و شنود ها و نشست های انتصابی ژوندون در زیر ذره بین

يك بررسی و انگیزه یابی همه جانبه پیرامون :

علل کمبود و گرانی مواد سوخت در شهر کابل

دشواریهای خانواده ها به این سبب

و کاوش راههای حل و عملی این معضله

به جدل می آورد که خوش بختانه علی الرغم همه سنگ اندازی ها و تلاش گسترده دشمنان انقلاب اقدام بموقع دولت مشکل کمبود و گرانی چوب سوخت را از میان بر داشته و خانواده ها را از نگرانی وارها نیده است .



حشمت او رنگ معاون کمیته ولایتی کابل

- در این جدل این اشخاص شرکت داشتند :
- ۱- حشمت اورنگ معاون کمیته ولایتی کابل
 - ۲- محرم علی معاون شاروالی کابل
 - ۳- دکتور عرب گل طوطا خیل سکرتر جنرال جمعیت افغانی سره میاشت
 - ۴- دیپلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلی ملی موسسه
 - ۵- دیپلوم انجنیر عبد الستار صافی رئیس برق کابل
 - ۶- شمس الدین رئیس تفتیش شاروالی کابل
 - ۷- دگر من ارکان حرب احمد الدین مدیر عمومی او پرا سیون وزارت دفاع ملی
 - ۸- دیپلوم انجنیر محمد قاسم پوپل معاون ریاست پلان وزارت معادن و صنایع
 - ۹- غلام حضرت معاون ترانسپورت عمومی
 - ۱۰- انجنیر محمد حسن عثمان امر ارتباط ذغال سنگ
 - ۱۱- میر عبد الرحمن مدیر عمومی تخنیک ریاست انحصارات دولتی
 - ۱۲- عبد الله بشیر شور «به نمایندگی از خانواده های کابل» و برخی از اعضای گروه مشورتی ژوندون

یاد داشت گونه یی به عنوان پیشنهاد

مشکلات ترانسپورته در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است .

بدون شك هر دشواری راه حلی كند و چگونه عمل كنند كه ساده دارد و مشکل انرژی هم . ترین راه های حل ممكن در زود اما این مشکل را باید کدام يك ترین فرصت ممكن به تطبیق آید ؟ از ارگان های مسوول حل ژوندون این تنها هفتگی نامه همه

خانواده های کشور که تاکنون نیز عمیق ترین ، اساسی ترین و دشوار ترین مسایل زندگی خانواده ها را در بوته نقد و انتقاد قرار داده و با راه اندازی جدل های خود مسوولان هر بخش را در دور يك ميز گرد آورده و به طرح و بررسی و انگیزه یابی و راه حل جویی دشواری مورد بحث پرداخته اینك يكبار ديگر این مشکل همه خانواده های شهر را در شرایطی

اما از آنجا که باید مساله به صورت اساسی ریشه یابی گردد و از همین اکنون اقداماتی به اجرا آید که در سال های آینده به مرور تمامی مشکل محروقاتی راه حل یابد و تعویض انرژی نیاز ما را به قطع درختان از میان بر دارد ، این مجله موقف پیشگامی و پیش آهنگی خود را در طرح مسایل حفظ میکند و با دعوت از مسوولان شاروالی ، نفت و گاز برق ، ترا نسپورت و



گوشه‌یی از میزمدور ژوندون پیرامون علل کمبود وگرانی مواد سوخت در شهر

ایستگاه خانواده‌ها

لطفا دست نگه دارید، ورق نزنید!
به شما خانواده‌ها، به شما که تاکنون نتوانسته‌اید مواد محروقاتی مورد نیاز خود را تهیه کنید و به شما که در آستانه زمستان و با احساس سوز سرما، به یاد یخبندان سال پیش می افتید دردمسزده می‌دهیم که این مشکل در اثر توجه دولت انقلابی و مردمی شما مرفوع گردیده است

معذالك برای خانواده‌های محترم باین گام نافع دولت ازین با بت دیگر کدام نگرانی باقی نمی ماند.

ژوندون این تنها مجله هفتگی خانواده‌های کشور با ارج گذاری به خواست شما بازهم پیش گام و پیش آهنگ به انجام رسالت نشراتی خود پرداخت و با دایر ساختن يك مرد هم آیی با شرکت تمام مسؤولان سازمانها و ارگانهای مربوط به موضوع، دشواری فرا رسیدن سرما و مساله نیاز مندی مواد محروقاتی را به طرح آورد و از آن نتایج سودمند گرفت ما از شما دعوت می‌داریم این جدل جالب را دنبال کنید و با ارائه نظریات پیشنهادات و انتقادات خود، همیشه سپا سگزارمان سازید.

ما باز هم نظرات شما را با مسؤولان امور در میان می‌گذاریم و میکوشیم طرح‌های عملی و تطبیقی در شرایط کنونی زمینه پیاده شدن به عمل آید.

یکبار دیگر از شما - از فرد فرد شما - از همه خانواده‌ها به خاطر علاقه شان به این مجله و این سلسله جدل‌ها متشکریم.
آدرس ما این است: انصاریات - مطبعه دولتی، مجله ژوندون

مشکلات ترا نسپورتی در زمینه انتقال چوب به کابل رفع شده است

...

نمایندگان ادارات دیگری که به نحوی با موضوع زیر بحث رابطه دارند، میکوشند زمینه مطالعه و بررسی موضوع و طرح راه‌های حل عملی و تطبیقی را فراهم آورد. یکبار دیگر از فرد فرد خواننده مشکل پسند ژوندون و از همه خانواده‌هایی که ما را در پیشبرد موفق فعلی نشراتی مان مشوق می‌کردند سپاس داریم و باز هم در انتظار نظرات، انتقادات و پیشنهادات تازه و جالب شما می‌باشیم.

گشا یشکر جدل است. و در ابتدای سخن با اشاره بی‌به موضوع بحث می‌گوید:
- ژوندون نشریه‌یی است خانوادگی و ناگزیر از آنکه نه تنها عمده ترین دشواری‌های خانواده‌ها را در بوته نقد و انتقاد قرار دهد و باز زمینه سازی‌های سودمند مسؤولان با صلاحیت از گانه‌ها و سازمانهای مختلف را در گرد هم آیی‌هایی به دور هم جمع آورد و در پی کاوش راه‌های حل اساسی، منطقی و تطبیقی بر آید، بلکه این راهم در شمار رسالت‌های نشراتی خود میدانده که

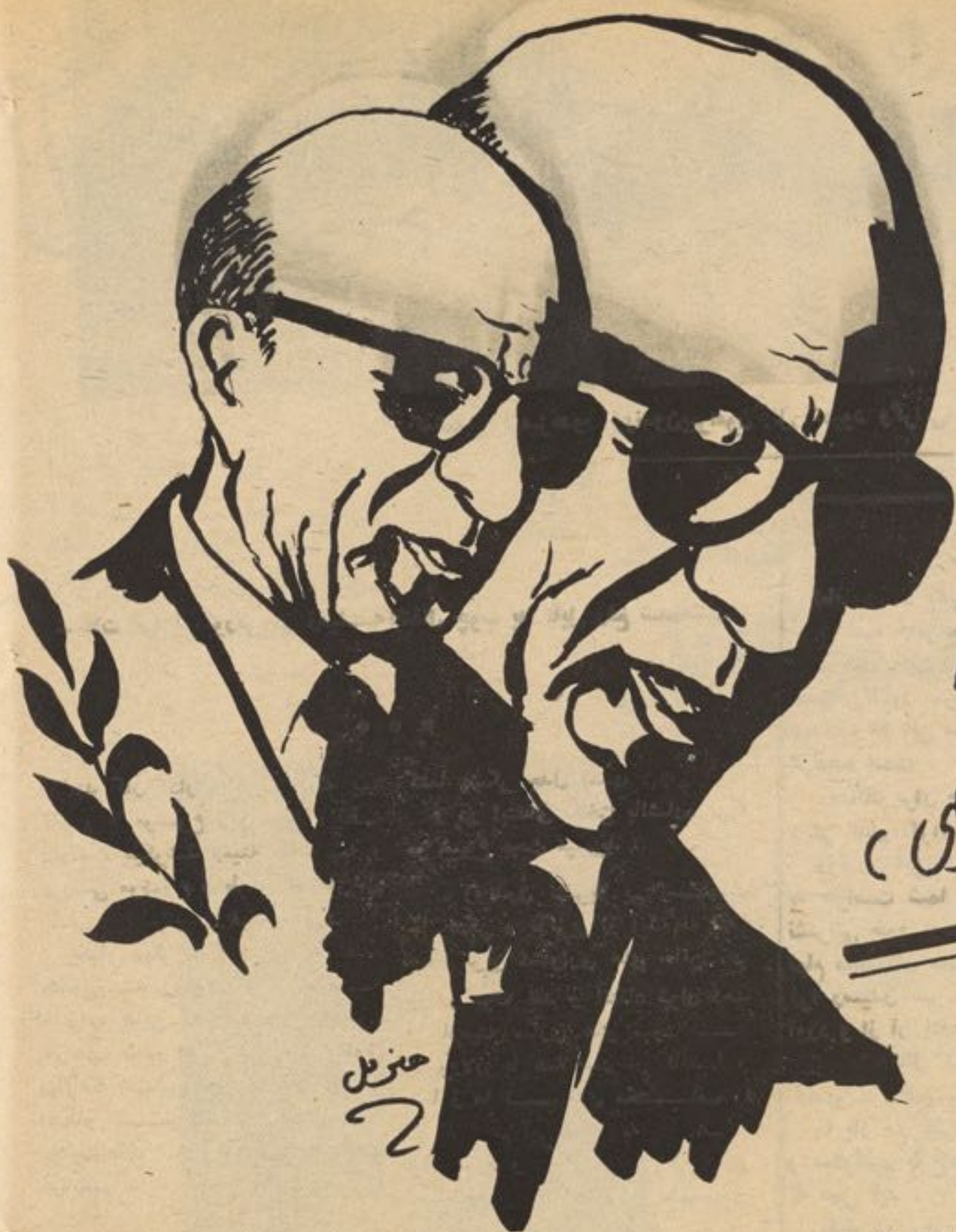
را حله راسخ خرمی مدیر مسؤول هفتگی نامه خانوادگی ژوندون

بقیه در صفحه ۱۹

مسایل

سیاستی و اجتماعی، فرهنگ و

هنر، نوجوانان، جوانان و خانواده‌ها



شاعری از فلسطین

ابوسلما (عبدالکریم الکریمی)

بخاطر فلسطین و برای رسیدن به پیروزی فلسطینی ها چه کسانی که جان خود را از دست نداده اند، مبارزه کرده اند، ولی باز هم ندای آزادی و پیروزی در این نقطه جهان خفه نشده است. ندای آزادی در این جای بیشتر از دیروز زانعا سر می کند و همه گیر تر میشود و برای صهیونیست ها مسجل می شود که دیگر نمی توانند از مسئله فلسطین رو بگردانند.

ابوسلما از شمار شاعران شناخته شده ادبیات فلسطین است. او مانند سایر همسنگران راه آزادی فلسطین چون عنان کنفانی پیروز مند از محاکم آزمایشش تاریخ بدر آمده و لحظه ی نخواستنه است خلق فلسطین بسی هدف بزنند.

ابوسلما در سال ۱۹۰۹ در تو لکریم فلسطین به دنیا آمد، پدرش سعید الکریمی نام داشت. تحصیلات ابتدایی اش را در تو لکریم به آغاز گرفت و تحصیلات اش را در شهر دمشق (سوریه) ادامه داد.

در سال ۱۹۲۷ به حیث استاد ادبیات در یور شلم بکارش شروع کرد و در این زمان به تحصیل حقوق پرداخت و درین سالها دوست دیرینش

ابراهیم توکان را ملاقات کرد. این ملاقات درزندگی و کارهای

ادبی وی تاثیر خیلی ارزنده داشت. از او اشعار و مقاله های زیاده در روزنامه ها و مجلات عرب و فلسطین بنشر رسیده است. که بعدا او پرکارترین

نویسنده فلسطینی عنوان شد. ابو - سلما مجددا در سال ۱۹۲۹ با دو -

ستش ابراهیم توکان که حالا بر گرداننده برنامه های رادیوی عرب در یور شلم بود پیوست.

ابوسلما شاعر و انقلابی گرانمایه فلسطین است در اشعار او بخش های مختلفی از زندگی خلق فلسطین یعنی جریان آوارگی شده نومبارزه برای بازگشت به فلسطین، عملیات وحشیانه دولت تروریست اسرائیل

و نهایت پیروزی خلق فلسطین به یختگی تصویر گشته است. او با امپریالیسم، فاشیسم و صهیونیسم این دشمن مشترک را بنیان سخت درنبرداست. او میداند در این نبرد آشتی ناپذیر اوتنهانیست، همه انسانهای صلح طلب و بشر دوست درین مبارزه بزنگ با ابوسلما ها و کنفانی ها همسنگر اند. این مبارزه مبارزه حق بر باطل است و حق نیست داعیه فلسطین را بدرستی اش مسجل می کند. در اشعار زیبایی او چهره تبعید شدگان و آوارگان که بحکم ظلم و تعدی و وحشت از وطن شان رانده شده اند نقش خوبی یافته است.

ابوسلما بزودی از عهده اش باز نشسته شد و در حقیقت دفتر محاکمات گشود و کارش را تا سال ۱۹۴۸ و شروع تراژیدی فلسطین ادامه داد. ابوسلما سنگر مبارزه قلم را هیچگاه رها نکرد. از سال ۱۹۴۸ به بعد در سوریه مسکن گزید و دور از میهنش به هنر و ادبیات عمیقانه رو کرد. سه مجموعه شعر (مهاجر) در سال

کرد.

مجموعه شعر (مهاجر) که در سال ۱۹۵۳ از چاپخانه برآمد میشود گفت که از بهر رین اشعار حماسی و انقلابی او است. که این کارنامه های او مردم اش را در شناسایی صهیونستان این غا صبان آزا دی کمک کرده است. در مجموعه الهام من فلسطین او با هرچه نوآوری دگرگونی و تحرك است همپا میشود و میتوان این خصوصیات را در آنها به آسانی لمس کرد.

او میداند در دنیا ی شگفتن و شگفتنی هازندگی میکند. و از این جا ست که در اشعارش بویندگی، تلاش، و تقلا رنگ میگیرد. او به شگفتگی و تکامل سخت معتقد است و لحظه ای درنگ نمیکند و توقف و بازگشت را گنا میدانند و به پیشروی سازنده ادامه میدهند. او در سال ۱۹۷۸ جا یزه مجمع ادبی نو یسندگان آسیا - افریقا را از آن خود ساخت.

بلکان نور، آنها آینده شان را و خاک شان را با خود خواهند داشت. او نیم قرن تمام برای مردم اش شعر سرود و آنها را در برابر دشمنان میهن بسیج

سند و بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان

۱۹۵۳، (ترانه های میهن) در سال ۱۹۵۹ و (فلسطین الهام من) در سال ۱۹۷۱ از او منتشر شده است. الهام اودر چکامه هایش همان کود کان گر -

... عشق تو در من نفی میرد وطن من

الهام اودر چکامه هایش همان کود کان گرسنه و بی خانمانی است که امروز آواره اند و شکم هایشان گرسنه !!



ترجمه: خان محمد گوارا

ویتنام در قلب ما جاء دارد

مردم قهرمان و رزم جوی ویتنام پیوسته در تلاش و بهسازی کشور محبوب شان اند.

راه ها و تاسیسات زراعتی کمک نموده اند. کارگران اتحاد شوروی از مسکو، متسک و الگا گراد و کیف و غیره شهر ها و اطراف اتحاد شوروی فرمایشات ویتنام را اجرا کرده و حقوق روز های رخصتی (روز های شنبه یا سبوتنیک ها) خود را به خواهران و برادران بقیه در صفحه ۲۵

برجسته زندگی ماست، با اطمینان می توان گفت که حتی یک نفر هم در اتحاد شوروی وجود ندارد که درین احساس عمومی شریک نباشد. دوکتوران، استادان، انجینیران، کارکنان زراعتی و کارگران ساختمانی اتحاد شوروی مردم ویتنام را در امر اعمار و تاسیس فابریکه ها و مکاتب شفا خانه ها، استیشن های برق

سی و پنج سال قبل بتاريخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ دولت مستقل جمهوری دموکراتیک ویتنام در نقشه سیاسی جهان پدید آمد. اگر از هر کسی در اتحاد شوروی بپرسید که ویتنام برای او چه معنی دارد، او به یقین خواهد گفت که ویتنام کشور شجاع و ملت آن مبارز و زحمت کش و ساعی و دوستان وفادار ما و شریک ما در مبارزه بغاطر صلح و سوسیالیسم می باشد. همبستگی با ویتنام یکی از خصوصیات

خبریار عبدالله «محب حیرت»

وضعگیری زنان

در مجامع

بین‌المللی و امور جهانی و موقف

شان از نگاه منشور ملل متحد



اشتراک زنان در مجامع بین‌المللی و سمینارهای مختلف مربوط به ارگانهای ملل متحد، در تثبیت مقام زن نقش اساسی دارد.

پس منظر موضوع :

«کارهای شبانه زنان کارگر صنایع» در حقیقت تداوم کار گزاریهای «جامعه ملل سابق» می باشد که در سال ۱۹۴۸ از طرف «موسسه ملل متحد» بر بعضی محتوای آن تجدید نظر های بعمل آمد. زیرا با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تنها در حدود متاصفه دول جهان مصوئیت فردی و آزادی زنان را مزید بر گذشته حمایت و تاکید کردند.

زیرا از ورا ی نشرات متعدد ملل متحد چنین استنتاج شده است که :

یکی از مقاصد برانزله ملل متحد بموجب منشور آن، موضوع تساوی حقوق زن و مرد اعلام گردیده است. چنانچه برای تعقیب و تطبیق این منظور در اوایل سال ۱۹۴۶

مجلس اقتصادی و اجتماعی ملل متحد کمیسیونی راجعت رسیدگی بوضع و موقف سیاسی اقتصادی، اجتماعی، مدنی و تعلیمی زنان کشور های جهان بشمول مناطق غیر آزاد تعیین نمود تا برای اعطای تبعیض و اختلافات میان تپی تجاوزی مؤثری را اتخاذ کند و زمینه را برای پیشرفت زندگی، تثبیت مقام و موقعیت انسانی آنان فراهم سازد. از آنوقت تاکنون کمیسیون هجده عضوی مذکور سالانه

مساله تساوی حقوق زنان با مردان و رهایی آنان از زیر بار های طاقت فرسای منالام گونه در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست مورد توجه برخی کشور ها و مجامع بین المللی قرار گرفت ولی چند سال بعد از جنگ عمومی اول با تاسیس «جامعه ملل» این موضوع بیشتر شکل رسمی و قاطعی را پیدا کرد. بطور مثال :

در سال ۱۹۳۵ انعقاد کنوانسیون عدم استفاده زنان در کار های زیر زمینی توسط موسسه بین المللی کار و در همین سال مطالبه سر منشی جامعه ملل در مورد وضع مقرراتی مبتنی بر «تثبیت و حمایت اساسنامه حقوق نسوان» که در سال ۱۹۳۷ مورد تایید و پذیرش افغانستان نیز واقع شد از جمله اقدامات زیربنایی این موضوع بر شمرده می شود.

سپس در سال های ۳۸-۱۹۳۹ کنوانسیون نمبر (۴) و (۴۱) پیرامون «حقوق شیکاری زنان» و تعیین اجرت های عادلانه در برابر هر ساعت کار، کنوانسیون نمبر (۱۰۰) و توصیه نامه نمبر (۱۰) راجع به مزد مساوی برای کارگران ذکور و ناث، کنوانسیون نمبر (۸۹) راجع به

یکبار تشکیل جلسه داده و راپور کار خود رابه «ایکوسولا» (نام مخفف مجلس اقتصادی و اجتماعی) طور پیهم و منظم گزارش می کند و به مجلس مشورت میدهد تا از چه طریقی میتوان موقف زنانرا بصورت مطلوبتری انکشاف داد.

حقوق سیاسی زنان :

در یکی از نشرات ملل متحد که پیرامون پهلوهای مختلف اقدامات آن موسسه روشنی افکنده شده است در باره «حقوق سیاسی زنان» چنین مطالبی را ارائه کرده اند: چون حقوق سیاسی دارای اهمیت حیاتی است لذا کمیسیون در پروگرام کار خود این مساله را زیاد ترجیح داده است. باتر تقاضای این کمیسیون، اسامبله عمومی در سال ۱۹۴۶ بهمه دول عضو توصیه نمود تا برای زنان هم عینا مثل مردان حقوق سیاسی مساویانه داده شود. از آن وقت بعد کمیسیون مذکور

هر سال موقعیت سیاسی زنان را از نظر حقوق ملی شان نیز تجدید نظر نموده و تحولانی را که در زمینه تساوی حقوق زن با مرد صورت گرفته باشد، مطالعه می کند. تاکنون بیش از یکصد و بیست و پنج مملکت برای زنان حق رای دهی و انتخاب رادر دوا برعاده داده است و متباقی کشور هادر حال بررسی و مطالعه موضوع میباشد تا آنها مطابق شرایط اجتماعی و محیطی خویش وفق دهند و سازگار



از نگاه شعار ملل متحد و محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر حق اجتماع زنان با مردان

یکسان ارزیابی شده است.

ژولنون

توسعه مزید و اجباری قرار دادن تعلیمات ابتدایی، مبارزه با بیسوادی و تعلیمات اکابر نسوان نیز همواره مورد توجه خاص کمیسیون مذکور بوده است. علاوه بر کمیسیون یاد شده در باره تدریس مسلکهای مناسب زنان، استخدام و پیشرفت مساویانه با مردان هم توجه مداومی داشته و با درخواست کمیسیون مذکور یونسکو در باره امکانات موجوده تعلیم و تربیت زنان راپورهای کار امدها تهیه کرده است.

حقوق خانوادگی و تملک :

بتاریخ ۲۸ مارچ ۱۹۶۰ کمیسیون مقام زن جلسات خود را پیرامون حقوق سیاسی و مدنی زنان و موقف آنان از لحاظ قوانین خصوصی و خدمات مشورتی بر حقوق بشر و یونسکو آیرس دایر نمود و با اتخاذ چندین تصمیم، حداقل سن ازدواج را برای زنان پانزده سال تعیین کرد. در سال ۱۹۶۱ که با پانزدهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد مصادف بود موضوع «ترقی و پیشرفت زنان» هم طرف مطالعه و مورد قرار گرفت و میثاق جهانی شهول و بر محتوایی ترتیب گردیده بود.

بقیه در صفحه ۱۰



عده ازدو شیگان و زنان ایتوبیایی (جبهستان سابق) در یک فابریکه نختایی و نساجی واقع ادیس بابا مصروف کار اند که به کمک بانک جهانی ملل متحد تمویل و تقویت شده و تحت نظر متخصصان ملل متحد فعال گردیده است.



حق توطن و مسکن آزادیکی از اهداف منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر است که در پهلوی همه خواستهای انسانی حق تملک قانونی نیز برای زن و مرد مساویانه تاکید شده است.

نخستین سیمیناری که تحت پروگرام خدمات مشورتی در زمینه بشر در سال ۱۹۵۵ صورت گرفت بر موضوع مسوولیت های مدنی زنان آسیا و اشتراك شان در حیات اجتماعی غور کرد. همچنان در سال ۱۹۵۹ عین چنین سیمیناری درباره زنان امریکای لاتین در بوگوتا پایتخت کولمبیا دایر شد. سیمینار سوم در وی همین مساله به سال ۱۹۶۰ در ادیس بابا مرکز ایتوپیایی امسر و ز و حبستان آنروز منعقد گردید و راجع بدین موضوع از نظر ممالک آزاد و غیر آزاد افریقایی بحث کرد. پروگرام خدمات مشورتی در قسمت حقوق بشر شامل فیلوشپیها، سکالرشپها و سیمینارها است که با تر درخواست حکومت مستقل مساعدت می گردد.

در ارتباط با این موضوع قابل تذکر است که : از بدو تاسیس کمیسیون مقام زن تا حال در موضوعات تعلیم و تربیت عمومی زنان نیز توجه پیگیری منهدم و متمرکز شده و کمیسیون مذکور با همکاری یونسکو توانسته است تا در همه ممالک جهت فراهم آوری امکانات بیشتر تحصیل بسویه های ابتدایی متوسطه و ثانوی برای زنان کمک نمایند.



در پروژه های شهرسازی و مسکن که بعضاً از طریق بانک بین المللی تعمیر مجدد و انکشاف (دبلیو بی) ملل متحد تمویل و امداد میشود، متخصصان و مشاوران آن موسسه شامل زنان و مردان نیز همکاری می کنند.

کمیسیون بزرگ موضوع تعلیم و تربیت سیاسی و مدنی زنان را بخصوص در کشورهایی که آنها زنان از حقوق سیاسی محروم اند و یا اینکه تازه به آن حق سیاسی خویش نایل شده اند، تحت غور و مطالعه قرار داد.

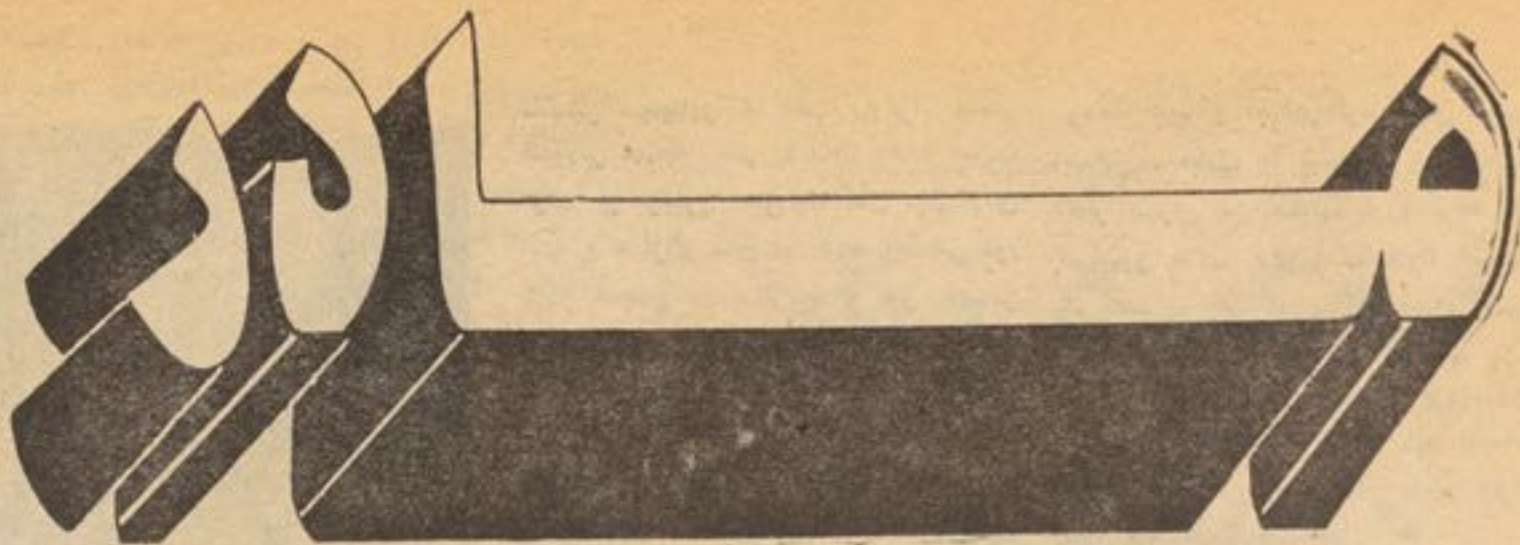
یکی از زنان معروفی که در مجمع بین المللی به نفع جامعه نسوان نقش قابل ملاحظه را بازی کرده است میرمن «وچا بالکشمی» بنت، خواهر «جوهر لال نپرو» صدراعظم فلید هندوستان می باشد که در سال ۱۹۴۸ باری بعیت نخستین سفیر کبیر کشور خود (هند) در مسکو پایتخت کشور شور را تعیین شدو سپس در سال ۱۹۵۳ بصفت یگانه و اولین زن آسیایی در جهان، بریاست هشتمین جلسات عمومی سازمان ملل متحد بر گزیده شد و از حقوق زنان هم بار بار و بسیار دفاع کرد. مطابق پالیسی های مشخص و طرح شده

در یکی از فقرات «مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر» مصوبه سال ۱۹۴۸ اسامبله عمومی که بعد از «مقدمه منشور ملل متحد» تنظیم و بخش گردیده است، به ارتباط تأمین تساوی «حقوق مرد و زن» و تثبیت موقف آن دو گروه همپایه عهد یگر چنین آمده است :

«از آنجا که مردم ملل متحد عقیده خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن، مجدداً در منشور اعلام کرده اند، تصمیم راسخ گرفته اند تا به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیط آزادتر وضع زندگی بهتری را بوجود آورند.

در همین سال طی سومین جلسات اسامبله عمومی ملل متحد تحت ریاست «مادام روز-ولت» نخستین زنیکه در جهان بعیت رئیس مجمع عمومی بر گزیده شده بود، مسوود «اعلامیه حقوق بشر» مورد تجدید نظر قرار

گرفت. بعداً کمیسیون مقام زن در باره حقوق سیاسی زنان میثاقی را تهیه و تدوین کرد که در ماه دسامبر ۱۹۵۱ از طرف اسامبله عمومی تصویب گردید و در سال ۱۹۵۳ برای امضاء باز گذارده شد. این میثاق برای زنان حق میدهد تا همپایه مردان در انتخابات شرکت کرده و خود هم انتخاب شوند و در موسسات اجتماعی ممالک شان مقامات اداری و اجتماعی را چون مردان بدست آورند. لیکن حقوق سیاسی بدون اینکه قابلیت استفاده بخردانه و عاقلانه از آن موجود باشد، کافی نبود و نیست. لذا



پیش میکند ... یکی از زنان دیگر همسایه که کاسه شوربا را با خود آورده است میگوید: شما اصلاً در روزها نان نخوردین، ای شورواره بگیرین و هر وقت که دلتان خواست گرم کتین و بخورین *

مادر: باتشکر میگیرد و میگوید: شما مردان مهربانی هستین، همه شما قلب مهربان دارید. تشکر از اینکه به فکر ما افتادین و اینجا آمدین. یکی از زنان همسایه میپرسد: عکس پاول پیش شماست؟

مادر: نه، یکی دو قطعه عکس آورده داشتم ولی از ترس پولیس ها همه را سوزاندم.

زن همسایه: کاش اقلاً عکس آورده به یادگار میداشتین، هر وقت طرفش میدیدین شاید که دل تان کمی صبر میشد *

صاحب خانه: سر خود را شور داده میگوید: او جوان بسیار مقبولی بود *

کاش شما آورده کمی نصیحت میکردین *

مادر: چه نصیحتی؟

زن صاحب خانه: که دنبال اینکار میرفت.

مادر: به نظر من او وظیفه خود را قهرمانانه انجام داد *

زن همسایه خطابه به زن صاحب خانه: به

بری شما گفته بودم که خانم والسوا عقاید دیگری دارد تا ما و شما ...

زن صاحب خانه: اما امشب شنیدیم که شما از غم و غصه جیغ میزدین و گریه میکردین. ماصدا ی بلند شماره شنیدیم *

مادر: مره به بخشین اگر مزاحمت ایجاد کرده باشم *

زن صاحب خانه: شما به بخشین منظوره از انتقاد شما نبودید، منظوم ای بود که اگر شما آورده نصیحت میکردین شاید او امروز زنده میبود *

مادر: زنده؟ ولی چه زندگی؟ اصلاً نمی‌دانم چرا شما اینقدر از مرگ میترسین پاول از مرگ نمی‌ترسید، او مرگ تدریجی را که در شپرده سایه انداخته می‌دید و بخاطر زندگی از جنگال ای مرگ تدریجی مبارزه می‌کند بخاطر مرگ تدریجی که شما به طول او علاقمند هستید *

زن صاحب خانه: به طرف دیگران نگاه می‌کنند و همه آهسته از جاهاشان می‌خیزند، علامت سر از مادر خدا حافظی کرده می‌روند *

مادر تنها به آشپزخانه نشسته و مکتوب ماتم را به چشمانش می‌مالد و آهسته پاول می‌گوید و گریه میکند *

مرگ فرزند و بی‌خنگی سن مادر را دیگران مبارزه مانع میشود * او در بستر مریضی در آشپزخانه معلم است که خبر جنگ جهانی

مادر: خدا حافظ، امیدم که در دیدار آینده افلا برت يك لقمه نان تهیه بنایم *

پاول: فکر نه نکو ** خدا حافظ رفقا ...

پاول و زیگورسکی از اتاق خارج میشوند *

معلم خطاب به مادر: خداوند او را محافظت کند *

مادر به علامت سر از وی تشکر نموده بخاطر مائین بر میگردد * کارگران به کار چاپ ادامه میدهند * مادر آهسته با خود می‌گوید: او که ای دقایق چه زود گذشت *

مرگ پاول: پاول در انتاییکه میخواست از سرحد فنلاند عبور کند * دستگیر شده و تیر باران میگردد *

مادر در آشپزخانه معلم نشسته و خطی را بدست دارد ای خط که از طرف یکی از دوستان پاول برای مادرش نوشته شده حاوی خبر مرگ پاول است * او نوشته میکند:

مادر عزیز: رفیق مبارز، فرزند شما را بیرحمانه کشتند. من شاهد این منظره غیر انسانی بودم او را در حالیکه دست و پایش را ازنجیر و زلانه نموده بودند بخاطر دیواری که بدست کارگران اعمار شده بود فرستادند * عساکر سینه پاول را نشانه گرفتند و بعد از آن گلوله به سروروی او ریخت، این زنجیر، ای زلانه ها و بالاخره ای گلوله ها همه محصول کار ما کارگران بود که رفیق ما را بواسطه آن قربان کردند. سرو کله سه زن همسایه از لای دروازه نمایان میگردد، یکی از آنها کتاب مقدس، کاسه آب و لقمه نانسی را به دست دارد. زنی به نمایندگی از دیگران می‌گوید: خانم والسوا، مادر غم شما قلبا شریک هستیم شما درین حادثه تنها نیستین بلکه همه ده باشما ... دو نفر از زن همسایگان آهسته می‌گیرند *

مادر: بعد از لحظه سکوت، لفظاً جای بخورین و او بی‌اله جای را بخاطر همسایگان

قسمت اخیر

نوشته بر تولت برشت

ترجمه دکتر نجیب الله یوسفی

بر تولت برشت

در طول تاریخ جوامع بشری، در نبرد حق و باطل و بالاخره در پیروزی مبارزات طبقاتی قلم‌نویسندگان همیشه نقش موثری داشته است. هنرمند و نویسنده متعهد، به خاطر دفاع از منافع توده ها و بسیج ساختن اذهان جوان مع‌بشری، نظر به وظیفه و درک مسوولیت خویش، همیشه درین راه کار و بی‌کار نموده است.

به اساس همین درک‌سیاسی و ادبی بود که بر تولت برشت قلمش را در دست گرفت و به میدان پیکار شتافت و از آنجا بر ضد فاشیسم جهان سوز، مبارزه خود را آغاز نموده و در رهایی جهان آزاد، به سرودن اشعار پرارزش ایجاد و نمایش نامه های موثر پرداخت.

نامش ایون بر تولت فریدریش برشت بود و به تاریخ دهم فیبروری سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود. در طول دوره تحصیل تشش در رشته های فلسفه و طب پوهنتون مونشن (۱۹۱۷)، به خاطر ضدیتش با جنگ، به مبارزه اساسی دست یازید. اولین نمایشنامه اش در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل در شب)) مورد نمایش قرار گرفت. بعداً منحیت دراما تورگ و ریسمور به کار تیاتر پرداخت.

در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابودی بشریت، توطئه می‌چید وی بعنوان مخالفتش باین شرایط، آلمان را ترک گفت و روانه سوئیس، دنمارک، سوئدن (۱۹۳۳-۳۹) فنلاند، اتحاد جماهیر شوروی و بالاخره رهسپار کالیفورنیای ایالات متحده گردید. (۱۹۴۱-۴۷)

در سالهای (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیمو کرا تیک آلمان را در پیش گرفت و به کمک خانمش تیاتر را دوباره در آن کشور بی افکند.

وی در طول دوره زندگی اش (۱۹۵۶ - ۱۸۹۸) اضافه تر از سی نمایشنامه، یک هزار و سه صد پارچه شعر و یک سلسله کتابها در مورد موضوعات روز نوشت.

نمایشنامه زیر که تحت عنوان (مادر) در اینجا پیشکش خوانندگان گرامی میگردد، یکی از عمده ترین اثر این نویسنده بزرگ میباشد.

مترجم

اشخاص نمایشنامه

خانم والسوا: مادر
پاول: (کارگر فرزند خانم والسوا)
اندریچ ناخودکا: کارگر
ایوان: کارگر
اندری: کارگر
انتون: کارگر
سیسودر: کارگر

مانشا: (خواهر سیسودر کارگر)
خانم کورسونوا: (فروشنده در صحن لابریکه)
کاریوف: نماینده کارگران
سملگین: (پیرمرد) کارگر
شالینوف: صاحب ورثیس لابریکه
نیکولای ایوانوویچ: معلم
زیکورسکی: کارگر

زخار: رفیق معلم
تیور: نام دهکده
خانم نیلونا: نام زن علاقمند به جنبش
اودیسه: نام دهکده (محل)
لوشین: دهقان
پیروگود: نام محل
گریفنا: نام محل

شولینوشکی: دهقان
تیری: دهقان
توبرایا: نام محل
زیمرتوف: خان محل (فئودال)
واسیل: قصاب خان
الکساندروف: همسایه
عیسی: کارگر



را برایش میاورند .

معلم خطاب به داکتر : از روزیکه بجیش مرده اصلاح حرکت ده اونیس . منظورم از کارخانه نیس بلکه کارهای دیگی که او انجام میداد .

داکتر : وجود او بسیار ضعیف شده و او نباید از جایش بلند شود شما می فهمین که کبرسن و مرگ فرزند

داکتر بعد از گفتن این کلمات می رود . معلم به طرف آشپز خانه رفته و به کنار بستر مادر می نشیند .

مادر : خوب ، ده اخبار چه نوشته س ؟

معلم : جنگ .

مادر : جنگ ؟ مادر چه موقعیتی هستیم ؟

معلم : تزار شرایط نظامی ره اعلان کرده . چند نفر از رهبران حزب هم دستگیر شده اند و فعلا زندانی هستند . تا حال تنها بلشویک ها بر ضد تزار اعلان جنگ دادن .

مادر : ای خوب شد . اگر تزار شرایط نظامی ره اعلان میکنه و رهبران حزب ره بندی میکنه ما هم باید بر ضد او ، دیگران ره بسیج کنیم و مبارزه ره ادامه بدم . مه باید برم . لطفا کمک کنین که بغیرم .

معلم : شما به هیچ وجه از جای تان نباید حرکت کنین . مادر برابرتزار چه کرده میتائیم شما آرام باشین . مه میرم که آخرین اخبار امروزه بغرم و ببینم که وضع چطورس معلم می رود و بعد از چند لحظه دوباره وارد اتاق میشود . در اخبار آروز بقم یکی از شعراى انقلابی قطعه شعری در وصف مادر سروده شده و بجای رسیده است . متن این شعر :

به افتخار مادر انقلاب

برخی که حزب در خطر است .

اگر تو میری باشی حزب خواهد مرد .

گرچه ضعیفی ولی مارا کمک کن .

برخی که حزب در خطر است

آیا تردد در توره یافته است ؟

اگر چنین باشد ، طولش مده

از فرصت استفاده کن

برخی که حزب در خطر است

.....

برخی که حزب در خطر است

هر چه زود تر برخی

گرچه تو میری ولی نیروی مایی

مرگ تو ، مرگ ماست

برخی که حزب در خطر است

برخی

شماره ۴۱

مادر با خواندن این قطعه شعریامی خیزد و

آهسته آهسته کنترل پاهاى ضعیفش را دوباره در اختیار میگیرد . بعد از لحظه برداشته و هرچه سریعتر می رود . درین شلیک گلوله ها ، در جاده ها ، در خیابانها . شعار میدهد . فریاد انقلابی میکشد ناگهان پاهایش از کار می افتد . وی آهسته آهسته به طرف زمین می رود کارگران به کمک وی میشتابند و او را در یکی از خانه های کنار سرك انتقال میدهند .

کارگر اولی : حالش چطورس ؟

کارگر دومى : ای وحشی هاز یاد زدنش

کارگر اولی : چطور ؟

کارگر دومى : او درین مادر حرکت بود ، کارگر ان را تشویق میکرد . لحظه هم ساکت نبود . و وقتی که شعار میداد که مرگ بر جنگ و زنده باد انقلاب پولیس ها به او حمله ور شدند و یکی از آنها با چوبی که در دست داشت به فرقهش کوبید و او آهسته به طرف زمین رفت .

یکی از کارگران با طرف آب خون سروروی او را می شود .

کارگر اولی : شما هر چه زود تر باید بخانه برین والی که اوناشماره ببینند زندانی خاد کن

مادر : خریطه ام کجاس ؟

کارگر اولی : ایته ، اینجاس .

مادر : صبر کنید ، درین خریطه شینامه عاس . درین راجع به شرایط جنگ و موقف ما کارگران چیز های نوشته شده .

کارگر اولی : شما خانه برین ، انتقال چنین چیزی برای همه خطرناک اس آخرای برای شما کافی نیس که سرو کله شماره پر خون کنن ؟ باز هم شما به فکر شینامه ها هستین .

مادر : نگیر . ای درست نیست . شما باید مطالب ای شینامه ها ره بفهمید ای نادانی ست که باعث شکست میگردد .

کارگر دومى : خوب ، پولیس ها ؟

مادر : آنها هم ای موضوع ره نفهمیده اند .

کارگر اولی : ما بر ضد جنگ در تمام فابریکات اعتصاب ره به راه انداختیم . ای اعتصاب از طرف خائنین به شکست مواجه شد . به نظر مه پیروزی مانا ممکن است . پیر زن ، شما خانه برین ، هوشیاری خوده از دست نئین ، پیروزی دیگه ناممکن شده ناممکن ...

مادر : شما یکم تبه ای شینامه عاره بخوانین

بخوانین و ببینین که درباره وضع فعلی چه

نوشته کدیم . آخر یکبار بخوانین .

مادر شینامه ها رابه آنها توزیع میکند کارگران جرات گرفتن شینامه عارا ندارند ، یکی از آنها میگوید و شرایط بسیار حادس و مادر ای وقت نمیتائیم خطر ره جان قبول کنیم .

مادر : بلی ، اما کمی فکر کنین (بعد به صدای بلند فریاد میکشد . آواز او به اندازه بلند است که کارگری مجبور میشود دهان او را به بند د و لسی ها در باز عم ادامه میدهد) : تمام دنیا در مرگ تد ر بجسی فرو می رود . و شما یگانه نیروی هستید که دنیا به ان ایمان دارد . شما ناجی ای زندگی از جنگال مرگ تدریجی هستین . هوشیاری خوده از دست نئین ، کمی فکر کنین .

سال ۱۹۱۶

جمع آوری مس بخاطر دفاع از میهن .

در جلو دروازه بسته هفت زن ایستاده اند . همه ظروف مسی در دست داشته و خانم والسوا (مادر) که قندانی کوچک مسی در دست دارد نیز درین آنها دیده میشود . صدای باز شدن دروازه از درون شنیده میشود بعد سرو کله ماهوری از لای دروازه به چشم می خورد . وی خطاب به زنان میگوید : همین لحظه اطلاع رسید که قوای ما مبارزه خسته گی نا پذیر خود را مردانه وار علیه دشمن ادامه میدهند . آنها برای چهارمین بار قوای دشمن را سر کوب کرده اند . ماهور شعار میدهد : زنده باد میهن عزیز ما بعد میگوید : پنج دقیقه دیگر ظروف شماره جمع آوری می کنم و بعد از لای دروازه ناپدید میشود .

یکی از زنان : عالیست که قوای مادشمن ره سر کوب کن .

مادر : مه فقط یک قندانی کوچک مسی داشتیم . شاید از ذوب این پنج یانش کالتوس ساخته شوه چندانه او به دشمن اصابت خاد کنه شاید از شش کالتوس یکی یادوی آن ، و ازین دو یکی آن هم شاید گشته . .. اما دلچه مسی شما کم از کم بیست کالتوس خاد داد و از دلچه و لگتجه اونا (بدست اشاره میکند) کم از کم یک تاونچک ساخته خاد شد خوب جمله چند کالتوس خاد شد (حساب میکند) یک ، دو ، سه ، چهار ، پنج ، شش نی صبر کن اوزن دودانه داره دلچه و لگن چه پس به کمک ای کالتوس ها میشه یک حمله دیگه

ره آماده ساخت (آهسته می خندد) . نزدیک بود که می ای قندانی ره از راه پس بیرم و هیچ نیارم . می فهمین در راه دو عسکر ره دیدم یکی از آنها بمن گفت که : پیر ای قندانی مسی ره هم ببر که جنگ هیچ پایان نیابد و عسکر دومى نه میبره نه میاره میگه : بزیر

شمارداری باره چی میکنین ؟ ... مه در جواب گفتم که مه قندانی خوده میتم تا ازی دو گلوله بسازن و او ره ده سینه شما بززن . وای از خود میبرسم که چرا ای قندانی ره بتم ؟ البته بخاطر ای میتیم که جنگ ادامه پیدا کنه

یکی از زنان : ما بخاطر ای ظروف عاره میتیم که جنگ هرچه زودتر تمام شوه .

مادر : به نظرمه مای ظروفه بخاطر ای میتیم که جنگ تمام نشه .

یکی از زنان دیگر که لباس سیاه به تن دارد میگوید : اگه مامس های خوده بتم و اونا بتانند به کمک کالتوس هاییکه ازى مس مسای ما میسازند ، دشمن ره هرچه زودتر نابود کنند جنگ هم هرچه زود تر تمام خاد شد .

مادر : آخ ، اگه آنها کالتوس داشته باشن ، هرگز جنگ تمام نخاد شد . دشمن هم به فکر جمع گدن مس و ساختن کالتوس س . پس ا هردو طرف تا وقتی که کالتوس دارند می جنگند جنگ به این ترتیب تا ابد ادامه خاد یافت .

یکی از زنان به لوحه که بروی دروازه دفتر نوشته شده اشاره میکنند میگوید : اونچه ره بخوان که نوشته س . هر کسیکه مس را در اختیار ما بگذارد به ختم جنگ کمک میکند .

مادر : کسیکه مس را در اختیار اینها میگذارد جنگ را تمدید میکند شما همه چیز را که اونچه نوشته س نباید باور کنید .

زن لباس سیاه : پس شما جرمی خواهید که جنگ ادامه پیدا کنه ؟

مادر : براینکه ای جنگ بالاخره جنگ آزاد ببخش خواهد بود .

یکی از زنان : خوب گیرم که جنگ آزاد ببخش باشد ، اما مجبور نیس که یک عمر دوام کنه . مادر : چرا ؟ می فهمین که با ای کار ما جنگ دوام میکنه ؟

زن لباس سیاه : منظوری شما از مس س ؟ هر قدر که مامس بتم به همان اندازه جنگ طولانی میشه .

بقیه در صفحه ۴۵

بیرنگ کو هدا منی

دیدار از آسپاسی میانه

بخش سوم

نقدی تعلق میگیرد. در سرا سر شوروی کود کان مستعد از ده سالگی یعنی از صنف چهارم مکتب در رشته نقاشی بفعالیّت آغاز مینماید. و به ارزیابی استعداد هاتو جیبی شایسته میشود. هر که بخواد می تواند تادر جبهی لیسانس و بیش از آن در رشته نقاشی که شعبات زیادی را دربر میگیرد بتحصیل ادامه دهد.

موسیقی آهنگ سازی

هنر موسیقی بشکل و محتوی امروزین در جمهوری معاصر تر - کمستان جوان است و چهل پیمینه دارد ساز مان آهنگ سازان چهل سال پیش بنیاد نهاده شد پیش از انقلاب ملت تر کمین موسیقی آشنایی لازم ندا شت ساز ها بسیار ابتدا یی و محلی بود واصولاً در اثر تبلیغات فتنه انگیزانه از بابان ستم مینواخت آواز می خواند با آنکه بزم های از بان را گرم می داشت مورد سرزنش و تحقیر قرار میگرفت اهل دربار که همیشه بی دردان اند با همه ی زمینه های هنری برخوردی سطحی دارند. آنها برای تفنّن، لذت جویی و سرگرمی می خوانند و پس آنکه استعدادی در زمینه ی آواز و بازداشت آنها پنهان می کرد

بقیه در صفحه ۴۸

جمهوری نمی شد سراغ یکتن نقاش را گرفت اما اکنون درسا مان نقاشان ترکمن پنجمصد نفر عضو یست دارد و این می تواند نشانه ی انقلابی فرهنگی باشد.

از این شماره یکصد و چهل و پنج نفر از نقاشان مشهور و آوازه ی جهانی یافته اند از سرشناسان این رشته میتوان از آی جان خواجه یف، آنونوا را، امان مکی او ف نام برد که در همه حبان قیافه های آشنا و شناخته شده اند.

حزب و دولت از نقاشان پشتیبانی صمیمانه و بی دریغ می نماید. برای خوبترین آثار هر سال جوایز بزرگ

فرهنگی در دوران زندگیشان آنهاست. در این جمهوری بر خلاف گذشته پیش از انقلاب زنان هم در فعالیت های ادبی، هنری و علمی میگیرند و اکنون شانزده ها یسی در این جمهوری هستند که شعرها و سروده های شان از اقبال تمام برخوردار است.

نقاشی:

ترکمن ها پیش از انقلاب با نقاشی آشنایی ندا شتند و با این حساب نقاشی رشته ی جوانی هنری است که در این سازمان با گذشت هر روزی بسوی شکوفائی گام برمیدارد. بیش از انقلاب در همه ی

قربان در دی اوف هم در شمار نو پسندگان برجسته ی این جمهوری می آید که چاپ و انتشار کتابهای از زنده و سودمند باشند. ترین خدمات فرهنگی را بر سر زمین خویش انجام داده است، چاری - آشوراف، که اتحادیه شانوران نو پسندگان چندین پیش هفتاد سالگی او را جشن گرفت و کارهای او را از جگذاشته در شمار شانوران این جمهوری است که مجموعه های شعری در خشان را ارا شده داده است. یکی از سنت های پندیده ای که در باره اهل قلم در سرزمین است. تجلیل شخصیت های



عکس یادگاری از سفر جمهوری ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی

علی کمبود و گران‌بودن مواد سوخت

زمستان در شهر کابل

شاروالی کابل برای جلوگیری از بروز مشکل در سال‌های بعدی پیشنهادی را به وزارت مالیه وقت تقدیم داشت و بر اساس آن در سال ۱۳۵۴ با استفاده از بودجه که به صورت قرضه در اختیار شاروالی گذاشته شده بود در مواقع مناسب سال به خرید و ذخیره مقدار کافی چوب اقدام شده و بالآخر آن در زمستان آن سال هیچ مشکلی از کمبود و گران‌بودن چوب به وجود نیامد.

این اشاره را به سببی کردم که اکنون هم تا جایی که به شاروالی ارتباط میگیرد برای جلوگیری از صعود قیمت محروقاتی و کمبود آن در بازار یک راه وجود دارد و آن هم خرید مقدار کافی و مورد ضرورت چوب در فصل‌های بهار و تابستان از منابع اولی است و ذخیره آن در مارکیت‌های شهر که متأسفانه شاروالی چنین بودجه هنگفتی در اختیار ندارد و باید مقامات باصلاحیت دولتی همه ساله پول مورد ضرورت شاروالی را به این منظور بدهد.

معاون شاروالی کابل :

کمبود و گران‌بودن چوب سوخت در بازار علی فراوانی دارد که یکی از آن موضوع رابطه معکوس عرضه و تقاضا است، یعنی به همان پیمانه که با توجه به فرارسیدن فصل سرما تقاضای مواد سوخت و خانواده‌ها برای خرید افزایش مییابد عرضه رو به کاهش میگذارد و در بلند رفتن قیمت‌ها اثر وارد میکند.

در این شکی نیست که تهیه و تدارک مقدار کافی چوب سوخت و ذخیره آن پیش از فصل زمستان به منظور توزیع در مواقعی که کمبود آن در مارکیت‌ها محسوس باشد و یا قیمت‌ها بلند رود، یکی از وظایف شاروالی است، چنانکه

یک هیات باصلاحیت برای خریداری چوب به ولایات پکتیا، پکتیکا و ننگرهار اعزام شد. ورود کاروان‌های چوب به سوی کابل ادامه دارد.

...

یک سر آغاز باشد برای مطالعه، تحقیق و طرح‌های تطبیقی سودمند و موثر در رفع مشکلات انرژی و از روف راصع مسوول و طراح این جدل‌ها می‌خواهد که به پرسش‌های خود بپردازد.

رووف راصع :

نخستین پرسش به معاون شاروالی کابل راجع میگردد.

ما از محترم محرم علی می‌خواهیم توضیح دهند باوصف آنکه همه ساله در آغاز زمستان شاروالی با

تربییون خانواده‌ها باشد و با استفاده از ارزش‌ها و آرزوهای دموکراتیک گفتنی‌ها، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای آنان را در شئون مختلف زندگی اجتماعی به طرح‌آورد که به همین اساس و با پیروی از همین مشی نشراتی میزهای گرد ما دایر میگردد و در آن مسایلی مربوط به دشواری‌های خانواده به جدل و بحث کشیده میشود.

مدیر ژوندون بعد از مروری به محتوای بحث‌های قبلی ژوندون و بر شماری نتایج آن سخن را به مساله محروقات میکشاند که در تمامی سال‌ها گریبا نکیر خانواده‌ها بوده است. راحله خرمی چنین نظر دهی میکند که در سال‌های سیاه و نکبت اندود گذشته همه نگونه که در همه مسایلی اجتماعی بی‌مبالاتی‌ها و بی‌توجهی‌ها بار مشکل مردم را سنگین و سنگین‌تر ساخته و سازمان‌های دولتی جز به منافع از مندانه خود نیندیشیده‌اند در این مساله نیز **ارگانها جز به روز گذرانی اندیشه** بی‌نداشته‌اند و به همین دلیل کمترین مطالعه‌ای در مورد تعویض انرژی صورت نگرفته است.

وی خاطر نشان میسازد با توجه به اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان آرزو دارد نام‌سازمانی‌های به میراث مانده را به شکل بنیادی و نه رو بنایی و گذری حل کند مساله کمبود و گران‌بودن محروقات نیز نه در محدوده چوب و ذغال بلکه در تمامی ابعاد وسیع سوخت و انرژی به طرح می‌آورد و ژوندون باز هم این افتخار را دارد که گشایشگر این سلسله جدل‌ها در این زمینه باشد راحله راصع خرمی آرزو میکند که جدل ژوندون



دیلوم انجنیر حفیظ الله نوابی رئیس د افغانستان د تیلو ملی موسسه

صورت قرضه در اختیار این موسسه قرار دهند و در اخیر سال به تصفیه حسابات خود پردازند و گرنه با سرمایه اندک شاروالی این مامول بر آمده نمیتواند و مشکل محروقات همه ساله به حال خود باقی میماند. (ناتمام)



محرم علی معاون شاروالی کابل

در سال‌های پیش در همین زمینه اقداماتی سودمند هم صورت گرفته است.

چنانچه در سال ۱۳۵۳ که قیمت فی سیر چوب از هشت افغانی به یازده افغانی افزایش یافت.

مشکل کمبود و گران‌بودن چوب و عدم توانایی کنترل قیمت مواد محروقاتی روبرو بوده است چرا برای حل کامل معضله راه‌های اساسی تری را به کاوش نگرفته تا گران‌بودن خانواده‌ها در این مورد حل گردد؟

قسمت دوم

بیهوش و حیرت همه آنها را در زیر فشار خود در هم شکسته بود. بر همه احساسات دیگر آنها پیشی داشت و مانع از این بود که در این وقایع غیرمنتظره وحشتناک و کاملاً غیر ضروری که شامه ریختن خون هزاران بیگناه بود، احساسات طبیعی تر و انسانی آنها بروز نماید... جوانی با حرارت فریاد کشید:

— بروید زخمیها را جمع کنید. همه بخود آمدند و شتابان بسوی معبری دویدند که بطرف رودخانه باز میشد اما در اینموقع عدهای زخمی را فرا گرفته بود همچنانکه لگات می خوردند و خود را روی برفها می کشیدند از دروازه با استقبال آنها آمدند. زخمیها را روی دست گر — فتند و بردند گادیها را نگهداشته مسافری آنها را با بین آوردند و زخمیها را به جایی حمل کردند همه اندیشناک و تر شرو و خمو شایسته بودند با چشمهای نگران زخمیها را تماشا میکردند. در ترا زوی خیال چیزی را وزن میکردند و میسنجیدند بادقت فوق العادهای در جستجوی جوابهایی برای آن معمای وحشتناک بودند که چون سایه سیاه و بی شکل و ناآشکاری در برابرشان برافراشته شده بود. این معماسیمای قهرمانی که مدتی پیش در خیال نقش کرده بودند یعنی تزار سرچشمه فیض و شفقت و منبع الطاف و کرامت را و از گون ساخت اما فقط عده معدودی جرات میکردند با صدای بلند اعتراف نمایند که دیگر این سیمای روبه نیستی و زوال گرا نبوده است. اعتراف باین موضوع دشوار بود زیرا یگانه امید آنها را به یاس و نومیدی مبدل میساخت....

مردی کله تاس را که بالا پوشی باو صله قرمز در بر داشت می آوردند جمجمه تیر و رنگش اکنون باخون رنگین شده، شانه و سرش را پائین انداخته بود با هایش از ضعف و بی حسی خم میشد جوانک شانه پهن با موهای فر فری و سر برهنه و زنی که پیراهنش پاره پاره و صورتش لاغر و بیروح بود او را میبردند. زخمی زیر لب میگفت:

— میخائیلو! صبر کن! چرا اینطور شد؟ تیر اندازی به جانب ملت ممنوع است! میخائیلو نباید اینکار را بکنند. جوانک فریاد زد.



نغمه زانو
اثر ماکسیم گورکی

—امادید ی که اینکار را کردند .
زن با حالتی افسرد ه گفت :
—هم تیر اندازی کردند و هم
کشتند .

—میخا نیلو ! معلوم میشود
فرمان داشتند اینکار را بکنند .
—فرمان هم داشتند . راستی تو
فکر میکردی باتو صحبت ومشورت
میکند ؟ یک گیلان شراب برای
می آورد .

میخا نیلو ! صبر کن !
زخمی ایستاد پشتش را بدیوار
تکیه داد و فریاد کشید .

—مردم خدا پرست ! برای چه ما
را میکشند مطابق چه قانونی ؟
بدستور چه کسی ؟

مردم سرها را بزیر انداخته
از پهلوی او میگذشتند .

در گوشه ای نزدیک نرد ه ها
چهل پنجاه نفر جمع شده بودند
و کسی از میان آنها با اضطراب
و کینه تندتند حرف میزد ، آه می
کشید و میگفت :

—دیشب گابون پیشش وزیر بود
او همه این اتفاقات را میدانست
پس او بما خیانت کرده ما را
بطرف مرگ و نابودی کشانیده
است .

—اینکار برای او چه سودی
داشت ؟

مگر من میدانم ؟

همه بهیجان آمده بودند هرکس
خود را در برابر پرستشها بیکه
هنوز بی جواب بود میدید اما
دیگر همه باهمیت وعمق این پرستشها
پی برده بودند واحساس میکردند که
جواب آنها ضروری ، حتمی و
جید است . در آتش هیجان ،
عقیده و ایمان آنها بکس و
پشتیبانی خارجی و امید به منجی
اسرار آمیز بیکه احتیاجات آنها را

بر آورد در هم فرو ریخت .
زن فریبی با لباسهای پار ه
پار ه از وسط جاده میگذشت قیافه
اش چون مادی مهر بان بود و
چشمهای درشت و غم آلودی
داشت . او گریه میکرد و در حالیکه
دست چپ خون آلودش را بادست
راست نگه داشته بود میگفت :

—دیگر چطور کار کنم . از کجا
نان بچه ها را فراهم سازم ؟ خدا
پرستها ! اگر تزار هم دشمن ملت
باشد پس دیگر حای و پشتیبان
ملت کیست ؟

پرستشهای او که بلند و آشکار
بود مردم را بخود آورد ، برانگیخت
و مضطرب ساخت از هر طرف
دویدند باشتاب بسوی او رفتند
دور او را گرفتند و باقیافه های
گرفته و دقت کامل بحر فهای او
گوشش میدادند .

—یعنی قانونی برای دفاع ملت
نیست ؟

عده ای آه میکشیدند دیگران
آهسته دشنام میدادند . فریاد
های زننده و کینه جوئی از جایی
بلند شد :

—عجیب کمکی بمن کردند با ی
بسر م را قطع کردند .

—ایوای ! بطرف و خارا کشتند...
بسیاری فریاد میکشیدند و این
فریادها چون تازیانه بر گوشها
فرود میامد انعکاس کینه جوئی
شدیدی به وجود میآورد که
حسن انتقام و حسن دفاع در
مقابل آدم کش ها را در مردم برمی
انگیخت . در چهره های رنگ
پریده و سفید آنها رفته رفته آثار
تصمیم و اراده نمایان میشد .

—رفقا باوجود این بشهر می
رویم ! ... شاید موافق شویم...
کم کم ، دسته دسته پیشش میرویم

—آخر ما را میکشند .

—بیا تید با سر باز ها صحبت
کنیم . شاید آنها بفهمند که
برای آدم کشی قانونی وضع نکرده
اند .

—شاید وضع کرده باشند ، ما از
کجا میدانیم ؟

جمعیت باتا نی پیشش میرفت
ولی دایماً تغییر شکل میدادند و
رفته رفته بصورت ملت در می
آمدند جوانها بدسته های کوچک
تقسیم شدند همه آنها بیک سمت
و باز هم به طرف رودخانه پیشش
می رفتند همه آنها زخمی ها و
کشته ها را میبردند بوی خون گرم
بمشام میرسید ناله ها و فریادها
بلند بود .

—گلوله راست به پیشانی
« یا کوف زو بین » خورد ...

—از پدر تا جدازمان خیلی
ممنونیم ...

—بله خوب پذیرایی از ما کرد .
چند دشنام سخت شنیده شد
یک ربع پیشش شاید یکی از این
دشنامها کافی بود که جمعیت ،
گویند ه آنها قطعه قطعه کند . دختر
کوچکی میدوید و فریاد میزد .

—مادر م را ندیدید ؟

مردم بی آنکه حرفی بزنند باو
نگاه میکردند و راه میدادند تا
بگذرد . صدای زنی که دستش
قطع شده بود بلند شد .

—بیا اینجا ! من اینجا هستم ...
جاده خلوت میشد ، جوانان
دور شدند ، مردان مسن هم باقیافه
های گرفته بی شتاب دوتادو تاسه تا
سه تا بسوی میرفتند و زیر
چشمی در پی جوانان نگاه میکردند
کم حرف میزدند فقط گاه گاهی
کسیکه دیگر نمیتوانست خود را
نگهدارد آهسته میگفت :

—پس معلوم میشود حالا ملت
را بکلی دور انداخته اند .

—آدم کشهای لعنتی !
برای کشتگان اظهار تاسف می
کردند و ضمناً حدس میزدند که
یک عقیده خرافه سنگین که
شایسته بردگان بود نیز تا بود
شده است . با احتیاط در باره
آن سکوت اختیار میکردند و نام
گوش خرافات آنها بر زبان نمی
آوردند تا دوباره خشم و اندوه
در قلبها بهیجان نیاید .

شاید هم با پنجیت در باره آن
سکوت اختیار میکردند که میترا
سیدند مبادا بجای آن عقیده مرده
عقیده دیگری مانند آن ایجاد
کنند ...

•••

سر بازار دور مقر تزار خط
زنجیری ناگسستنی کشیده
بودند در میدان زیر پنجره های
کاخ سوار نظام پهره میداد بوی
پهن و عرق اسبها اطراف قصر
را پیچیده بود .

چکا چاک شمشیرها جرنک
جرنک مهین ها نعره فرماد هان
صدای پای سر بازار ، که بزمین
کوفته میشد زیر پنجره ها طنین
انداز بود .

توده در هم فشرد ه ای که ازده
ها هزار مردم کینه توز وخشمگین
تشکیل شده بود از هر سو بجانب
سر بازار هجوم می آوردند . آنها با
آرامش صحبت میکردند حرفهای
خود را می سنجدند با امید ها و
آرزوهای تازه ای حرف می زدند
و کلمات جدیدی بکار میبردند که
خودشان هم بزحمت مفهوم آنها
را درک میکردند دسته ای از سر
بازار که یک جناح آنها بدیوار
فرسوده باغ تکیه داشت ، را

بقیه در صفحه ۵۱



آتشکشی های رنگارنگ و رنگارنگ

نگارش دوکتور وترنر، محمد عارف

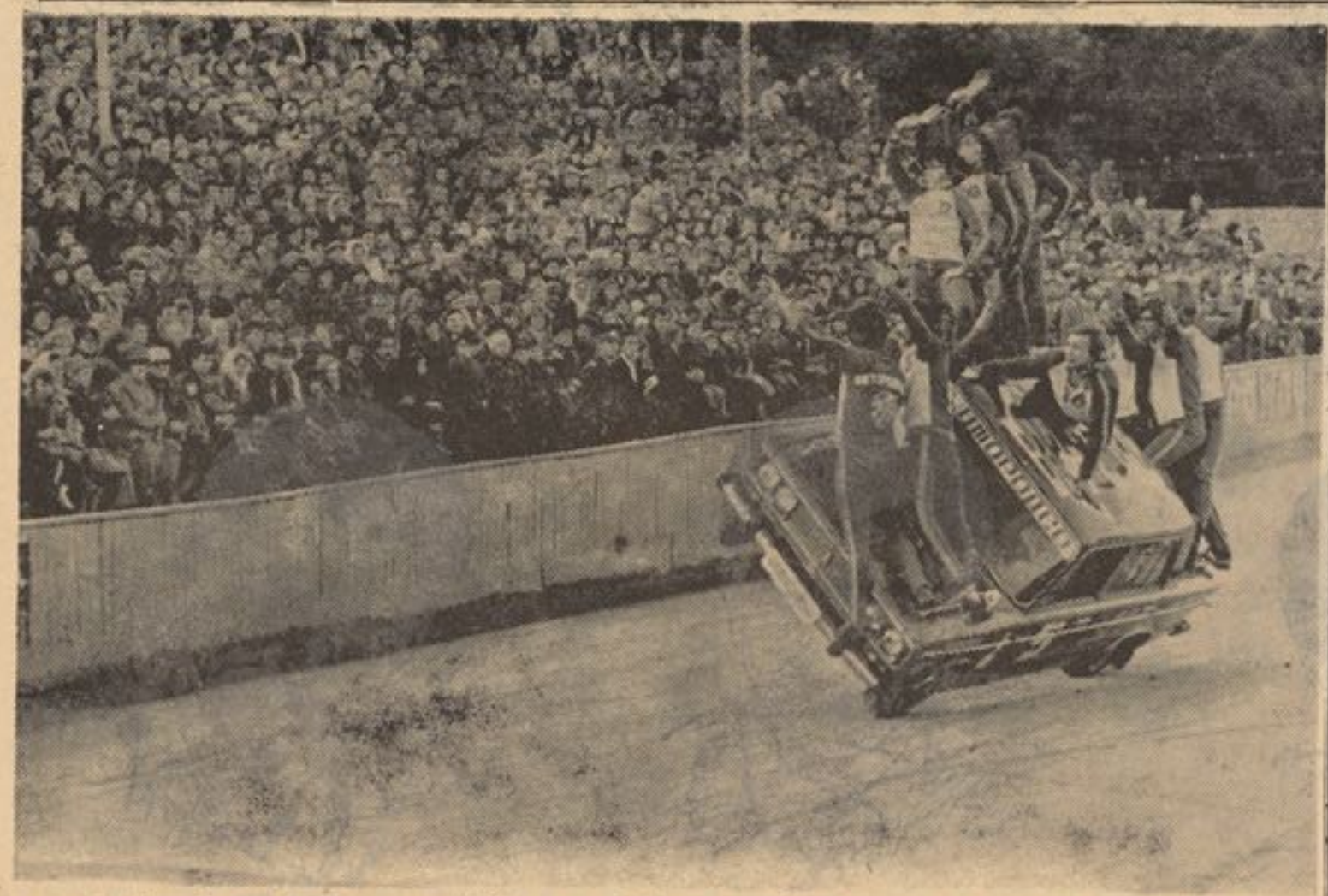
درباره اشعه زنده گی بخش آفتاب

چه میدانید؟

آفتاب زنده گی بخش است و بحیث یک کره آسمانی سو زان به تمام کائنات نور می بخشد و گرمی تولید می کند اشعه خورشیدی که آفتاب آنرا بر زمین می فرستد یکی از عجایب خارق العاده محیط زیست ما را تشکیل داده است. این پیکر آسمانی با داشتن یک حرارت بلند تر از (پنج هزار و پنج صد و چهل درجه سانتی گراد) همیشه و بدون وقفه یک جریان از انرژی اشعه را به تمام کائنات و از آنجمله برای زمین نیز می فرستد همین اشعه های آفتاب که در زمین بحیث یک چشمه زندگی برای زنده جاها گردیده از این اشعه ها سطح روی زمین در هر دقیقه دو کا لوری انرژی را می گیرد بشرطیکه اشعه هاییکه در زمین می تابند بشکل عمودی باشند که اشعه های عمودی در فصل تابستان در زمین می تابند و به این اساس انرژی اشعه را که اتمو سفر زمین از آفتاب می گیرد، یک برسه می یاریم حصه انرژی آفتاب می باشد و وجودیکه این مقدار فوق العاده خورد است. اما اگر همین اشعه ها بدون پوشش اتمو سفر زمین را ساقط بر زمین می تابید زندگی را در زمین ناممکن می ساخت و تمام زنده جاها را محو می کرد.

این اشعه ها وقتی بطرف زمین می تابند در هوا مالیکول های اکسیجن تجزیه می شود و یکمقدار این اشعه ها را بخود جذب می کند و یکمقدار دیگر آنرا بخارات آب که در هوا است جذب کرده و تقریباً یک برسه آن دو باره انعکاس می یابد و متباقی آن توسط گرد و خاک و مالیکول های دیگر که در هوا است منحرف و یا جذب می شوند اگر آنها جذب و یا منحرف نشوند تمام حیات را از زمین تخریب می کنند و قتیکه نور بشکل مایل در زمین می تابند سازه وسیع را در برگرفته و گرمی کم تولید می کند و اشعه آن سرخ بنظر می خورد

اما اگر شعاع بشکل عمودی بتابد رنگ نیلگون را بخود می گیرد. چنانچه در زمستان هنگام چاشت که اشعه ها عمودی می تابند رنگ آسمان نیلگون است. در حالیکه در وقت غروب و شفق که اشعه انحراف پیدا می کند رنگ آسمان سرخ بنظر می رسد. اشعه های را که آفتاب بر زمین می فرستد. چنانچه در کمان رستم یا قوس قزح دیده می شود این رنگها قابل تشخیص است. هر یک از این رنگها اشعه ای با تاثیر علیحده بوجود می آورد که هر یک آن دارای وظایف خاص است. شعاعی که پیش روی سرخ می درخشد تاثير بسیار زیاد گرم سازی دارد و تولید گرمی می نماید و دارای اثر حرارتی است در حالیکه اثر کیمیاوی در شعاع



اخيرا کارکنان فابریکه موتورسازولژاسکی در توگلیاتی (در اتحاد شوروی) با کارکنان سرکس نمایش رابراه انداخته اند که در نمايشات مذکور موتور تیز رفتار (لادا) سهم خاصی داشته است. درین عکس دیده می شود که یک موتور تیز رفتار لادا چند نفر را در بالای دوعراده برده می تواند.

شکر در زهره معیو بین محسوب است . به یقین نمی توان گفت که میگردند ولی در اکثر ممالك ممالك معیو بیست جسمی و یافقدان صحت دماغی میباشد .

رئیس کمیته مشورتی تدوین سال بین المللی معیو بین ، و نماینده

لیبیا در ملل متحد بناغلی منصور کیکیا اظهار میدارد : مقصود از تجلیل این سال تدوین بهترین فورمول و طرز العمل برای حل مشکلات خاصی معیو بین میباشد . برای این منظور تجارب کشور های زیادی بایست مطالعه گردد .

قوانین هر بوطه کشور ها تحت مطالعه است . کنفرا نسبه سمبوزیم ها و سمینار های بین المللی دایر میگردد تا تجارب کشور های مختلف بررسی گردیده و تثبیت گردد که کدام يك ازین تجارب بسوی جهان قابل تطبیق

بقیه در صفحه ۴۸



بانگاه نخست خواهد گفت که چه شادی غولپیکری است مگر استیاه تکنید که نادی نیست بلکه هیولای عظیم الجثه یی است بنام کینگ کانگ، در فلم کنگ کانگ . این فلم که چند سال قبل در نیویارک ساخته شدهای صحنه های وحشتناک و شگفتی انگیز آن همانا گرابه عیان می آورد . وجود این هیولا از المونیم و رویه آن از پشم ساخته شده و دستگاه های مطلق الکترونیک بداخل بدن آن تعبیه گردیده و او را بحرکت وا میدارد . فلم مذکور از جمله پر مصرفترین فلمهای عصر حاضر بشمار میرود .

نیز گرم می شوند از همین سبب هر گاه روز ها گرم باشد و شبها آسمان را ابر فرا گیرد محیط نیز گرم می باشد زیرا ابر ها گرمی را نمی گذارد که بطرف بالا برود هر گاه شب سرد باشد زمین حرارت گرفتگی خود را آهسته - آهسته از دست داده و شبها سرد می شود .

تأثیرات نور بالای عضویت :

با وجود یکه نور تا ثیرات خود را در انساج بالایی عضویت تعمیل می کند مفاد ذیل از آن منصور است .

۱- عملیه های مهم تعادل گرمی عضویت را در انساج انجام می دهد .

۲- انساج عضویت تحرک قوی را انجام می دهد و سبب از دیاد جریان خون می گردد ، و صعود معاوضه موادی یامیتا بولیزم بهلا حظه می رسد .

۳- در گشت و گذار های که در ارتفاعات و تپه ها صورت می گیرد از ینکه شعاع یولتر او یولت زیاد است اشتها افروود می گردد .

۴- هوا را از میکروب ها پاک می کند در اثر نور روز آسمان ابر

آلود اکثر میکروب ها در پنج تا شش ساعت از بین می رود ، در حالیکه از نور خورشید آسمان صاف پس از يك الی سه ساعت می میرند که این هم اثر شعاع یولتر او یولت می باشد .

۵- در اثر تحریک اشعه سرخ در عملیه های خونسازی در تداوی های متعدد عضویت از آن استفاده می شود .

۶- در لابرا توار های واکسن سازی برای تعقیم انا قها ازین شعاع استفاده می گردد .

۷- برای تعقیم فضای اتاق و سطح اشیا مورد استعمال دارد . چنانچه قبل از داخل شدن به اتاق های عملیات شعاع داده می شود . در انتقال و نگهداری خوب

چه تعداد نفر در جهان معیوب اند؟

حد اقل پنجمصد ملیون نفر در جهان ((معیوب)) اند ولی جامعه بشری در همین اواخر متوجه احوال و مشکلات ایشان گشته است .

انتظار میرود که تجلیل ۱۹۸۱ بحیث سال بین المللی معیو بین توجه و آگاهی جهانی را در باره این مشکل عمده انسانی بطور قابل ملاحظه ای افزایش بخشد .

زندگی قصه می سازد :
ر . دریا

یک زن جوان و سه کودک معصوم در پر تگاه یک حادثه فاجعه آمیز

دور است سر آب از این باد به هوشدار
تا غول بیابان نفریسد به سرابت

ایهای به خفه گئی کشید . شد .
او اینک بعد از دیر مدتی را هفراز
در پیش داشتند
میگفت :

تا غول

بیا با ن نفریسد به سرا بست

میدانم این قصه و این افسانه
افسانه واقعت زندگی من در شما
و خوانند شما که از این مانده
قصه ها زیاد شنیده و خوانده اند
تائیری ندارد و میدانم که آن
شوهر و آن پدر که اینک اشک در
چشم زن و فرزندش نشاندند
بیدی نسبت که با این باد هابلرزد
و وجدانه چنان به خواب نرفته
که با این فریاد ها بیدار گردد .
اما باز هم میگویم تا دیگر دختران
نوجوان اسیر عشق های هوس
آلود نگردند و میگویم تا زندگی
قصه های دیگر به مانند قصه من
برای دیگران هدیه ندهد و به آنان
از زبان حافظ این روحانی بزرگوبه
قولی لسان الغیب شاهد میکشیم
که :

داشت .
(بقیه در صفحه ۴۸)

استفاده از روغن کنجد به مثابه دوا

در نیال تا هنوز هم جرب کردن کنجد در
جلد رواج دارد زیرا آنها میخواهند برف
باری زیاد و پروت هوا و یخ بندی را با جرب
کردن روغن کنجد در روی جلد مرفوع سازند .
اطفال را تا یکسالگی همه روز با روغن کنجد
جرب نموده و آفتاب میدهند تا در اثر نور
آفتاب روغن خوب در وجود طفل نفوذ کند و
بدین وسیله جلد او را از متاثر شدن از خنک
و پروت حفظ می نمایند .

همچنان مادران حامله و مادران شیرده قبل
از تولد طفل و بعد از آن جلد خود را
با روغن جرب خوب نموده و در شعاع آفتاب قرار
میکشند و با مساز نمودن روغن را جلد شان جذب
مینمایند . اکثر خانم ها حتی روز دوازده ماه این
عمل مبادرت می ورزند .

همچنان طفل تازه تولد شده را با این روغن
جرب نموده و با مساز های طولانی جلد او را
مساوم می سازند و از روغن کنجد به طفل
و مادر غذا تهیه می نمایند .

اکثر نباتات در زندگی انسان عامفید بوده
و دارای خواص مختص بخودش می باشد
در گذشته که هنوز طب و طبابت رواج نیافته
بود مردم ادویه طبی را نمیشناختند اکثراً به
همین بته پناه می بردند و بهترین دواى درد
همین بته ها را می شناختند .
در شرایط کنونی هم تاحدی از این بته ها
استفاده میشود اما بشکلی که عصاره آنها را
گرفته و طرف استفاده قرار می دهند یعنی
با بهترین شکل صحنی آن از این بته ادویه
مورد ضرورت را میسازند برخی نباتات رو -
غن دارند و برخی بدون روغن ، نباتاتی که
روغنی انداز بعضی ایشان در غذا هم استفاده
میشود که روغن آنها هم خیلی مفوی است و
مفید ولذیذ .

از آن جمله می توان از روغن کنجد نام برد .
این بته را در قدیم در طب یونانی بنام گرم
بته یاد می کردند و به این عقیده بودند که
جسم را در مقابل هوای سرد ، تاب مقاومت
می بخشد ، جلد را ملایم می سازد و برای درد
های روماتیسم خیلی مهم است و مجرد جرب
کردن درد را برطرف می سازد .

ستم ها و بی مهری های تو و
خاطر ه بی احساسی و بی عاطفه
گئی تو ، درست مثل يك سنا به همه
جایا ماست و جز اشك شور و تلخی
یاس چیز ی بماند نمیدهد و تو ،
توای مرد .

تو پدر این سه کودک به دامن
سر نوشت افتاده و از مهر پدر
نصیبی نبرده تو به من بگو ، گناه
این سه موجود بی گنا می که تو
آنان را از یاد برده ای چیست ؟
تو به من بگو وقتی آنان دیگر
کودکان را می بینند که شادمانه
در آغوش بر مهر پدر بنا جویی
دارند و با چشمان اشك آلود از
من میپرسند که پدر شان در
کجا ست به آنان چه بگویم ؟ چه
جواب دهم ؟

و چه محبتی را برای شان جای
نشین محبت تو گردانم ؟
بمن بگو آیا برای آنها بگویم
که پدرشان مرده است ؟
آیا بگویم که او در قمار عشق
همه آنان را باخت است ؟
و یا اینکه :

پدرشان موجودی بی احساس
است که همه چیز را و حتی فرزند
انش را قربانی عشق و هوس و
اغواى جوانی خود ساخته و همه
را از یاد برده است ؟

تو به من بگو ،
من به آنان ، چه بگویم ،
وقتی که ترا از من می خواهند ؟
...

زن در گفتن شتاب داشت ،
انگار که بعد از مدت ها عقد
های گلو گیر او مجال باز شدن
یا فته بودند و انگار که فریاد

زن جوان که اشك در چشمش
لانه داشت و غمی گنگ و برا بهام
در عمق نگاهش خفته بود ، در
دفتر مجله رو برویم نشسته بود و
از زندگی اش ، از غصه های دیر
پای و کشنده اش ، از احساس
کودکان معصومش سخن میگفت و
از ماجرا های درد آفرینی که قصه
ساز زندگی اش بودند .
همچنان که بیتابانه میگردیست
میگفت :

بنو پسید !
دیگر هرگز ،
تخمه آرزو بی در احساس جوانه
نخواهد زد و کبوتر امیدی در قلم
لانه نخواهد گزید . من بهر کجا
مینگرم ، بهر کس روی میاورم ،
در حساب و در بیمه اری ،
در میان جمع و در گوشه تنها ،
همه جا ،

یاس مثل يك موزیا نه سمج
روح را میگزرد و غمی بزرگ ،
به سنگینی يك کوه روی دو شسم
سنگینی دارد .

و تو ، تو شوهر من ، تو پدر
کودکان من این را بدان حتی
اکنون که تو به پیروی از اغواى
شیطانى يك زن بی قلب در بی
هوس گناه آلود خود جتر سنا ،
سر نوشت را به سنا يك جادر ،
جاودانه بر فراز زندگی ما افراشته
بی ، (کنون که ماه هاست حسی
خبر نداری که کودکانت سیرند
و یا با شکم گرسنه سر به بالین
میگذارند ، زنده اند و یا در گور
سرد امید های شان با آرا مش
همیشگی به خواب رفته اند ، یاد



بردهء اصبی

مستم بخت از باده مستم
می خواره و مست و می پرستم
بادختر رزگی بجز جام
آگه نبود زبند و بستم
در حجر تو ای امید جانها
نه شکوه نموده ام نه خستم
تارفته ی تو زخا نه دل
این در نگشوده ام نه بستم
ای فتنه بزم باده نوشا ن
بر خیز ز جا که من نشستم
تا مست شدم ز باده عشق
از دام غم زمانه رستم

جز حرف حقیقت و درستی
 بشهای دروغ را شکستم
 چون برده عاصم که از دوش
 زنجیر ستمگوان گشتم
 اکنون ز شراب ناب ساقی
 پر کن قدحی به مزد شصت
 ای کشور پاک راد مردان
 چون از تو شد سست بودو شستم
 گر در ره تو فدا نکردم
 نا مرد و ذلیل و خوار و بستم
 عظیم شهبال

۱۳۵۸

سوختن
 این سوختن سوختن سوختن
 سوختن سوختن سوختن
 سوختن سوختن سوختن
 سوختن سوختن سوختن

مناجاتی

از عطا

دردیست درین دلم نهانی
 کان دردمرا دوا تو دانی
 تو مرهم درد بیدلانی
 دلم که مرا چنین نهانی
 از من گنه آید و من ایتم
 و از تو گرم آید و تو آنی

افسافه

من امشب همچو پیمک های محروم
بیا بان ها
بدور ساقه سیرات اندام تومی
پیمچم
و یا همچون کلاغ تشنه می آیم ،
زالال چشمه سار بوسه ات را
با تمام شوق می نوشم
شب موی تو را که آشیان عطر
های نا هما هنگ است ،
می بویم
من امشب با تو می مانم
و یا تو
تاسپیده در تنور لذت گم کرده
می سوزم

من امشب با صدای مرد بیگانه
به گوش طفل تو افسانه می گویم
و چشمان و را با خواب می بندم
نمیدانم که فردا باز این در را
که خواب هد گرفت ؟
که فردا با صدای مرد بیگانه
به گوش طفل تو افسانه می گویم
که چشمان و را با خواب هد
بست ؟
ولی روزی به گوش کودک تو بی
حساب افسانه خواهد بود
و این افسانه ها از یکدیگر بیگانه
خواهد بود .

زه به بنکلی حسن شیدا شوی یم
 عشق او محبت کبسی رسوا شوی یم
 زه با نه ور که شوی تورو زلفو کبسی
 خکه زه اخته به بلاشو یم
 عقل هو ش او صبر طاقت هم نشسته
 بنه کبسی دبنکلو تالاشوی یم
 داچه یم غمو نو سره غیر به غیر
 غیر نه ده دلبرو جداشو یم
 اور به مابلری لکه شمع زه
 هجر کبسی دیار به زپا شوی یم
 عیش او خو شحالی می هیست و نه لیده
 زه لکه چی غم ته یانا شوی یم
 حسن دلایلا او دجمال خغه
 محوه دبنایست به رپا شوی یم
 نشسته ای فنا ددی دنیا بقا
 دیر تسل به هر گت دفنا شوی یم

اسماء الله حبيب

دالمان ژمی

او ری دوا ورو پا غونډی پاغونډی
دور یخو لړی په آسمان کی بلینی
دونو خانگی دنیا لکیو خنی
لکه سپرلی کی غوتی سپینسی سپینی

.....
خمکه او هسک لکه یو سپین پوږنی
په کی چی او ، جړ او گوره خنگلونه
په سپین کی شین دی سینکار شوی کنه
دادی دژمی دمو سم خو ندو نه

.....
زه چی دی ښکلی چاپیر یال تله مودم
ماته می خپل ښا یسته و طس یادیری
سپین غر ، کو نر ، دپا میر لوړی شوکی
کپ مپ ددی منظر په شا ښکاریری

.....
ښکلی هوا ده هر یو خیز سپینخی
په کی دژوند تودی نغمی غریری
دطبیعت په کروړ ین زړه کی کی
دستر انسا ن دزیار دیوی بلیری

.....
دژوند خپی لکه دسیند د چپو
نه را ستیږی خپی پر مخه درومی
هر یو مو سم له خپل خوندو نو سره
چی تیر شی ، لار شی ، بیر تله نه را درومی
د دسامبر ۳۰ - ۱۹۷۹ کال
وایمار ، ایلیفنت
هوټل دموکراتیک آلمان



چهار بیتي

مبادا چشم بعبارت بخوايد
نگاه ذوق سرشار بخوايد
مبادا از تلاش افق درين دست
بدان پاى رفتار بخوايد

.....
مېهې هستی ، زهر دن ها نشانی است
مېهې مردن نشان زندگانی ست
ندارد زیستن بود و نبود ی
دموز زندمی ، دو ژنده جانی ست

رزم مشترک

همراه شورفیق ،

تنهانمان به درد !

کاین در مشترک

هرگز جدا ، جدا

درمان نمی شود !

دشوار زندگی ،

هرگز برای ما ،

بی رزم مشترک ،
آسان نمی شود

تنهانمان به درد !

همراه شورفیق !

شکوه از عمر ...

ای آسمان ! یاور مکن . کاین بیکر
محزون مزم .
من نیستم من نیستم !
رفت عمر من ، از دست من ..
این عمر ست و پست من !
یک عمر با بغت بدش بگریستم ،
بگریستم !
لیک عمر پای اندر مالم ،
باری نیرسید از دلم ...
من چیستم ؟ من کیستم ؟

اطفال بوسیدنی و اسباب بازی پایداری بزرگتر همی گذارند

اطفال باید لایق اختیار اسباب بازی خودشان را داشته باشند و بدخواه خودشان آنها را بجا کنند.

همچنین به جایی که می خواهید اسباب بازی در آن قرار گیرد نیز باید توجه کافی کرده باشید. دوختن یک خرپه بزرگ که رویش باعکس های پارچه ها، رنگین شده باشد تهیه نماید زیرا خیلی ارزان تمام می شود و برای گذاشتن اسباب بازی ایده آل است. همچنین کارتن های مقوای پاک هم برای گذاشتن اسباب بازی مفید است و آنرا می توانید در گوشه ای از اتاق و یا هال منزل خویش بگذارید به کودک آن نظم و ترتیب یاد دهید. اطفال نظم و ترتیب را از همان وسایل و اشیاء خودشان و اینکه چگونه آنها را بجا کنند یاد



می گیرند از آنجا که کودکان از سن سه ماهگی الی ۱۵ سالگی از اسباب بازی خوششان می آید بنا بر این در تهیه اسباب بازی هم به سن و سال و شرایط زندگی کودک توجه کنید.

مسلماً برای یک پسر ۱۲ ساله

را در جای پاکیزه ای نگهداشته و اگر در روز فرزندانشان شما در محوطه حیاط بازی می کنند پس از بازی حتماً اسباب بازیها را شسته و در جای پاکیزه ای نگهدارید. هرگز آلات برنده و اسباب بازی خطرناک نظیر تفنگ و تفنگچه بادی را در اختیار اطفال قرار ندهید و اصولاً در بازی اطفال و خرید اسباب بازی آنها توجه کنید اطفال را طوری بار بیارید که بمسائیل طبیعی و طبیعت و شناخت عالم و حتی تاریخ و جغرافیا علاقمند شوند رازهای طبیعت را اگر کودک آن یاد گیرند دیر از خاطرشان می رود و برای زندگی روزمره شان هم مفید است به اطفال اجازه داده شود که اسباب بازی خود را خودشان انتخاب نمایند مثلاً اگر دختری میخواهد برای خود گلدی بخرد و والدین نگویند دخترم بهتر است این موترک را که خیلی مقبول است و



تجربه ثابت کرده است که اسباب بازی اطفال نیمه از زندگیشان می باشد. و داشتن اسباب بازی رنگارنگ از آرزوهای هر کودک و حتی نوجوان است.

اطفال بوسیدنی اسباب بازی باید نیای بزرگترها می گذارند با زندگی و ادب و رسوم و آئین زندگی و نوع زندگی افراد بشر آشنا می شوند.

اما نکته ای که اکثر مادران از آن شکایت دارند این است که در خانه ها اکثراً اسباب بازی اطفال باعث پراگندگی و درهم و برهم نشاندن و وضع خانه می شود. مادران همیشه فریادشان از این نکته بلند است که با این همه اسباب بازی چکار

نظراصلاحی داشت و معقول بود عملی کند
 آنرا بیاد پرید و عملی کنید بدین نکته دوم اینکه اگر میخواهید
 ترتیب کودک می آموزد که چطور طفل شما کار را یاد بگیرد باید این
 نظم و ترتیب را در کارهایش خواست را از کم شروع کنید



مثلا در اول از او بخوانید
 تا اسباب بازی اش را جمع نماید
 و روز بعد به او یاد بدید که
 آنرا میان الماری و جای مخصوص
 ص بگذارد همان ها پیش هر
 جا تیت و پراگنده نباشد و همه به
 اطفال بگوئید و به تکرار گوشزد
 نماید که ترتیب و نظم کارها را
 آسان می سازد منافع زیاد دارد
 و برعکس بی نظمی و قوت را تلف
 نموده و نا را حتی ها را خلق

می کند در مورد آموختن نظم
 و ترتیب به اطفال به هیچ وجه
 آنها را تهدید و سرزنش نکنید
 و به آن متوسل نگردید.

جای شک نیست که برای فرا
 گرفتن این نکات مهم و اساسی
 کودک احتیاج به وقت و زمان دارد
 همچنان ما باید بدانیم که نظم و
 ترتیب در طبیعت هیچ کودک کسی
 نیست و یا هم بی انضباطی و بی
 بندوباری، بلکه همه آنکسانی
 است و باید فرا گرفته شود و
 پدر و مادری اگر میخواهند طفل
 منظم و مرتب داشته باشند لازم
 است که در مرحله اول خودشان
 به نظم و نسق زندگی اعتماد
 داشته باشند و واقعا بدانند
 که نظم و ترتیب به غیر از آنکه
 وقت انسان را صرفه جویسی
 و کارها را آسانتر می سازد، یک
 حس اعتماد به نفس نیز به انسان
 می بخشد که در سایه آن هر کاری
 را بهتر و مطمئن تر می تواند
 به انجام رساند.

بدین ترتیب اطفال که به نظم
 و ترتیب عادت می کنند در پر تو
 اعتماد به نفس که دارند آینده خیلی
 روشنتر و درخشانتری می تواند
 داشته باشند.

هم تازه به باز آمده و تا اکنون
 هیچکس دیگر آنرا ندارد باید بخری.
 یا اگر پسری می خواهد برای
 خود ماشیندار لقیل و یا تفنگچه
 بخرد و والدین آرزو دارند تا
 پسرشان یک قطارترین و یا موتور
 بخرد بکلی خواست غلط و نادرست
 بجا ست بگذارد اطفال با زیچ
 های مورد علاقه شان را خود
 شان انتخاب نمایند.

از جا نبی اگر کودک کی از آغاز
 زندگی استقلال نداشته باشد
 به یکبارگی نمی تواند نظم و
 دسیسین را فرا گیرد. اگر دایما با
 او برخاش کنیم و دستورات کلی
 بدیم که این اسباب و وسایل
 را بخر و آن دیگر را نخر گویا
 اطفال متکی به خود بسیار نیا مده
 و هر آن متوجه فرمان و امر و نهی
 خواهند بود.

همچنان در جمع و جور کردن
 اسباب بازی به اطفال
 موقع داده شود تا خود ایشان
 سازمان بازی خویش را در جای
 معین جا به جا نمایند و هر آن
 گفته نشود زودتر سامانهای
 بازی را برداشته بدروس مکتب
 رسیدگی کن و یا گماشتن آنها به
 کارهای دیگر دقت و توجه زیاد
 بکار دارد یعنی هر لحظه انجام
 کاری را بالای اطفال تاکید نکنید.
 اگر طفل شما نمی خواست و یا
 نمی تواند ست سامانهایش را به
 جای مخصوص جا به جا کند
 شما ناگزیر هستید چندین بار
 این عمل را انجام دهید تا کودک
 آنرا بیاموزد و بتدریج خودش
 این کار را انجام دهد و برای
 عادت شود که همیشه اینکار را
 بکند.

به کودک اجازه داده شود که
 نظریات خود را ارایه کند اگر



سینمای شوروی همیشه گو شیده است تا خصوصیات همه فر هنگ هار سوم و شیوه های زندگی رادر روی پرده سینما انعکاس دهد.



لیما یت اولف سالک هنر پیشه معا صر شو روی

معتبری از گذشته به روی پرده
بیاورد. سینمای شوروی به
عنوان بخشی نا گسسته از
سینمای جهان و هنر جهانی
پیدایش و تکامل یافت هر چند
شرایط رشد آن خاص و
استثنایی بود در حالی که سینما
در فرانسه، ایالات متحده آمریکا
آلمان، ایتالیا و سایر کشورهای
عمده تولید کننده فیلم در مرحله
امپریالیستی نظام سرمایه داری
کشور رشد کرد که در روستاها
ندگی سوسیالیسم بود و مردم
آن و ظایف اجتماعی نوینی در برابر
هنر نهاد بودند مبارزه در راه پی
ریزی جامعه بی طبقه سوسیالیسم
ایستی نوین ایفای نقش فعال
در آموزش توده های کار و رز
القای نو و تازه ای از اخلاق
وترویج جهانی بینجامد
بدون طبقات این و ظایف و هدف

نگرش به سینمای شوروی این سینما انسانی



صحنه د یگری از فیلم های شو روی

ها، رسوم و شیوه های
زندگی را آشکار سازد بدین
سان سینما علاوه بر نمایش
تصویرات و وقایع زندگی معا صر
به خوبی قادر است به عقب
برگردد و تصویر را ستین و
زنده ای از مردم و رویداد های
زمان های گذشته را ارائه دهد
سینما پیروزی های دانش تاز -
یخی رابه نمایش در می آورد
اكتشافات باستانی و یافته
های موزه ای رابه کار می گیرد، از
تجربیات تیاتر و هنر های
تجسمی و به ویژه ادبیات کلاسیک
سینما بهره می برد این واقعیت که
سینما و ساینیل بیانی همه هنر
ها را یک جادر بر دارد به آن کمک
می کند تا تصویر روشن و

هنر سینما در اتحاد شوروی
از قدرت بیانی ای برخوردار است
که می تواند زمان های حال
گذشته و آینده را با اعتبار و نیروی
مجاوب سازی یکسانی ترسیم
کند حوزه های فعالیت بشری را
منعکس نماید خصایص طبیعی همه
قاره ها را نشان دهد فضای زندگی
گی تمام ادوار تاریخی را باز
آفریند خصوصیات همه فر هنگ

رو سیه سفید ها و رای قفقاز
جمهوری های سا حل با لیک و
آسیای مرکزی است در حقیقت
تمام خلق های سا کن اتحاد
شوروی به این هدف است که فیلم
های تاریخی شوروی ا بعد بین -
المللی و روحیه دوستی میان
خلق ها می بخشد .

نقش ویژه فیلم های تاریخی:

مفهوم سینمای تاریخی هم
پیچیده و هم چند گانه است و از
تاریخی دال بر چیزی است که
گذشته است بیا نگر آن روند
های اجتماعی است که اکنون به
انجام رسیده اند و تصویری ساز
موقعیتی است که دیگر وجود
ندارد اما در عین حال هنر -
مندانی که با اسناد گذشته سرو
کار دارند ، نمایندگان
دوران خود هستند
وزیر نفوذ اندیشه ها و علایق
زمان حال می باشند و طبعاً
بنا بر جهان بینی معیار ها و
ارزش های امروزی خود به گذشته
می نگرند و بدین گزینش

رویداد ها و سیمای تاریخی
و شیوه برخورد هنرمندان با
آن ها شکل می گیرد کاملاً طبیعی
است که پسران و دختران کشوری
که از میان تو فان انقلاب اکثر
گذشته سو سیالیسم را به
با ساختند و از آن در بی رحمانه
ترین و خونین ترین جنگ هادر
برابر فاشیسم دفاع کردند
اینک در درجه اول بر تاریخ جنبش
انقلابی و جنگ داخلی تکیه
کنند ، و سپس بر دوره های
جدید تری که یادگر گونی های
عظیم اجتماعی که به شکل بندی
دولت آنجا میدو با نبرد های
آزادی بخش ملی جهان مشخص می
گردد کلیه فیلم های تاریخی
شوروی از هر دوره ای که
باشند از روح عصر انقلاب کبیر
و نبرد در راه استقرار جامعه
کمونیستی الهام گرفته اند
فیلم های تاریخی شوروی به خاطر
پرداختن به رویداد ها مرا سم
، شیوه های زندگی ، روابط
تولیدی و شرایط طبیعی بسیار
زیاد ، از نظر شکل بسیار متنوع
اند حتماً به های تاریخی
نمایش های تاریخی ملودرام ها و
کمیدی ها بر حسب دوران های
مورد تفاوت اساسی دارند
(باقی دارد)



هنر سینما در اتحاد جماهیر شوروی از قدرت بیانی برخوردار است.

های اخلاقی هنر سینمای شوروی
سرشت فیلم های تاریخی شوروی
را تعیین کرد در حالی که اکثریت
غالب فیلم های تاریخی بورژوازی
وایی با وجود کیفیت هنری عالی
بعضی از آن ها عمدتاً برای سر-
گرم سازی تهیه می شوند و لذا
صرفاً به زندگی خصوصی
شخصیت های تاریخی می پردازند
و برداشته های آزاد و علست
گمراه کننده ای از وقایع
عرضه می کنند فیلم های تاریخی
شوروی تحت تأثیر فلسفه
مارکسیستی-لنینیستی و ماتریالیسم
لیسم تاریخی روند های اساسی
پیشرفت جامعه بشری و فعالیت
مترقیان را به تصویر می کشد
را بر پرده سینما باز می آفریند
پسند فیلم سازان شوروی با درک
تفاوت های اساسی میان تمدن
پیر علمی و تاریخی و هنری گذشته
و باتکیه بر تخیل خلاق آثار
خود را بر حقیقت و مقیاس
تاریخی و برترسیم با اجتماعی
حوادث و شخصیت های تاریخی
متمم گز نمودند .

سرشت چند ملیتی سینمای
شوروی را نیز باید در نظر داشت
هدف این سینما نه تنها تصویری
سازی مسیر تاریخی خلق روس
بلکه همچنین خلق های اوکراین



یکی از هیروئین های اتحاد جماهیر شوروی

عشق او بنسکلا پیر ند نه

الاطون کلکه عقیده درلوده چی هغه هغه خه چی بنکلی خیره لری دلومری بنکلا یوه خاصه خوا را بیسی، چی دغه فکر اوس خاص ارزښت لری. سقراط به هم ویل چی: «بنکلا داسی شی نه دی چی انسان په زړه وروشیان د هغه صفت پوری ونړی، بلکې د بنکلی شی خغه اخوانه یوه فی نفسه یا په خپل ذات یوه بنکلاشته دی». خو د الاطون په عقیده مطلقه بنکلا دشیانو خغه وړاندی شته والی لری، اودغه شیان د هغه تلپاتی بنکلا اړخونه څرگندوی. عشق د مطلق بنکلا پوری اړه لری او ددی له پاره چی دغمکي به سر په ټولو بنکلو شیانو به ماهیت اوجوهر وپوهیږی نو خپل ذهن باید له هرڅه پاک او سوچه کړو. او داسی یو لومړنی ذهني حالت ترلاسه کړو چی هیڅ بله خوانه دی. پدی صورت کی انسانی ذهن دی ته تیارېږی. چی بنکلی وپېژنی، د الاطونی عشق سرچینه هم دلته ده یاداسی یو ترکیبی کیفیت دی چی خپله هستی نفی کوی یعنی داچی موږ نه یو موجودیت نه لرو، ددی هیلی درلو دل چی هستی نه شته داډول عشق دناامیدی خغه یو ډول ډکا امید اوهیله وه. داسی رغبت او دتندی نه ډکه غوښتنه ده لکه دپوی او پدی دښتی جل وهلی یادداسی سکروټی مثال لری چی په ایره بدلیږی

او بیرته له ایرو خغه زرغونېږی په میتولوژیک او فوکلوری لحاظ دغه ډول تنده زیات سمبولونه لری. لکه دسمندر چنچی چی په اورکی ژوند کوی یا لکه شمع د پتنگ په وړاندی لیلا او مجنون، یوسف او زلیخا دختیز ادب سمبولونه دی. خو الاطونی عشق یوه نه خلاصیدونکی تنده ده، داسی چی هڅونه ترسره کیږی. بلکې پورته ځی، او کمال مومی.

د الاطون خغه وروسته د عشق په باره کی پوهانو او صوفیانو په بیلا بیلو ډولونو خپل نظر یات څرگند کړی دی. د صوفی عشق

عشق یا مینه ډیر ژور او دقیق مفهوم دی. چی به اوسنیو وختو نو کی دومره زیات په واقعی مانانه کارول کیږی. عشق په تیرو پیریو کی د بیلا بیلو پوهانو، صوفیانو، او فیلسوفانو له خوا په خورا ژوره او اصیله مانا کارول شوی دی د لرغونی هند په فلسفه کی د عشق د مفهوم په باره کی دا عقیده شته چی د انسان غوښتنی او تعالیات دری اساسی منبع لری چی له ساه، عقل او بدن خغه عبارت دی: چی روح مینه زیږوی. عقل د درناوی سرچینه ده. او دوجود غوښتنی، رغبت او هیلی ایجادوی. تر زیاتی انمازی، د عشق په باره کی داتفر دو مړه بی ځایه نه دی. خو پاتی دی نه وی چی دغه مفهوم دیو سوسیا لوجست په نظریو څه شی دی او د فلاسفه وپه نظر بل. اودپو صوفی په نظر بل څه دی. خود دوی ټولو په نظر کی یو کم ټکی هم شته او هغه دادی چی سره ورته والی لری چی د یو انسان د ننی خصلت څرگند وی.

دعشق او بنکلا پیژندنی داپیکو په بساب باید ووايو چی عشق د انسان د عاطفی اوروانی نړی یو حالت دی او بنکلا پیژند نه هم داسی پوهنه ده چی د انسان د خورا ظریفو طبعواو ارزښتی غوښتنو د احساس په باب بحث کوی.

خو کله چی په ژوره توگه موضوع څېړو، نو په لرغونی فلسفه کی مو د الاطون نظر په فکر ته راځی ځکه الاطون دنیایی شیانو ته په یو ډول جمال او بنکلا قایل دی نو د هغه په نظر دغه شیان پخپل ذات کی بنکلی نه دی بلکې ددوی د بنکلا منبع او سرچینه بله ده چی هغه لومړنی واحد واقعیت دی او د هغه واقعیت (د الاطون په نظر) انعکاس او څرگندیدنه په شیانو کی دشیانو د بنکلا سبب کیږی.

صوفی هم کله له ځانه پردي شی او دحق په ویلو یی دغه تنده څرگندېږی.

زموږ د دوران خغه لږ د هغه یو متفکر د عشق په باره کی وایی:

عشق د انسان د معنوی فعالیت د تکامل یوه اوچته مرحله ده. هیکل دژوند په معجزه.

کی لیکي چی: «وستر مارک د انسان دوا ده په تاریخ کی څرگنده کړه چی څرنگه دغیر مدنی او بدوی خلکو د واده ډیر وروسته پاتی اولیپ احساسات په کراره، کراره په لطیفو او نرمو روانی زړه خوږیږی، مینی ته اوجت ټول اواخر عشق چی له هغو یی هم زیات ارزښت

درلود، منځ ته راغی. او د انسان د معنوی فعالیت خورا ستره سرچینه شوه او په خاص ډول په تجسمی هنرونو لکه موسیقی او شعر کی یی څرگندېږی. او دلته جوتیږی چی عشق داسی احساس دی چی د انسانی تاریخ دټول اوږده تکامل محصول دی. او په دی برخه

کی موږ ته داهم جوتیږی چی د انسان سره ننی عواطف او احساسات مردم ملگری نه وو. بلکې د ژوندانه په یوه خاصه مرحله کی رامنځ ته شول، تکامل یی وکړ، او د عشق سطحی ته ورسیدل. نو پدی لړ کی داهم

فرورده چی ووايو چی عشق هغه ساده شی دی چی د نورو عالی عاطفی مراحلو خغه دویم چی دی

جنسی عشق ځکه ساده بریښی چی انسان دښه هیکل، جونی، او اندام په درلودلو د مخالف

جنس خوښیږی او په مخالف جنس کی د غوښتنی یوه انگیزه را ولاړ وی.

داسی عشق نه دی لکه دیوه زلمی عشق دیوی یغلی سره... بلکې هغه یو ډول خاص جریادی داسی چی؟ خپل وجود او هویت له لاسه ورکوی او یو بل څه کی پایله دوینا کی ځان وره کوی او هلته خپله تجلی وینی.

د مثال په ډول هغه صوفیان چی پخپل صوفیت کی له ځانه بی ځانه شوی دی د عفو

په برخه کی عشق یو داسی مفهوم دی چی هغه خغه په یو پردی شوی قدرت کی خپل وصل مومی. او خپل عشق کامل بولی. منصور

ولی دومره مشهور شو چی ان په پښتو لنډیو کی یی کوتگوسی راځی لکه چی وایی:

د زړه کی حال ویلی شتم منصور درونو حال وای چی په دار شوتا.

بایی رحمان باباله اورنگ زب او ساه جهان چی دوخت شاهان وو هم پورته یوایی چی:

شاه جهان او اورنگ زب غوندی اشراف، صدقه شه تر منصور غوندی نداد.

د تصوفی عشق څرگند سمبول همدا منصور دی چی د «سمندر» په څیر هر چاته معلوم شو

داچی هغه به دی لاری دومره ځان څرگند کړ چی دبرگنو فرهنگ کی ځای نیسی، ټول یو

مطلب دی. او هغه داچی: په تصوف کی هم د صوفی اویا پیر ناپایه اونه خلاصیدونکی مینه

تنده او داسی تنده چی په تنده کی یی خوند زیاتېږی، دافرازا مرحلی ته رسیږی. او عاشق

له ځانه پردی کیږی.

داتیک (اخلاق) او استیتیک (بشکلا پېژندنې) په

برخه کې رول لري .

عشق د کلمې په نو ی مانا دا مفهوم لري

چې د انسان سره مرسته کوي چې د انساني

احساساتو څخه د انساني مرحلې په لا پورته

پېلولو کې مرسته وکړي .

زموږ د زمانې په هنر او ادبیاتو کې د عشق

انساني اغېزه څرګنده ده .

نو پدې اساس : داسې ډیرې بېلګې وینو
چې په هنر کې د انساني اوچتو احساساتو

څپې ګڼې پورته کېږي، او انسان ته نوې
درواوي اخلاقي سپېڅلتوب ورپه برخه کوي . د

پیسو په دام کې نېستي عشق دانساني عشق

څخه ځانګړې ښې احساسات، عواطف او معنوي

شخړې او اخلاقي ارزښتونه چې د عشق له مخې

منځ ته راځي داراښې چې عشق په کومه اندازه

زموږ داسې سپېنه رڼایم لکه د توري پر لچکې

له لیرې وځلېږي ، هغوی چې زما دستر گو

بندیان دی په غلطې مې په خوله راځي

ددغه وخت انسان د منځنیو پېړیو ټولې

هنرې غورځوی او ځان خپلواک بولي ، ان ښځه

لادکرګواو بدبینیو څخه ځان ژغوري او وایی

چې عشق باید یو سپېڅلی او مقدس احساس

وی، عشق او هوس باید یو شی نه وی .

په منځنیو پېړیو کې جنسي عشق فردی خوا

درلوده او په لرغونې دویناکي دواړه کولسو

جنسي عشق ذهني غوښتنه نه ده بلکه یو عيني

وظیفه ده دواړه بنسټ هم نه وو . بلکې دواړه

په اړیکو کې یې یوه ښېته اغېزه درلوده . په لرغونې

زمانو کې دغه عشق یوه خوا درلوده . هغه هم د

نارینه په خوا ښځه پدې برخه کې ډیره

سپکیده . . زموږ د زمانې جنسي عشق د پخوا

وختونو سره توپیر لري ، ځکه چې د نن ورځې

نوی انساني عشق د دواړو خواو خوښی او

رغبت ته اړه لري . پدې اساس چې ښځه هم د

نارینه سره یو شان وبلله شي .

په منځنیو پېړیو د شوالیه و عشق ددی

سبب شو چې د هغه وخت په هنر کې وځلېږي .

د منځنیو پېړیو شاعر د هغه وخت د شوالیه

څیره او بشکلا تر سپړي او د بل چا د اړیني

سره د هغه عشق داسې ښې چې دنورو منځنیو

په ادب هم اغېزه کوي .

په رنسانس کې د جنسي عشق تراز پدې

عسټي شوي رموزولیت د شکسپیر شاهکار

دهغې یوه ښه ده . دروموزولیت شاهکار داسې

هنري تخلیق دی چې د رنسانس د زمانې د ښځې

اونارینه د عشق خورا گرمي او تودې خبرې

دی هغوی د خپل چار په باب په ډیر غرور او

ویاړ سره څرګند ونه کولی ، او له هیڅ رول

خطر څخه ډډه نه کوي ، او له دې مطلب څخه

دا هم پرېښي چې درنسانس د دورې ښځه

عشق په واقعي مانا پوه شوی وه ، او د عشق

مفهوم یې ژور درک کړېدی د لرغوني یو نان

دښځې پرتله چې هغې یواځې په خوب کې

لیدلای شول دا وخت یې عملا وینی او کوی

یې .

دساری په توګه د هغه وخت په یوه اثر کې

دیوی ښځې له خولې خپل عاشق ته داسې ویل

کېږي چې : «زه دوینا ته خپلواکه راغلم ، اوله .

دغه خپلواکي څخه د ګټې اخیستو په خاطر مې

ددغه کروندوي شپې ورځې غوره وګڼلې ، ددغه دواړو

ونې زما ملګري دی . ماته ددی خوږ پارچا وووونو

دربو ویالو څخه بله غوره هنداره نشته . زه خپل

فکر او بشکلا په دغه ونو او پارچاوونو وېشم



برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

پیش‌تاز

ایکه آرمان وطن داری بسر
نیست بالا از مقام تو دیگر
ما خروشا نیمو یکجا گردیم
پیش‌تازان و شتابان طفر
دوستان تاریخ را برگشت نیست
گرچه ره دشوار هست و پرخطر
راه ما کار و شعار ماست صلح
هیچ نیست از دشمنان ما را حذر
کارکن و این مملکت آباد کن
تا نیا شی مفت‌خوار و در بدر
کاروان پیشرو را در سفر
سد سازد خار و خس در رهگذر
از بهار فیض آزادی نگر
بشکفتد گلها به هنگام سحر
بهر آزادی سرو جانم صدا
من کیم؟ پورا صیل کارگر
می نمایم نغمه مستانه سر
می ستایم دهقان و کارگر
این همه آبادی «عادل» از کجاست
جملگی محصول دست کارگر
از: حبیب «عادل»

برگ پائیز

بر ک پائیزم که از شاخ چنار افتاده‌ام
شاخه خشکم کتونی از برگ و بار افتاده‌ام
نقد هستی داده‌ام از کف ز دست روزگار
در میان مردمان از اعتبار افتاده‌ام
حسن او جوش بهار است، لعل او آب حیات
لیکن دور از همان لعل و بهار افتاده‌ام
اشکها از دیده حسرت بدامن ریخته
تا که در گوی فراقت بقرار افتاده‌ام
شعله شمع که سوژانم وجود خویش را
قطره اشک ز چشم انتظار افتاده‌ام
بر امید آنکه تارک بگرم دامنش
در مسیر جلوه گاهش چون لیل افتاده‌ام
کس بکف آسان ندارد جوهر نایاب را
زین سبب در بحر عشقش بقرار افتاده‌ام

دستگیر نایل

شعر منعکس کننده

ارمان مردم است

شعر و شاعری نیز مانند بخشهای دیگر هنر
ها مراحل گوناگون تکاملی خویش را پیموده
و ادوار بدوی و انسانی خود را پشت سر
گذاشته و تا مرحله کنونی که بغاظر بر ملا
با ختن واقعیت ها جان گرفته ، رسیده است
قبلا چنین پنداشته و گفته میشد که استعداد
شعر گویی از جانب طبیعت بهمانه تحفه
بی برای انسان اعطا می گردد ، و به خاطر بیوت
این ادعا استدلال میشد که یک شخص به یک
روز شاعر نمیشود و حتی مدت زیادی نیز
مشاهده شده است همان شخص با سرودن
شعر چندان علاقه هم نداشت مگر وقتی که
صبح از بستر خواب بر خاسته نه تنها با
سرودن یکتو از شعر بلکه با ساختن و گفتن
انواع از اشعار آشنایی حاصل نموده است .

عبارت متذکره فوق تا مدت زیادی برای انسان
فناعت بخش بود که البته توام با تکامل و
بیشرفت بخشهای دیگر هنر ها در زمینه یی
شعر نیز نظریات رشد نمود و خود را به
مراحل نو کنونی رساند .
هر آن چیزی را که ما از مشاهدات زندگی
روز مره خویش و یا از تجارب دانشمندان
دیگر آموخته ایم این حرف را تأیید میکند
که مردم معمولا در مرحله جوانی خود با
سرودن شعر علاقمندی نشان میدهند ، البته
منظور از سرودن شعر تنها این نیست
که خویش را سر گرم نگه دارند و در قصر
تخیل برای خود مشغولی بی پیدا کنند بلکه
این خواست درونی اوست : چنین مردمانی
زیاد به چشم خورده اند که قبلا نه تنها اینکه
با سرودن شعر بلکه با شنیدن آن نیز علاقه
نمیگرفتند ، لیکن بالاخره تحت تأثیر یک
قوه ناگهانی (که البته آن هم علت خاصی
دارد) می آیند و با نوشتن ابیات دست میزنند
حر فها و کلمات شان وزن پیدا
میکند و حتی گاه ، گاه در جریان صحبت
های عادی خود تغییر لحن را احساس میکنند .
شاعر نو نیز نمیداند که تحت تأثیر چگونه
قوه یی در آمده و هدفش از نوشتن شعر
چیست ؟ خود را از مردم نسبتا نا آوار احساس
میکند به این تر تیب در چهار چوب خویش

برای خود یک روش و راه خاص را انتخاب
کرده میباشد ، این حالت بلا وقفه او را
تحریک میکند تا از مردم تجرید و جدا باشد .
برای نو شدن اشعار در دل شب تاریک از
خواب بر میخیزد که این حالت در شعری بزرگ
جهان بنحو خوبی مشاهده میگردد .
باید متذکر شد که در انای نو شدن
اشعار ، در احساس شاعر یکتو عشق و
محبت عمیق و پایدار خفته میباشد که در
الفاظ عادی و معمولی ارائه شده نمیتواند .
«چاینگ» میگفت (شعر محبت طبیعت را برایم
باز گو میکند تازه می احساسات جوانی را می
ستاند ، تشنگی با شتاب و جدی موسم بهار
را آرام میکند که بالاخره بوسیله احساسات
پساک انسان را بر آید خود
امینوار میسازد چاینگ که خود یک شاعر
بزرگ بود عقیده داشت که تحریک مهر و
محبت در حرفهای عادی و روز مره افاده شده
نمیتواند بلکه حتی بعضی اوقات ابیات بسیار
جالب و پر از مبالغه نیز نمیتواند که احساس
محبت را به نحو احسن ترسیم کند . چاینگ
متذکر میشود که هیچ کاری مشکل دیگر از
این نیست مثل اینکه یک عاشق برای معشوقه
خویش احساسات خود را تو صیح میکند .
همین علت است که انسان برای اظهار
نمودن محبت خود به شعر و شاعری روی
می آورد و عشق بغاظر داشته اش او را در
اوقات معین به سرودن اشعار وادار میسازد .
حالت مر مؤ شاعری در ت دل ریشه های
عمیق دوانیده و در وقت تبیح محبت آنرا از
دل بدر میکند .

ولی به سبب اینکه تمام مردم برای شعر گویی
و آواز خوانی و نوازندگی و
سبی آواز خوب و استعداد مناسب ندارند
لذا در کار خود بیشرفت نمیتوانند و آهسته
آهسته از آن دست بر میدارند .
از بحث فوق به این نتیجه میرسیم که
شعر زاده محبت و خواست پایدار طبیعت است
که تشریح عالی روحی مو چودات زنده بشمار
میرود .

مژده

ای چلچراغ شر ق
ای آسمان صاف
ای خالک مرد خیز
ای توده های پرغم و پررنج و پر امید
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد
دیگر طلسم ظلمت شبها شکست

وباز

دنیا برای مردم ما گلستان شد
این مژده بشنوید
که آغاز زندگیست
آغاز تاب نا کتر از صبح نوبهار
آغاز نور بیز
آغاز روشنی
آغاز انقلاب

آغاز با صلابت و سنگین و پر وقار
آغاز کار زارشر یفانه و شدید
برضد فتنه گر

بر ضد زور گوی
برضد بهره کش
بر ضد آنکه بود به خلق همچو
اژدها

این مژده بشنوید
ای مردمان شهر
ای ساکنان ده
در ژرف دره ها
دیگر تمام شد
دیگر تمام شد

دیگر طلسم ظلمت شبها شکست
وباز

دنیا برای مردم ما گلستان شد.

آیا میدانید که دستکول از کدام زمان رواج داشته است؟

کدام بهتر نیست و از شما هم نخواستیم این که
در این باره جواب دهید، در این جا مقصد
از معلوماتی است درباره سیر تحول و انکشاف
دستکول، خورجین، توبره و یا هر نامی که
داشته است میباشند.

تاریخچه دستکول یا شیهه آن یعنی چیزیکه
خانم ها ضروریات شدن را در این آن میگذارند
از خیلی قدیم یعنی تقریباً از هزار سال قبل
از امروز رواج داشته است. شوالیه های اروپا
که خیلی توجه در قسمت لباس خود داشتند
و دایم میکوشیدند تا لباس های زیبا بپوشند
آنها در پهلوی این لباس های زیبا معمولاً
خورجین یا یک نوع دستکول با خود حمل



میکردند. البته باید متذکر شد که دستکول
و یا خورجین که آنها بکار میبردند به شکل دستکول
های امروزی نبوده. این دستکول ها توام
با یک نوع کمر بند که در آن شمشیر و یا بعضی آلات
دیگر آویزان بود مورد استفاده قرار میگرفت
اما زن هادران زمان یکنوع دستکول را با خود
حمل میکردند که بیشتر به خورجین های امروزی
شیهه بود در همین آوان بود که رقابت میان شوالیه
ها و هم چنان میان خانم ها برای داشتن دستکول
بالا گرفت و هر یک میکوشیدند که دستکول بهتری
نسبت به دیگری داشته باشند. برای شوالیه
ها و مردان جنگی این دستکول ها بیشتر حیثیت
یک آله حربی بشمار میرفت و از همین رودرین
این نوع دستکول ها انواع گارد ها، قله ها،
چاقو ها و بعضی دیگر از آلات حربی آن وقت
دیده میشد. در این زمان در قسمت ساختن این
نوع خورجین ها و دستکول

بنظر شما کدام یک راحت تر و بهتر است،
داشتن یک جیب فراخ و آزاد و یا دستکول و
خورجین و یا امثال آن؟ شاید بحث و مناقشه
روی این موضوع بیپایان باشد. ممکن است
مرد ها بگویند که جیب فراخ و آزاد بهتر از یک
دستکول باشد شاید خانم ها عقیده غیر از این
داشته باشند و در نظر آنها داشتن یک دستکول
بهتر از یک جیب است و ممکن حق بجانب هم
باشند زیرا خانم ها چیزهای با خود حمل میکنند
که از گنجایش یک جیب بدور است. بهر حال
موضوع این نیست که کدام یک بهتر است و

هاتوجه خاص مبذول میشد و به همین خاطر
این نوع انبیا از جمله اجناس قیمتی و باارزش
شمرده میشد که مورد علاقه و زیاد زنان
قرار داشت. از همین رو وقتی مردی به زنی هدیه
وتحفه گرانبهائی میداد حتماً در پهلوی آن یک
یا چند دستکول میبود و این خود می رساند که
در آن روز کار این نوع دستکول ها چقدر با
ارزش بود. بهر حال این دستکول ها یا این خورجین
ها آرام، آرام نظریه شرایط وقت و زمان شکل
و فورم خود را تغییر داد و بیشتر به ظرافت
و زیبایی آن افزوده گشت که مورد علاقه و
و پسند خاطر زنان قرار گرفت. همین امر باعث
شد که دستکول ها از شکل مردانه آن خارج
گردد و بیشتر فورم زنانه یافت که زن ها لازم
آرایش و پول و بعضی جواهرات خود را در آن
میگذاشتند. که البته امروز هم زنان به همین
منظور از دستکول استفاده میکنند.

در آن روز کار عده از زن ها که میخواستند
از شوالیه های مورد علاقه و نظر شان ابراز
قدرتانی نمایند با دادن خورجین بصورت هدیه
وتحفه ابراز محبت میکردند. بهر حال این
خورجین ها در طول مدت زمان نسبتاً درازی
انکشاف قابل ملاحظه یافت و از شکل کلاسیک
و قدیمی خویش که بیشتر برای مرد ها مورد
استفاده بود خارج شد و یکی از وسایل ضروری
زن ها قرار گرفت.

این تحول باعث شد که مرد ها دیگر کمتر از
دستکول یا خورجین استفاده کنند و جای آنرا
جیب های بزرگ و فراخ گرفت که معمولاً در
لباس های آن وقت جاداده میشد. اما برعکس
خانم ها از دستکول های کوچک و خیلی ظریف دستی
که بیشتر برای نگهداری پول و جواهرات بکار
میرفت استفاده میکردند.

در قرن ۱۸ و ۱۹ باز هم تغییراتی در ساختمان



دستکول های ظریف و زیبایه در آن عصر رواج
داشت استعمال کنند. در همین آوان که بازار
دستکول ها رونق فراوان داشت یکنوع دستکول
های یونانی رواج پیدا کرد و هر خانم در آن
روزگار بغضاً این که زن متشخص و زن روزمره
بود. حتماً از این نوع دستکول با خود حمل
میکرد ولی عمر این دستکول ها کوتاه بود، و جای
آنها انواع دیگر دستکول ها گرفت. پس
از سپری شدن قرن ۱۹ تغییراتی زیاد در
ساختمان درونی و بیرونی دستکول ها رونما گردید
این تغییرات نه تنها در شکل ظاهری آن محدود
نماند بلکه در جنسیت آن نیز تحولاتی پدید

بقیه در صفحه ۴۴



دستکول ها رونما گردید و انکشاف بیشتری
یافت. این باعث گردید که زن ها به آن
علاقه و زیادی نشان بدهند و بیشتر از گذشته
به آن متماایل گردند اما با آنهم دستکول های
گذشته از چشم نه افتاد و ارزش سابق خود را
از دست نداد دستکول های که در قرن ۱۸ و ۱۹
رواج پیدا کرد نسبت به گذشته ظریفتر و
قشنگتر گردید. این امر باعث شد که زن ها
در پهلوی لباس های فیشنی آن وقت حتماً

کمپایی جهت حفر چاه های عمیق مهارزدن دریا های خروشان، پالا کاری چاه ها و کاریز حاجت توسعه بستر سبز و انکشاف و توسعه زراعت و همچنان تهیه آب آشامیدنی برای مردمان کنار سیر ها و روستاهای دور در کشور های عقب نگه داشته شده نموده اما با آنهم با سیطره نظامهای غیر انسانی، کمک های ملل متحد نقش بر آب گردیده است .

مکروبها و اختراع ادویه ضد آنها بوجود آمده است ، به شناخت مکروب های عذیده ای که در آب آلوده زندگی میکنند آشنایی کامل پیدا نموده و تدابیری نیز برای جلوگیری از نشو و نمای مکروبها و پاک سازی آب اتخاذ شده و در کشور های متری چنین برابلم حل گردیده است ولی در مهالك عقب مانده که هنوز اکثریت مردم از نعمت سواد محروم اند و در جاهایی زندگی



اینهم طریقه دیگری از استحصال آب دریکی از محلات بنگله دیش .

برابلم های عذیده در سر راه زندگی مردم این کشورها هنوز قرار دارد که هر کدام عوامل پرتائیر در عقب مانگی آنها از کاروان



می کنند که یا اصلا کم آب است و یا آب آلوده میباشد که نسبت مشکلات اقتصادی ناشی از استعمار و امپریالیسم غرب و بغاوت رفتن سرمایه های ملی آنها بدست امپریالیسم ، حکومت های آنها توفیق نیافته اند تا برابلم کمبود آب نوشیدنی و حفظ الصحة محیطی را حل نمایند در این کشورها اطفال از فقدان آب و غذا تلف می شوند و خانواده های زیادی دچار مشکلات ناشی از کمبود آب میشوند که متاسفانه موسسه ملل متحد نیز نتوانسته است مشکلات مردم را از ناحیه آب مشروب صحتی ، و حفظ الصحة صد فیصد حل نماید ، زیرا تا وقتیکه خود مردم این کشورها از نعمت سواد برخوردار نگردند و به پای خویش نایستند و عوامل عقب مانگی را از میان نبردارند هیچ قدرتی نمی تواند که بصورت کامل وفوری توده های مستضعف جهان را از فشار های ناشی از کمبود آب و غذا نجات دهد .

موسسه ملل متحد و موسسات خیریه جهانی در راه توسعه کشور های عقب مانده طی تقریبا ربع قرن اخیر بتقاضای کشورهای متری جهان



آب عنصر با ارزش است که نه تنها برای آسایش قابل استفاده است بلکه برای شست و شو نیز از آن استفاده ۱۹۴۰ میل می آید .

از : قسیم رهروان

آب یاز ندگی !!

چگونه میتوانیم از آلودگی آب

جلوگیری کنیم؟

چرا آبها کثیف میشوند؟

تکاثف نفوس و مساله آلودگی

آب ... ؟

در سطح پایین قرار دارد . امروز اگر از یکطرف نود و ستان کشور های پاسدار رفاه و سعادت توده های محروم و عقب مانده برای بلند کردن سطح زندگی جوامع عقب نگه داشته شده که نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی آنها میراث سوم امپریا لیزم جهانی است ، می گویند از سوی امپریا لیزم جنگ طلب با اختراع و بمیان آوردن سلاح های پیشرفته کیمیاوی و اتمی در بحر و بر باعث آلودگی آب و محیط زیست می شوند که حتی برای ماهی ها و سایر حیوانات آبی در ابحار عرصه زندگی تنگ شده می رود .

تهیه آب برای تنظیف محیط زیست و پاک سازی آب از آلودگی ها برای نوشیدن ، مساله ای است که از بدو پیدا ییش بشر بر روی زمین در سر راه انسان قرار داشته و انسانها همیشه کوشیده اند تا از آب پاک و صاف استفاده بنمایند ولی پاک و نا پاک آب تنها به بسی بویی رنگ و بوی بدهد و بوی بد و نا خوشبو شده نمیتواند و تجربه نشان داده که در هر لیترا ب نا پاک هزاران مکروب زیان آور موجود بوده و نوشیدن چنین آب باعث بروز امراض و حتی سبب تباهی انسان ها می گردد .

در گذشته ها که تعداد نفوس جهان کم بود و چشمه ها ، کاریز ها ، آب دریا ها و حتی آبهای زیر زمینی بحالت طبیعی بودند برای نوشیدن بشر آنها را متکا تف نساخته بود برای نوشیدن مطمئن تر از آبهای جاری امروز بودند .

در عصر حاضر که بشر به ترقیات مزیذی نایل آمده و ماشین های خورد و بزرگ جهت تشخیص

آب سبب ادامه زندگی حیوانات و نباتات در روی زمین است و بدون آب هیچ زنده جانی نمی تواند زنده بماند ، آب در طبیعت باندازه کافی موجود است و از قدیم آب باندازه ای در روی زمین از ترکیب دو عنصر اکسیجن و هایدروجن بوجود آمده است مقدار آب سالانه در بعضی نقاط جهان بیشتر بمشاهده میرسد و در برخی نقاط هم خشکسالی هایی رونمایی گردد ولی همانطوریکه گفتیم مقدار آب در طبیعت نه کم می شود و نه زیاد بلکه بشکل بخار و ریزش باران در بعضی سالها منطقه ای را سیراب می کند و گوشه ای دیگری را دچار خشکسالی های طاقت فرسای می سازد که حیات را برای انسان هادشوار می گرداند .

نباتات و اکثر حیوانات از هرگونه آبی که شور نباشد برای دوره حیات شان می توانند استفاده نمایند ولی استفاده انسان از آب با انفجار نفوس در جهان مشکل تر شده می رود یعنی همانطوریکه آب باعث ادامه زندگی انسان است اما گاهی خطرات ناشی از آلوده بودن آن جان انسان را می گیرد و باعث شیوع امراض گوناگون در بین توده های وسیع متوطن در منطقه می گردد :

باید گفت که انسان خود باعث آلودگی آب در روی زمین شده است و با انفجار نفوس و فابریکات تولیدی متنوع و توسعه شهر ها امروز در کج و کنار دنیا آب آلوده شده می رود و پاک سازی آن برابلمی است که در کشورهای عقب نگه داشته شده حل آن فعلا مشکل است و در بسیاری از کشورهای عقب مانده با آب کافی بدسترس مردم قرار ندارد و یا اگر دارد، آلوده است که در چنین مناطق مرگ و میر زیاد بوده و عمر افراد



بتوانند مشکلات عدیده صحنه شانرا بر طرف سازند.

بر مردمان محروم کشور های امپریالیستی و مردمان عذاب کشیده سراسر جهان است تا بیش از پیش متحد گردند و راه را برای بهتر استفاده کردن از آب و هوای محیط زیست شان هموار گردانند. مردمان کشور های روبه انکشاف که سالیان متعادی مورد تجاوز امپریا - لیزم قرار داشتند اکنون حق دارند که بقایای امپریا لیزم را از عرصه کار و پیکار انقلابی شان برای رسیدن به زندگی بهتر که آب آشامیدنی صحنه و آب کافی برای زراعت و سرسبزی است نابود سازند و خود با دست خویش و به مساعدت دوستان واقعی شان نیاز مند یبای شانرا برآورده سازند که موسسه ملل متحد طی ده سال آینده بهترین مشوق و کمک کننده آنها در برآورده شدن این مامول بزرگ خواهد بود. مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و به ویژه مرحله نوین و تکاملی آن موانع را از سر راه پیشرفت و انکشاف شان برداشته اند و در روشنی انقلاب ملی و دموکراتیک خویش در پیروی جیش های اقتصادی دیگر بسوی آبادی و سرسبزی کشور و تهیه آب آشامیدنی صحنه به پیش میروند طی ده سال آینده مشکلات ناشی از کمبود آب آشامیدنی صحنه را که میراث شوم نظامهای فرتوت گذشته است رفع می سازند.

از آنجا که مردم کشورها آرزوی آبادی و رفاه و سعادت مردم آنها دارند از انقلاب نور که متضمن و پاسدار این آرزو مندی شان است چون مردمك چشم حراست بعمل می آورند و موانع را از سر راه خویش بدور ساخته در تامین نیاز مندی مردم خویش از ناحیه آب-آشامیدنی صحنه و تامین حفظ الصحة محیط، همت می گمارند مادر حالیکه پروگرام های نافع و سودمند موسسه ملل متحد را در زمینه تهیه آب برای ده سال آینده بدریده قدر می گیریم امیدواریم تا این پروگرام موسسه جهانی جامعه عمل ببوشد و نیاز های عدیده مردمان گنج و کنار جهان را از این ناحیه برآورده گرداند.



در کشور تایلند مساعی زیادی در جهت تهیه آب آشامیدنی بفرج داده میشود.

ترقی و تحولات اجتماعی جهان می باشد. از آنجا که آب در حیات انسان نقش بزرگی دارد و رعایت حفظ الصحة محیطی و پاک سازی آب از میکروبها طول عمر و نشاط انسان را تضمین می کند.

موسسه ملل متحد دهه بعد از سال ۱۹۸۰ را بنام تهیه آب آشامیدنی برای مردم نامیده و این اقدام نیکوی ملل متحد یکبار دیگر این یگانه مرجع آمال و آرزو های مردمان عذاب کشیده را در برابر يك آزمون بزرگ تاریخی قرار میدهد که موسسه مذکور ناچه حد می تواند در پروژه های آب آشامیدنی و توسعه بستر سبزی در کشورهای عقب نگذاشته شده و بلند بردن عمر وسطی در کشور های روبانکشاف به پیروزیهای نایل آید. جای تردید نیست که بیشتر از همه جهان ما امروز به صلح نیاز دارد، هرگاه تجاوزات امپریا لیزم جهانی بر کشور های عقب مانده جهان قطع گردد و امپریالیستان چشمان آزمند شانرا به لرونهای طبیعی این جوامع نموزند و اسب لجام گسیخته امپریالیزم توسعه طلب مهار گردد. کشورهای ضعیف به کمک موسسه ملل متحد جهان مترقی و دیگر موسسات خیریه می توانند مشکلات ناشی از کمبود آب صحنه را نیز برای ادامه حیات و زندگی بهتر حل سازند:

امروز از طرف کشور های امپریالیستی بلیارد هادالی صرف تسلیحات ستراتیژیکی و اسلحه ذروی می گردد و ملیارد های دیگر را برای تجاوز به خاطر تامین منافع امپریالستی شان در نظر میگیرند که هرگاه توسعه طلبان و سلطه جویان این مبالغ هنگفت را در راه تامین رفاه مردمان محروم خود شان و مردم عقب مانده کشور های روبانکشاف صرف نمایند بدون تردید پول و دارایی که ثمرکار ملیون هزجتمکش است در راه تامین رفاه و سعادت انسان بمصرف میرسد.

امروز دگر وقت آن نیست که مردمان کشور های عقب مانده و مردمان تحت ستم متوطن در کشور های امپریا لیستی لباس قناعت را در بر کنند و بلعیدن لرونهای شانرا از طسرف انحصارات امپریالیستی تماشا نمایند. اکنون وقت آنست که موسسه ملل متحد صلح جهانی را تامین کند و نظم نوین اقتصادی را جاگزین نظم کین و پوسیده گرداند تا مردمان تحت ستم

خط دردی جزء مهمی از فرهنگ ملی ما محسوب میشود و به همین سبب است که در این باره جرو بحث ها و گفتگو های زیادی با استادان فن صورت گرفته و هر يك به نوبه خود نظریات مختلفی ارایه کرده اند . و در مورد تاریخچه و زیبایی خط ها مخصوصاً خط نستعلیق که زیاد طرفدار دارد صحبت کرده اند . اینبار بد نیست از جوانان ، از آنانیکه در آغاز کار قرار دارند نظر بخواهیم و بینیم این قشر دینامیک و فعال جامعه ما چه گفتنی های در این باره دارند از شفیق یما عاقل محصل صنف دوم پو هنخی انجنیری پو هنتون کابل که در هنر خطاطی ذوق و مهارت دارد و نمونه های خطش از یختگی و زیبایی زیادی بر خود دار است می پرسم

استاد میر عماد خط نستعلیق را بسط و توسعه بیشتر داد و در این قسمت او شیوه بخصوص را تعقیب میکرد و در زمان همین استاد بود که خط نستعلیق را عروس خط ها میدادند . در همین اوان بود که آوازه و شهرت او نه تنها در کشور ما پیچید ، بلکه در بسیاری از مها لك اسلامی پخش گردید ، امسرا و صا حبان ذوق با داشتن يك یا چند قطعه از خط این استاد افتخار میکردند و آن را به منزله گنج گران بهای نگهداری می نمودند .

خطبا تکامل بشر انکشاف یافت و از حالت ابتدایی بیرون گشت

خط زیبای دردی با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است

خطاطی ، يك هنر است ، هنر والا و باارزش .

هر چیز يکه زیبا باشد و طرف قبول مردم ، هنر است

خط های مدرن امروزی بیشتر مخلوطی از نقاشی و خطاطی است



شفیق یما خطاط جوان وبا استعداد .

چرا هنر خطاطی را که واقعاً هنر ارزنده و گرانبهای است هنر تکویمیم ، باید بگویم که غیر از این که خط برای نوشتن و کتابت بوده ، همیشه قطعانی زیبایی از خطاطان زیب و زینت منزل بوده است و بسیاری از کسانی که این قطعان را داشته اند با آن میا حات میکنند .

شما شاید آبادات قدیمی و تاریخی را در هرات و غزنی و بلخ و در دیگر شهر های کشور مان دیده باشید ، چرا در این ساختمان ها خطوط بکار رفته ؟ ، آیا بکار رفتن ایسن

خط دردی جزء مهمی از فرهنگ ملی ما محسوب میشود و به همین سبب است که در این باره جرو بحث ها و گفتگو های زیادی با استادان فن صورت گرفته و هر يك به نوبه خود نظریات مختلفی ارایه کرده اند . و در مورد تاریخچه و زیبایی خط ها مخصوصاً خط نستعلیق که زیاد طرفدار دارد صحبت کرده اند . اینبار بد نیست از جوانان ، از آنانیکه در آغاز کار قرار دارند نظر بخواهیم و بینیم این قشر دینامیک و فعال جامعه ما چه گفتنی های در این باره دارند از شفیق یما عاقل محصل صنف دوم پو هنخی انجنیری پو هنتون کابل که در هنر خطاطی ذوق و مهارت دارد و نمونه های خطش از یختگی و زیبایی زیادی بر خود دار است می پرسم

و اولین سوالم را در مورد تاریخچه این هنر دیرپا از او میکنم ، میگوید :

اگر استباه نکنم خط با پیدایش بشر ایجاد گشت ، اما آن خط به شکل خط امروزی نبوده بلکه صرف خطوط و اشکالی بود ، که بشر آن وقت یا بهتر است بگویم جامعه آن زمان با آن سر و کار داشتند .

اما از این حقیقت نباید بگذریم که اساس خطوط امروزی همان خط های کج و معوج و اشکال دیروزی است پس خط زیبای امروزی با تمام اساسات آن مرهون خطوط گذشته است ، و در اثر تکامل بشر خط نیز انکشاف یافت و تکامل نمود و از حالت ابتدایی بیرون گشت .

و اشکال مختلف خط پو جود آمد ، که هر کدام آن در جایش بر خود دار از زیبایی است .

« اولین خط که دارای قاعده کلی بود ، کدام خط بوده است ؟

اولین خط ، خط گوفی بود که دارای اسلوب خاص و قواعد خاص بخود را داشت . بعداً خط تعلیق و خطوط دیگر مانند خط نسخ ، ریهان ، محقق ، مشجر ، توامان و غیره بوجود آمد ، پس از مدتی استادان آن زمان از یکجا نمودن خط نسخ و تعلیق ، خط زیبای نستعلیق را پو جود آوردند . این خط ابتدا تو سط میر علی تبریزی به میان آمد و بعداً میرعلی هروی آن را انکشاف داد و تحت قاعده و قانون خاص در آمد .



نمونه یی از خط یما



این هم نمونه یی از خط شفیق یما که به شیوه خاص نوشته شده است .



قطعه خط زیبای به شیوه نستعلیق

بعیث هنر می‌شناسی؟ هر چیزیکه زیبا باشد و طرف قبول مردم بنظرم هنر است. پس بسیاری آنرا فاقد زیبایی میدانند، نظرت در این مورد چیست؟
 آنانیکه این طور تصور میکنند اشتباه می‌نمایند، برای يك خطاط سیاه مشق همان در بعضی از نهو نه های خطاطی، یکنوع

بقیه در صفحه ۴۴

خطوط حتمی و لازمی بود. من میگویم که خیر وجود این خطوط صرف بخاطر تزئین و زیبایی ساختمان بکار رفته، پس این می‌رساند، که خط از خود زیبا بی‌های دارد که در يك نظر انسان میتواند آن زیبایی‌ها را ببیند و بشناسد. و آنانیکه این خط‌ها را بوجود آورده‌اند و زاده‌اند کی‌ها اند؟ طبعاً هنرمندان ما نند سایر هنرمندان و شاید هم مقام بر جسته داشته‌اند.

امروز اگر شما به کتاب‌های خطی قدیمی نگاه کنید درخواستی این کتاب‌ها نقاشی‌های زیبای از هنرمندان ورزیده آن روزگار را می‌بینید که درین آن‌ها قطعه خط، از خطاط آن وقت در آن درج است.

در مورد خط‌های مدرن چه نظر داری؟ بهتر است نام این نوع خط‌ها را نقاشی بنامیم زیرا این خط‌ها بیشتر رسم میشوند تا خطاطی. اما نباید منکر زیبایی بعضی از این نوع خط‌ها باشیم زیرا نیاززمانه است و اجتماع ما نیز تنوع پسنداند. آیا این نوع خط‌ها را هنر می‌نامی و

خطوط حتمی و لازمی بود. من میگویم که خیر وجود این خطوط صرف بخاطر تزئین و زیبایی ساختمان بکار رفته، پس این می‌رساند، که خط از خود زیبا بی‌های دارد که در يك نظر انسان میتواند آن زیبایی‌ها را ببیند و بشناسد. و آنانیکه این خط‌ها را بوجود آورده‌اند و زاده‌اند کی‌ها اند؟ طبعاً هنرمندان ما نند سایر هنرمندان و شاید هم مقام بر جسته داشته‌اند.

امروز اگر شما به کتاب‌های خطی قدیمی نگاه کنید درخواستی این کتاب‌ها نقاشی‌های زیبای از هنرمندان ورزیده آن روزگار را می‌بینید که درین آن‌ها قطعه خط، از خطاط آن وقت در آن درج است.



نمونه‌ی یی از خط سیاه مشق

چرا آن نقاش، این همه زحمت بسرای کشیدن اطراف خط کشیده است، بخاطر اینکه آن خط واقعا زیبا بوده و نقاش دانسته‌است که چقدر اثر با ارزش و گرانبهای می‌باشد. شاید کسانی که برای اولین بار این اثر را می‌بیند بپرسد این قطعه را، یا این کتاب را کی نوشته‌است اما نمی‌پرسد که اطراف آنرا کی نقاشی نموده، و این خود می‌رساند که چقدر زیبایی در خط در می‌وجود دارد. پس خطاطی يك هنر است، هنر والا و با ارزش و خیلی هم با ارزش.

در مورد ارتباط خطاطی با نقاشی نظرت چیست؟



موضعگیری زنان

اساس عمده در آن میثاق درج شد که عبارت است از :

- ۱- پرنسپ رضایت جانبین در ازدواج.
 - ۲- حداقل سن ازدواج.
 - ۳- ثبت ازدواج از طرف مقامات ذیصلاح.
- همدرین سال در ورای گزارشات و تصامیم مورد نظر شورای اقتصادی و اجتماعی سه موضوع آتی که مسایل ارتباطی را با حقوق و موقف زنان مرتبط و منسجم می ساخت تحت مطالعه و مذاکره قرار گرفت :
- ۱- موقف زنان .

- ۲- معاونت های ملل متحد جهت ترقی زنان در کشورهای روبه انکشاف و عقب نگه داشته شده.
 - ۳- مسایل مربوط به تکثیر واز دیساد نفوس .
- اینهمه اقدامات به خاطر آن صورت گرفته که در بسیاری از کشور های جهان زنان در امور خانوادگی مثل مردان حقوق مساوی ندارند و در عده از ممالک هم وقتی زن ازدواج کرد حق کنترل و تملک وایر ملک و دارایی شخصی خود ولو که محدود و ناچیز هم باشد از دست میدهد و حتی نفسی هم بر ا راحت نمی تواند کشید .

مزید بر آن تحت چندین نظام حقوقی در اکثر کشورها زن در حصه تربیت فرزند خود حق اظهار رای و نظریه را ندارد و حتی بعد از مرگ شوهر هم حق و صایت طفل خود را نمیداشته باشد واز حق مسکن و مالکیت خانه نیز محروم می گردد. لذا «کمیسون مقام زن» بعد از مطالعه وسیع و عمیق مقام زن ، تحت قوانین خانواده و تملک چندین مملکت توصیه نمود که باید حکومتها بکوشند تا حقوق مردوزن طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر مساوی گردد .

مساله حمایت طفل و مادر:

در زمره سایر اقدامات دستجمعی بسویه جهانی ، موضوع حقوق اطفال و مادران در سرتاسر دنیای ما از نظر اتخاذ تجاویز ملل متحد نیز مکتوم و مستور نمانده و بدان طور نظری و عملی ارج گذارده شده است چنانچه در رساله ای که تحت عنوان «ملل متحد و آنچه درین باره باید دانست» و در سایر نشرات آن سازمان بین المللی چون آثار ارزنده ای که برای مردان ، زنان و اطفال نوشته و منتشر شده است ، تذکر یافته است که : تصویب کنوانسیونها و سفارشات هابه سال ۱۹۵۳ راجع به حمایت مادران» دنباله کنوانسیون های سال ۱۹۵۲ بشمار میرود ولی

بود. لذا سال ۱۹۷۵ بحیث «سال بین المللی زن» تشخیص گردید و بسه اساس صدور قطعنامه مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۲ این مراسم در سال ۱۹۷۵ بسویه بین المللی در سراسر جهان (بشمول افغانستان) تجلیل گردید. و شعار «برابری ، انکشاف و صلح» اساس و سالوده پروگرامهای مطروحه آن سال قرار داده شد و پیرامون اهداف و نکات آنسی مباحث جامعی تحقق پذیرفت و تصامیمی اتخاذ گردید .

الف - تشویق اصل برابری و مساوات بین زن و مرد .

ب- سهمگیری کامل زنان در فعالیت های انکشافی .

ج - شناسایی نقش و اهمیت زنان در تقویت صلح جهانی کمیسون مذکور که تا سال ۱۹۷۵ دارای سی و دو عضو بود و مرکب از نمایندگان کشور های افریقایی ، آسیایی ، امریکای لاتین ، اروپای شرقی و اروپای غربی می باشد و از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای یک دوره چهار ساله برگزیده میشوند وظایف خود را به همکاری دول جهان موفقانه بسر رسانید ولی با آنهم میرمن «هلوی ال» سیلا معاون منشی کمیسون رشد اجتماعی و مسایل انسانی موسسه ملل متحد ضمن صدور و ارسال پیام فوق العاده به خاطر سال جهانی در ۱۹۷۵ موضوع عدم تساوی موقف زن و مرد را از نگاه جهانی بینی واصل پرنسپهای مرتبط آن چنین تحلیل و انتقاد کرد که :

«سالون شکوهمند مجمع عمومی ملل متحد

همیشه جای برگزاری دیدار های متعددی به خاطر گفتگو و بحث روی مسایل مهمی که طی آن راه دشوار گذار رسیدن با اهداف و اصلهای سازمان ملل متحد هموار گردیده بوده است . اما در زیر سقف آن نمایندگان قلبی از زنان حاضر بوده اند . ولی امسال این حادثه بسیار مهم و ارزنده ایست که گروهی از زنان برای اولین بار زیر سقف سالون مجمع عمومی در ماه فبروری برای گفتگو در مورد نقش زن پیرامون رشد نفوس گرد آمده اند . گرچه این جلسه شکل یک جلسه سیاست سازی را نداشته ولی برای اولین بار در تاریخ بشری زنان از طرف یکصد و هشت حکومت مختلف جهت و رودبه موسسه ملل متحد و مباحثه و ساختن توصیه نامه ها روی مسایل بسیار عمده آینده بشریت ، نامزد شدند» .

سیس میرمن «هلوی ال» سیلا «میرسدکه: چرا زنان در جلسه های پیشین شرکت ندا شتند؟

آنگاه خودش حقایق را چنین ارزیابی کرده و با سخ میدهد که:

«فی سی سال گذشته در ترکیب هیاتهای شرکت کننده دگرگونیهایی چشمگیری پدید آمده که این امر راه پیشرفت را در مورد تطبیق پرنسپها و اصل های منشور آن سال زمان که حقوق مساوی و مساوی لیت های مساوی همه افراد را بدون در نظر گرفتن اختلاف ، خواهان میباشد ، به میان آورده است» وی میافزاید که :

«افزایش در تعداد اعضای آن سازمان از (۵۱) به (۱۳۵) ، بکار بردن پنج زبان که در آینده یکی دیگر بر آن اضافه می گردد و همکاری نژاد های مختلف در سازمان ، نمایشگر این واقعیت است که مردمان جهان گامی بلندی را جهت به میان آوردن امکانات مساعی برای همگان بدون در نظر گرفتن اختلاف نژاد ، زبان و ملیت برداشته اند .»

برگزاری «روز بین المللی زن» که هر سال عیسوی بتاریخ هشتم مارچ تجلیل می شود . مثل بر جسته دیگری در جهان معاصر است که ارزشمندی و برجستگی منزلت زن این یاران دلسوز مردان و بازوان نیرو مند پیکر اجتماع را نمایانگر می شود و یاد و بود های گذشته آن در مسکو ، برلین شرقی و دیگر مناطق جهان ، درخشان گهای خیره کننده را بسوی آینده تابناک و شگوفان تری مژده رسان می شود و رفاه عمومی را در جهت سعادت حال و آتیه زنان متضمن می گردد .

در زمره جبره های درخشان زنان معاصر که نقش او نه تنها در جهان کیهان نوردی برانندگی خاصی دارد بلکه در مجامع بین المللی هم ردیف مردان مبارز از کلیه حقوق زنان بحیث عنصر سرسپرده دفاع کرده است یکی هم میرمن «والنتینا تریشکوا» نخستین و یگانه زن قهرمان و فضا پیمای است که در



میرمن والنتینا تریشکوا نخستین زن کیهان نورد و قهرمان در جهان ، فعلا عضو کمیته مرکزی و عضو شورای عالی اتحاد شوروی و رئیس سازمان دموکراتیک زنان آن کشور که بار ها در کنفرانس های بین المللی نیز اشتراک ورزیده است (نفر سوم از طرف راست) وی میان عده از زنان قهرمان کشور خویش قرار گرفته و مصروف صحبت است .

د کارابین د سمندر کی اوسنی سیاسي او اقتصادي حالات

پانگوپ برخه تشکیلوی .

د استعمار گرو هیواد و استعماري

سیاست چی اکثره په یو د بل سره

په جگړو بوخت و د کارابین د ټاپو-

گانو او سمندري سیمو د مصنوعي

جلاوالی او تجرید سبب شو .

خو او س ددی سیمي نوی خپلواک

شوی هیوادو نه د سیاسي او اقتصاد-

دی خپلواکی ، د گډې هیلې په

اساس سره یو موټی شویدی . دا

هیوادو نه په نې یوال ډگر کی یو د بل

سره اړیکي ټینګوی اود لاتیني امر-

د کارابین د سمندر کی او ستر

حالات چی په هغه کی د امریکي

متحده ایالاتو سیاسي او پوځي

علی خلی روا نی دی . پدی وروستیو

ورځو کی یی د نړی مطبو عا تو

تو جه خا نه را اړ ولی ده . د لاتیني

امر یکی دملی آزاد دی بخښو نکو

جنبشو نو غښتلی طوفان دی پیر

پیرو یو زوړ استعماري حکو مست

بنیادونه ړنګ کړل د ۱۹۶۲ څخه تر

۱۹۸۰ پوری اتو ټا پو گا نو د کارابین

په سمندر کی اودوه هیوادو په

جنوبي امریکا کی خپلواکی تر

لاسه کړه چی تر ټولو وروستی نو

آزاد شوی هیوادو نه یی دویست

او کرینادا په نامه یادیری . د استعمار

دله منځه وړ لو عملیه لاتر او سه

پای ته نده رسید لی ځکه چی خو

ټا پو گا ن اوسیمي لادبر تا نیښی ، فرا-

نسی او هالنډ ترلاسه ولا ندی ژوند

تیروی چی د هغو څخه د مثال په توګه

کوراګاو ، گوادیلوپ ، مار-

تینیک ، او بیلیمز یادولی شو .

نوی خپلواک شوی هیوادو نه د پیرو

سختو ستونزو سره چی د استعمار د

دوری نه ور ته پاتی دی مخامخ دی

لکه: وروسته پاتی اقتصاد، فقر

بیکاری ، بیسوادی او نوری سختی

ټولنیزې او سیاسي ستونځي .

د کارابین د هیوادو اقتصاد د دیر-

مختیا له نظره بیلې بیلې سطحی لری

اود اقتصاد په یو یا دوه شاخو

باندی ولاړ دی چی د لسکو نو کلو نو

دپاره دپانګوالی بازارو نو غوښتنو

اوبدلو نو نو پوری تړلی ساتل شو-

یدی . پدی سیمه کی اصلی او عمده

پانګه اچوو نکي د امریکي متحده

ایالات، کانادا او بریتانیه دی چی

د شمالي امریکي شرکتونه ټولو بهرنیو

ټول دسو لی اودیتا نت د کپ کیچ

کمیټت، پر خوا اود نوی استعمار او

نژاد پرستی پر ضد ولاړ دی .

دیر مختیا دلارو لټول :

د کارابین سیمي دو لټو نه دیر-

مختک دپاره دخپلو خاصو لارو لټونه

کوی چی ددوی دملی مشخصا تو،

مجلی شرایطو او عنعناتو سره تو-

فق ولری . دمو کرا تیک قوتو نه هم

نورو هیوادو او سیمو دتجر بو څخه

کار اخلی ، د مثال په ډول گیا نسا

اوجامائیکا سو سیا لیستی جهت

غوره کړیدی او دخپلو خلکو په

ګټه ټولنیز او اقتصادي اصلاحات

توسره کوی . په گیا نا کی د اقتصاد-

دی تنظیم اصلی لارښو د نه د حکو مت

په لاس کی ده ، د هغو بهر نیو سر-

کتونو شتمنی یی چی د هیواد

د اصلی ثروت یعنی پانګه یی په

معدنوتو کی لګیا دی ملی کړه . د

بر تا نیی د شکرې فابریکی او تصفیه

خانی هم په عامه ملکیت پوری مربوط

شویدی .

په جا ما نیکا کی دو لټ د پاکسایت

پر صادر ولو لوړ ټکس لګولی اود

بهرنیو پانګوالو د معدنوتو د تس-

سیساتو په سلو کی یو پنځوس برخي

داسپام، یی اخستی دی . همدارنګه

محلی صادرا تو یو مهم جز یعنی



د کارابین د سمندر کی سیاسي نقشه

پانا نیا کیله تو لید او خر څلاو هم

دولتی کنترول لاندی راو ستل شوی

ستی بریا لیتو بو نه دپرا ګټه بهر

دی، ددی مقصد لپاره د جامائیکا

دپانا نایو د فتر یا کمیته جوړه

شویده .

یو کال اوڅه موده پخوا د کرینادا

په کوچنی ټاپو کی انقلاب وشو چی د

امپریالیستی انحصارو تو دلا سس

بوخی (اریک گیری) دیکتاتوری یی

وېروله .

اونورو سو سیا لیستی هیوادو سره

یکی نور وجمهوریتو نو سره هم اړ-

یکو ته پراختیا ورکوی .

په ۱۹۷۳ کی د کارابین د سیمي ځینو

هیوادو د کاریکوم په نامه خپل

ګډ بازار تاسیس کړ او د لاتیني امریکي

دیووالی په خاطر د لاتیني امریکي د

اقتصادی سیستم سره یو ځای

شول . دی هیوادو که څه هم دخپلو

کورنیو ستونځو د حل دپاره بیلې بیلې

لاری ټاکلی دی خو په نې یوالو

موضوعاتو کی اکثره نې دی یا سره

ورته دریځونه لری . د هیوا دو نه

د وروسته پاتی والی او فقر پر ضد

اود بهرنی پانګی د تسلط دپای ته

رسولو دپاره یو پرو ګرام تنظیم او

پکار واچوه . په ګرینا دا کی د صنعت

بنسټ کیښو دل شو ، د کور جوړو-

لو کار پراختیا مو می اود نوو کارونو

دپیدا کو لو دپاره هڅی روا نی دی .

نوی حکو مت د محلی فیو ډالا نو او

بهر نیو مالکا نو د مخکو ویش ته پیل

کړیدی .

د کارابین د سیمي هیوادو نو که

څه هم دخپلواک پر مختک لار غوره

کړیده خو تر اوسه لامجبور دی چی د

ځینو ستونځو سره جګړی ته دوام

ورکړی . دښی لاس قو تو نوخپلی

وسلی ندی ایښی اود امپریا لیزم په

مرسته هڅه کوی چی د لاسه و تللی

مواضع لاس ته راو لی .

پدی سیمه کی د ځینو هیوادو

رهبرانو لکه دپار با دوس، تر-

پنیداد او تو با ګو چی دیر تیل لری او

د صنعت دپیا ژوندی کو لو ښی ښانی

یکي لید لای شو . د کارګرو پر ګټو

په ګټه هیڅکار ندی شوی انفلاسیون

مخ پر زیا تیدو دی او ورځ په ورځ

خلک خپل کارو نه دلاسه ورکوی .

داناو غی د کارابین د سیمي به پیرو

نورو هیوادو کی هم لیدل کیدایښی .

سیاسي طوفا نو نه :

که څه هم استعمار ګرا نو خپلی

پخوانی شتمنی دلاسه ورکړیدی خو

بیا هم دیره هڅه کوی چی هغه ټولنیز

اوسپاسی نظامو نه چی ددوی په

ګټه تما میږی وساتی او هغه سیاسي

رهبران او ګوندو نه چی باور ور-

با ندی لری برقرار وساتی او بدي

ډول د انحصار را تو د ګټو څخه ساتنه

وکړی . دوی ونشو ای کړای چی د

زاپه نظم پر ضد د غښتلو ولسی او

توده ای اقدا ما تو مخه ونیسی . ددی

جګړی په بهیر کی نوی هیواد پال

اوملی قوتونه د سیاست ډگر ته

راوځی .

دومینکا چی ۱۹۷۸ کال په

نوا مبر کی یی خپلواکی ترلاسه کړه

د پیرو سیاسي طوفا نو نوی سره مخامخ

شو . ۱۹۷۹ کال په نیما یی کس

ددی کو چنی هیواد خلک دپا تریک

جان د حکو مت دظا لما نه سیاست او

دجنو بی افریقای نژاد پا لو نکي رژیم

سره دهغه داړیکو پر ضد وپاریدل

او په نتیجه کی صدر اعظم استعفا ته

مجبور شو او دهغه پر ځای او لیور-

سیرافین کیناست .

(نور بیا)

«آی خانم» یکی از شهرهای بی نظیر باستانی

پیوسته گذشته

بوسیله کدام عالم ویا تاجری انتقال داده شده
نیوزادای اهمیت بوده و از این شهر باستانی یعنی
ای خانم کشف گردید که در تاریخ و گرونولوژی
این شهر تاجای میتواند کمک زیادی نماید
طوریکه قبلا هم گفته آمدیم در این عصر معماری
و مهندسی ساختمانهای بزرگ به حد اعلی اش
پیش رفته بود چنانچه که وقتی مازیر پایه ها و
پایزیردل های ستون پایه های بزرگ راحتی
اگر توسط دستگاه تخیلی مهندسی مدرن امروزی
مانند (لیول) اندازه گیری نماییم موازنه سطوح

شده است چیزی مهتر ایکه مارابه یادسیستم
بخصوص ابرسانی ساختمانهای (کانتوم) دوم
باستان می اندازد و در یونان قدیم قبلا به آن
مبادرت ورزیده اند - در شهر ای خانم بوسیله
لوله هاو بلور های انتقال آب توسط بلور های
تیکری ساخته شده و از زیر ساختمانهای شهری
خانم میگشت و تعداد آنها از اندازه زیاد بوده
ویگانه روش است که در این آبدی قدیم بمشاهده
میرسد .
پیش از ۲۱ سانتی متر در آن فرقی ملاحظه
کرده نمیتوانیم و بهترین خصوصیت اعمار ساختمانی
یونانی و یونانو باختری در این جاست که
قبل از اعمار ستون پایه های منازل بخصوص
قصرای خانم مهندسی و معماران قسمت پایین
و باز یرین این زیردل عارا که معمولا از سنگ
چونه و یا بعضا مرمر ماننده صورت چهار گوشه
ساخته میشد ، سنگ های دریایی و یا سنگ
های پر خچه شده را طوری استحکام می بخشیدند
تا مقاومت و فشار عمومی پایه هاو ساختمانهای
بالایی رابه صورت متعادل حفظ نماید ، همانطور
یکه در اعمار دیوار هائیز سعی بعمل میاوردند .
جالب اینکه ستون پایه های یکدست نبوده از بند
های متعدد ساخته میشدند و توسط چنگک های
فلزی باهم پیوست داده میشدند . دو طرف
هر بند این ستون ها سوراخ های داشت که
در حین بالانمودن آن کدام مشکل احساس نشود
و به صورت متوازن بالای هم قرار گیرند .

اندازه های بند ها از هم متفاوت بودند آنعه
ستون های که ارتفاع آن زیاد بوده در ساختمانها
بند بندهای ستون ها ارتفاع مراعات میشده و
بعضی از این ستون ها منظور از بند عایش
از ۴۰ - ۵۰ سانتی متر ارتفاع نمیداشت و بعضا از
۱۲۰ - ۸۰ سانتی متر ارتفاع آن میگشت

بعضی از بند ها ارتفاع آن به اندازه قدیک
انسان ایکه قد آن ارتفاع نورمال میداشت ،
تجاوز نمیکرد . و البته این موضوع وابسته
به طرز العمل و معیار ساختمانی است . که
در این شهر باستانی مورد اجرا قرار میگرفت .
در مورد آثار منقول این شهر باستانی باید
گفت که تاکنون تعداد زیادی ازسکه ها و آثار از
قبیل مجسمه هاو بخصوص قاب رب النوع
سیل بدست آمده که در مورد آن شرحی را
لازم خواهیم دانست .

اتمام

ژوندون



بلورهای تیکری آبرسانی شهر آی خانم .

برای بانی شهر که هویت آن بوسیله کتیبه
ظاهر شد و در آن هم همانا کنی اس میباشد ،
معبدی درست نموده اند . و این معبد در حصه
وسط شهر جاه بجاه شده است که توسط حفاریات و
کاوش طبقات باستانی یعنی استراتیگرافی
بدست آمده است .

کتیبه های که در آن نصایح ذکر شده و عین
نقل از کتیبه معبد دلف است و شاید متن آن

در این شهر باستانی یعنی ای خانم میتوان
بهترین نمونه های مواد معماری قدیم و همچنان
بزرگترین ساختمانهای رامشاهده کرد - بطور
مثال وقتی دیوار های حیطة قصر و معبد بزرگ
بانی شهر یکی (کی نیاس) را ملاحظه نمود ،
میتوان گفت که تاکنون هیچ يك از معابد
ساختمانهای تاریخی مان به آن منوال نبوده
و در واقع ابتکاراتی بود که به اساس شرایط
محیطی و اقلیم منطقه بوجود آمده است .

تکنیک هنر موزائیک که در کشور سابقه

یونانو باختری زاده رابه بودیزم ثابت میسازد
وسکه های آن از اکثر ستوپه های بودایی بدست
آمده - همانطور در سکه های مکتوفه اگاتو -
کلس ای خانم میتوان مجسمه از رب النوع
(ویشنو) هندی را که با گرزو چکره مزین شده
و به رسم الحظ خروشتی نیز نام آن ثبت
است . موجودیت ارتباطات کلتوری و مهندسی
بخصوص در ای خانم توسط اهالی باختر و
یونانی هارادر هندوستان و مراودات تجارتی
آنها رابه هندوستان و از هندوستان به باختر
داست گویا آی خانم در واقع بهترین منطقه ویا
مرکزیت سایر مناطق تغار زمین بوده و منطقه
مهمی استراتژیک نظامی و مدنی در تنگه رود دریای
خروشان باختر به شمار میرفت و از اینجا است

که حدود قلمرو آنرا تا ساحات ۸۰۰ - ۱۰۰۰
کیلومتر غرب و شمال غرب گسترده دانست زیرا
سروی تحقیقات اخیر یعنی از سالهای ۱۹۷۰ -
۱۹۷۸ در ساحه چپ کوچه - شروان دشت
ارچی امام صاحب که در این مناطق آثار و
علامه نفوذ و تأثیرات یونا باختری ، و سیع

بود این مراکز مذکره جزء از قلمرو شهر ای خانم
به شمار رفت بطور مثال تپ بعضی ساختمان
های دفاعی ای خانم - زیر ستون ها - ستون
های به تکنیک معماری - باختر و بخصوص
ای خانم کشف گردید و خوبتر اینکه بعضی
مشکلات ساختمانی را بین دوره های کوشانی
و یا یونان بودی های بعدی و یونانو باختری حاصل
مینماید . اتشکده های کو چکی
که بعضا در اتاق های رهایش و هم خوابگاه
باشند در ای خانم کشف گردید و نظیر آن را

میتوان در حفاریات ساحه اتحاد شوروی
سو سیا لیستی و عده هم مربوط به ساختمانهای
دوره هخامنشی مقایسه کرد .

با نظر داشت اینکه آی خانم صرف مربوط
به یک دوره تاریخی نیست بلکه در اثر استیلای
امپراتوری هخامنشی هابعد های یونانو باختری
ها و در مرحله اخیر کوشانی های اولیه - نشیب
و فرازی زیادی را گذرانده کنون به حیث یکی
از شهر های معروف یونانو باختری در جهان
معرفی گردیده است .



پیوسته گذشته

لغار «عریف»

انسان زندگی ساز حالات محرومیت را با عواطف و احساسات شریفانه با سایر پهلوهایی زندگی اجتماعی تحلیل کرد .
از آنروز (اکتبر)،
در گرداگرد کشتی زندگی.

قیام هاوچ گرفت ،،،،، آزادی بالید ،،،،،
دموکراسی نقش فعال بازی کرد،،،،، استقلال
سیاسی سر زمین های آسیا - افریقا و امریکا
لاتین حصول شد، استعمار چهره مسخ کرد،
استعمار تیپ جدید گشت ، دهقان آزاد شد،
کارگر آگاه ،،،،،
البته یاران همسنگ در یافت ،،،،، درکنج
و کنار تاریکی هارا شکست ، روشنایی هارابه
بار آورد .

انسان هدفمند :

باجنب و جوش شگرف صفوف نجات خود را
فشرده ساخت ،،،،، مدافعین خلق سه تن
واحد شدند (همبستگی پرولتری ، سیستم جهانی
سوسیالیسم ، جنبش های آزادیبخش ملی)
در تقاطع از دنیا ،
حملات خیال پردازانه اقلیت با مقاومت
اکثریت خنثی پذیرفت .
در جایی :

اکثریت زحمتکش زندگی را با سکوت دلخراش
و تنهایی خسته کن میگذراند ، در حالیکه همه
نعم و احتیاجات را می آفریند ، ولی خویش بهره
بخشنودی آنرا نمی بیند .
در گوشه دیگر زندگی ،
هیاهوی و کشمکش شادی گرانه گروه اقلیت
زندگی اکثریت را شکنجه میدهد .
در حالیکه زندگی برای همه عزیز و گرامی
است .

همچنان :

درهیجان پرسروصدای دفاع از ران زندگی شیوه
های متنوع دفاع پیش کش شد .
صلح پاریس (۱۹۱۹) ،،،،، جامعه ملل ،،،،،
خلع سلاح ، کنفرانس جینوا (۱۹۳۲) ،
ولی ،
زودخورد بود بالای تقسیم جهان ،
تا تمام

«جنگ عمومی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸»
و ، تاحدودی سد پیشرفت راه زندگی شد .
ولی ، این سد دیری نپایید .
سازمان متشکل ستمدیدهگان (بلشویک ها) .
قصر تزار را شکست ،،،،، غلاب بلند پرواز
قدرت زمان را بال برید ، زنگ خطر را بصدا
آورد و غار تگران را هو شیارانه اخطار داد
تأسیسات ستمگسری را باخود یکجا به گورستان
تاریخ برند .
اکتبر پیروز شد و نامش سوسیالیسم (۱۹۱۷)
و ، مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا ،
سیادت سیاسی پرولتاریا ، اسلوب سرنگونی
سرمایه ،،،،، شکل خاص اتحاد طبقاتی پرولتاریا
عالیترین شکل دموکراسی ،،،،،

و ، مفهوم «سیاست اقتصاد نوین»

تسلط پرولتاریا بر صنایع ، زمین ، حمل و
نقل ، بانک ،،،،، قایم کرد .
و ، مفهوم جامعه کامل سوسیالیستی ،
«بنیاد صنعت با اقتصاد دهقانی» .
و ، انقلاب سوسیالیستی ،
دهقانان را کشاند از طریق کوپراسیون به
مجرای ساختمان سوسیالیسم . رهبری موزون
پرولتاریا ،
بر تو ده های زحمتکش شهر و ده یکسان
امعای استثمار فرد از فرد را ،،،،، تأمین کرد .
و امروز :

با شصت و یکمین سال خود ، بسوی مرز ها
وافق روشن راه زندگی با قوانین عینی را
می بیند .
بسوی زندگی «از هر کس طبق استعدادش
بهر کس بنابر نیازش» .
از آنروز (اکتبر) ،
همه بپا خاستند ،،،،، شست هارا پیوستند ،
بتک و داس را یکی غمشریک گفتند .
بخاطر دفاع از راه زندگی .
با پیوند خوسه ها ، یکجا به پیکره کثیف و لاشه
متعفن استثمار و استعمار ناخن زدند .
اکتبر درس عبرت شد .
لحظه های غم انگیز در گوشه یی از ران زندگی
رنگ و خون انسان هدفمند را جوشاند .
ولی :

زندگی چه دلپسند کلمه ایست . استقلال ، عدالت ، رفاه ، ترقی ،
صلح ، آرامش ، سلامتی ، برادری ، برابری ، همکاری ، غمخواری ، دوستی
اعتماد ، صمیمیت ، دلگرمی ، تقوی ، صفای معنوی ... اجزای لایتجزای
آن است .

تأمین زندگی سعادت مند ، پیشرفت اجتماعی ، عدالت واقعی ، رفاه مادی
و معنوی خواست نخستین و عادلانه انسان های مولد و هدفمند را میسازد .
افسوس که دژ خیمن ستمگر با جنگال های پلنگ گونه و دندان های
زهر آلود خویش راه زندگی را دردناک و متشنج میسازد ، یابه کتمان
واقعیت هابناه می برند و یا خاینانه در برابر واقعیت زندگی اغماض میکنند
اکثریت محروم سازندگان واقعی تاریخ و وارثان حقیقی ثروت های
مادی و معنوی اند . راه زندگی را تضمین مینمایند و شکوفا نی زندگی
را تأمین میدارند .

۱ اقلیت های طفیلی در فرجام سخن دورا ز راه زندگی
میشوند دیر یا زود سقوط میکنند و معدوم میگردند و دیگر جایی دربرو-
سه زندگی به آنها نخواهد ماند .

راه زندگی دفتر خاطرات انسان هاست از بدو پیدایش تا کنون مد
و جذر ، خم و پیچ ، شکست و پیروزی ، قاطعیت و نرمش ، تعرض و عقب
نشینی ... صفحات آنرا میسازد .
نوشته ((راه زندگی)) که همین اکنون دوستان ارزشمند و گرانمایه
خواهران و برادران مطالعه میفرمایند حکایتگر کلیه جوانب و پهلوهایی
زندگیست .

نوشته ((راه زندگی)) هنگام سلطه خونین ددمنشان امینی در
شرایطی که خون پاک انسان های شریف و وطنپرست کشور نقش
سنگ فرش جاده هامیگردید ، مخفی گاه ها ، شکنجه گاه ها ، قتلگاه ها ،
پولیگون ، زندان ، دشت و دمن ، کوه و برزن بیاد انسان هد فمند
جامعه مافریاد میکشید ، به اداره جوایز مطبوعاتی اطلاعات و کلتور
تسلیم داده شد و در یکی از بخش های جوایز سال (۱۳۵۷) گانده
و بصورت اتفاقی مستحق جایزه مطبوعاتی گردید .
نویسنده

و ، غول سرمایه ،
کارگر مایان کوچک را ورشکست میکند ...
ارتش بیکاران را زیاد ، و سر انجام ، در زندگی
بورژوازی ،
تیوری بحران ، تیوری ورشکستگی ، تجمع
و تمرکز تولید ، هرج و مرج تولید طرح شد ،،،،،
و بالاخره ،
عدم تأمین پرولتاریا ،،،،، تشدید فشار
سرمایه داران ، بحران عمومی مالی ،،،،، حدت
دهشتناک بیکاری ،،،،، بیار آورد .
و سر انجامش در افلاس شد .
و توسط انسان زحمتکش ،
فنای آن تحلیل شد ،،،،، نوید زندگی
سازی پرولتاریا را در سر زمین واحد و جداگانه
سرمایه داری داد .
ولی ،
استثمار کنندگان ،،،،، دموکراسی پیش کش
میکند ...
کدام دموکراسی ؟
سرودم بریده ، حافظ منافع خودش .
اما ، بورژوازی باز هم ،
سیمای نو با لنده زندگی جهان را مات داد



نمونه یی از خط سیاه مشق

بقیه . صفحه ۳۹

خط با تکامل بشر...

قیمت و ارزش را دارد که يك اثر دیگرش دارد در سیاه مشق زیبایی های وجود دارد که صاحبان نظریه پتر آن را درک میکنند حالت های که در يك اثر سیاه مشق دیده میشود و دوش قلم و دیگر زیبایی ها در این نوع خط وجود دارد که برای خط شناسان همان لطف را دارد که يك خط زیبا می باشد .

برای خطاط نیز این نوع خط و روش خالی از دلچسپی نیست و شاید دیده باشید که بسیاری از خطاطان دو پای سیاه مشق شان امضاء میکنند که این امر می رساند چقدر يك سیاه مشق برای خطاط با ارزش است . در يك اثر سیاه مشق انتخاب يك بیت شعر و تکرار نمودن حرف همه و همه برای خطاط زیباست و برای خط شناسان نیز . در این جا شما به سیاه مشق خوب دقت کنید ببینید شکل (ی) را که چقدر زیبا و همه بیک تناسب خطا علی شده که همه این ها بر پختگی و زیبایی يك سیاه مشق دلالت میکند .

«و قتی که ما شین طبعیت بو جود آمد ، آیا بنظرت بازار خط و خطاطی را تحت تاثیر خویش قرار نداده است ؟

چرا تا اندازه ما شین طبعیت تاثیر بر روی خط گذاشته است ولی آنطور که شما فکر میکنید نیست ، خط ، همیشه جای خود را داشته است ، و امروز از روی همین خطوط است که حروف ریخته میشود . پس در هر صورت خط جای خود را دارد . ولی بازار خطاطان را چه عرض کنم در گذشته يك اثر خوب و زیبا از يك نو یسنده و یا از يك شاعر برای خطاط آورده میشد تا آن را با خط زیبای خویش خطاطی کند ، این امر از يك طرف باعث تمرین و مشق خطاط میشد که طبیعی بود خطاط از خود شامگردانی میداشت و هم چنان روز بروز این هنر انکشاف می

صفحه ۴۴

* آیا کدام اثر خطاطی ات حایز جایزه شده است ؟

بلی ، در سال ۱۳۵۸ برای اولین بار چهار اثرم را به جایزه مطبوعاتی گذاشتم نه اثر نستعلیق ام حایز درجه اول شد و مستحق پاداش گردیدم .

يك اثر دیگرم که تقریباً يك ماه روی آن کار کرده بودم یکی از ذوقمندان آن را به مبلغ بیست و پنج هزار افغانی خرید ، بعد ها خبر شدم که این اثرم به مبلغ پنجاه هزار مارک بفروش رسیده است .

* فکر نمیکنی که فرهنگ غرب تأثیری بر این هنر ما گذاشته باشد ؟

ماشین را نیز غربی ها اختراع کرده اند ، و این خود می رساند که چه تأثیری بر این هنر ما گذاشته و قبلاً در این باره تذکر دادم اما هیچ وقت بصورت کل نمیتواند فرهنگ غرب به این هنر اصیل و سنتی ما تأثیر وارد کند . امروز بعضی از نقاشان و برخی از خطاطان از روش های مدرن استفاده میکنند که آثار آنان بیشتر نقاشی است تا خطاطی ، اگر منظور تان این نوع خطاطی ها است که بیشتر ریشه غربی دارد ، باید بگویم هیچگاه این نوع خط ها جای خط زیبای و کلاسیک ما را گرفته نمیتواند . و نخواهد گرفت .

* برای زنده نگه داشتن این هنر چه باید کرد ؟

خط زیبای دری همانطوریکه ، سالیان دراز و حتی قرن ها مورد توجه بوده ، باز هم مورد توجه خواهد بود .

هیچگاه این هنر اصیل ما از بین نخواهد رفت و برای شگوفان ساختن هر چه بیشتر آن باید کار های کرد و انجام داد . از آن جاییکه این هنر در پهلوی سایر

آیا میدانید...

میکند و امروز یکی از خصوصیات زندگی زنان داشتن دستکول است . وقتی امروز زنی دستکول نداشته باشد فکر میکند که چیزی را کم کرده و شاید برایش مشکل باشد که بدون دستکول به جایی برود . البته باید متذکر شد که باز هم دو ساختار دستکول ها تغییراتی رونما گردید امانه به آن اندازه که در اوایل صورت میگرفت . این تغییرات و تحولات که زاده شرایط عصر و زمان است و با مدرنیز شدن زندگی طبیعی است که در تمام شئون حیات زندگی تحولات پدید آمد ، که لباس و دیگر لوازم زن نیز از این تحول بدور نماند و انکشاف یافت . ناکفته نماند که مانند اوایل یعنی در اوایل

آمد . بدین معنی که در ساختمان داخلی آن تحولاتی پدید آمد که بیشتر برای نگهداری پول و جواهرات تسهیلاتی فراهم گردید که تا امروز این ساختمان ها تا اندازه حفظ گردیده است .

داشتن دستکول یا چیزی شبیه به آن ، در آن زمان از جمله لوازم فیشن و یکی از علائم تشخیص بودن زن ها بود . بدین لحاظ هر زنی که استطاعت مالی نسبتاً بهتری داشت حتماً یکی از این دستکول ها را می داشت و البته نظریه شرایط اقتصاد خانوادگی آن وقت ، هر زن به اندازه توان مالی خویش دستکول حمل میکردند و استفاده می نمودند .

از شروع قرن بیستم تا امروز که در اواخر آن قرار داریم اکثریت زنان از دستکول استفاده

هنر های کشور ما مقام والایی داشته باید برای هر چه شگوفان تر شدن این هنرگاری های خطاطی بوجود بیاید ، خطاطان تشویق گردند ، هنر آنان قدرگردد ، تا جای امکان زمینه پرورش علاقمندان این هنر فراهم گردد تر تیب نمودن محافل هنری ، به جوایز گذاشتن آثار آنها همه و همه در امر شگوفانی این هنر در برپا نقش قابل ملاحظه ای دارد .

اگر به تاریخ این هنر زیبا نظر بیاندازیم می بینیم که یگانه علت شگوفایی این هنر در ادوار کهن و گذشته ما تشویق از این هنر و هنرمندان بوده است .

ما تاریخ روشن و خیلی گویای از این هنر داریم ، پس برای حفظ و نگهداشت این هنر سعی و تلاش زیاد بخرج بدیم تا باشد که روزی باز هم هنر مندان مانند میر علی هروی میر عماد و امثال آن داشته باشیم .

* خوب در اخیر می خواهم اگر پیامی داشته باشی میتوانی بگویی ؟

پیام من به جوانان و نو جوانانی که علاقمند این هنر اند و می خواهند در آینده این هنر را پیش ببرند اینست که بگویند تا این هنر اصیل و باستانی ما را زنده نگه دارند و این ما مول زمانی بر آورده میشود که مشق و تمرین نمایند و بکار خویش ایمان داشته باشند .

نکته را که می خواهم تذکر دهم اینست که مبتدیان این هنر و نو آموزان باید از روی يك اثر زیبا و پخته تمرین و مشق نمایند ، فرقی نمیکند که این اثر از خطاط گم نام و یا مشهوری نباشد .

اسلوب خط را و شیوه نوشتن را بدرستی بیاموزند و در این راه زحمت فراوان بکشند زیرا بدون زحمت و تلاش هرگز نمیتوان بجای رسید .

قرن یازدهم که زنان و مردان دستکول استعمال میکردند امروز نیز عدد از جوانان از دستکول استفاده میکنند . اما بدین تفاوت

که امروز جوانان ما این دستکول ها را بطور گذاشتن کتاب و لوازم درسی استعمال میکنند حالیکه در گذشته بطور حمل سلاح از آن استفاده می نمودند .

دستکول های که امروز جوانان از آن استفاده میکنند بیشتر شکل خودچین را دارا است اما بزرگتر از خودچین های زنانه گذشته .

بهر حال با این مختصر گزارش در مورد سیر تحول و انکشاف و تاریخ دستکول بیک مطلب پی می بریم و آن اینکه دستکول و یا چیزی شبیه آن از هزار سال به این طرف مورد استعمال داشته و تقریباً از همان روزیکه مورد استفاده قرار میگرفت تا امروز برای يك منظور قابل استفاده بوده است و آن هم برای نگهداری اشیای مورد ضرورت خانم ها .

ژوئنون

مادر

مادر: بلی ایستخواهی مسره مفت و رایگان میگیرند واز اوکالتوس ساخته به عساکر میتن و آنها هم تاحدی که دارند آتش میکنند، بروی هر که که پیش آمد.

زن لباس سیاه: شوهرم به همین ترتیب کشته شد و فرزندم ره هم برده اند... طرف خود نهی تم... خانه میرم.

زنک کلیساها به صدادر میاید یکی از زنان میگوید: رنگت پیروزیست.

مادر: بلی، ما پیروزمیشیم... ما قندانی، دولچه و لکن چه خوده مریتم و پیروز میشیم... (با صدای آمرانه) شما باید تصمیم بگیرین با طرفدار شکم و لباس و خانه و گارتان هستین و یا طرفدار پیروزی تزار؟

یکی از زنان: توجه پرمیگی؟ بیشتر یکی ره تحریک کدی که دولچه خوده گرفت و رفت... مقصدت چیست؟ چی میخواهی؟ آیا شمانمی... همین که مابالای ظروف خوداز میهن خود دفاع میکنیم؟

مادر: ظروف های شما (می بخشین) بی معنی س: شمانی همین که جنگ به نفع شمانیس... فقط موقف شما، شماره به چاپلوسی مجبور کده... شما با ایستاده شدن تان دوی قطار و آوردن ظروف خود یکبار دیگر میخواهین وفاداری تانه به غلامی تزار ثابت کده باشین... کدام مقصد دیگه ندارین... خطاب به زن کارگری که نیز در قطار ایستاده است میگوید: اینجا جای شمانیس... برین ده فابریکه و اونچه صف شوهر و دوستان و همکاران تانه محکمتر بسازین ای چاپلوسی ها بدرد شما نمیخورد... شما چیزی ندارین که از دست بترن... زن کارگر به قهر آمده از جایش برخاسته از صف خارج میشود و بطرف فابریکه میرود.

زن سومی خطاب به زنان دیگر: ای کیست که ایقه پر عیقه و عاره گپ یاد میت؟ زن دیگری: نمی فهمی که ای کیست؟ یکی از زنان انقلابی س: همه زنان دیگر به یک صدا: چی، انقلابی؟ بعدا یکی ای دیگری میگویند: ازی زن احتیاط کتین، خطرناک س... زن مکار نیست... از او احتیاط کتین.

مادر از قطار خارج شده در مقابل آنها میایستد: بلی، ما انقلابی هستیم... اما شما قائلین هستید و با این عمل تان در جنایت تزار سویم میشین... فرزندان شما از آغوش شما ننگ خواهند داشت شما جان ها...

یکی از زنان: همه حالی حق تره میتیم، تو انقلابی انقلابی...

مامور: لطفا همراهی ظروف خود داخل شوین.

یکی از زنان قبل از اینکه داخل شود با ظرف

مسی دست داشته خود بفرق مادر میگوید... زنان دیگر تف بروی او میاندازند و داخل دروازه میشوند... یک زن جوان که بجایش ایستاده است بطرف مادر آمده میگوید: اینجا واقعا ناهیم و وحشی هستند... به متناسقم اما راست بگویم نمی فهمم که حال ما چه کتم... که مه ای ظرفه نتم، به چی کسی کمک کدیم؟... که کاملا راهره گم کدیم.

مادر: توبه تنهایی هیچ نمیتانی... امشب (به گوشش آهسته آدرس رامیگوید) بیا، دیگر کارگران هم آنجا هستند... همه باهم مشوره خواهیم کدکه چه باید بکنیم... اما آدرس برای هیچ کس نگوئی.

سال ۱۹۱۷

صفوف اعتصابیون و تظاهر کنندگان در فابریکه

ویتنام در قلب ما

ویتنامی خود اعطاء نموده اند... ملوانان اتحاد شوروی با تمام وسایط لازم جهت اعمار زندگی جدید و مقابله با تجاوز به بنادر ویتنام اعزام گردیدند.

اطفال و متعلمین اتحاد شوروی کاغذ های باطله و آهنپاره ها را جهت بسته بندی کتب و ادویه و ارسال آن به جوانان ویتنام جمع آوری نمودند.

تاریخ ویتنام با خون آن کسانی نوشته شده که بخاطر استقلال وطن جنگیدند و احترام تمام جها تیان را نسبت به وطن خود کمایی کردند... ما در اتحاد شوروی احساسات مردم ویتنام را خوب درک می کنیم، زیرا ما هم مانند آنها مجبور بودیم اعمار نمایم و جنگیم احیاء نمایم و دو باره از سر بناء کنیم... رهبران و خلق جمهوری سو سیالیستی ویتنام همیشه اظهار نموده اند که دوستی با اتحاد شوروی و معاهده سال ۱۹۷۸ تضمین امنیت و پیشرفت ویتنام می باشد.

در حال حاضر باز یکن می خواست ویتنام را تهدید نماید و بترساند.

این روز ها دو باره ویتنامی ها در باره قهرمانی های نیا کان خود به مبارزه آن ها علیه اشغالگران فیودال چین، به مبارزه که در قرن ده میلادی با ظهور دولت مستقل ویتنام به اوج خود رسید، آوازی می خوانند... کی می تواند ملتی را که استعمارگران ارتش امریکا را مغلوب نموده بترساند؟

منطق جنایتکارانه، هر مو نیست های یکن را به سادگی در اعمال شان چنان مشاهده نمود... آنها با جلوگیری از ارسال کمک های اتحاد شوروی و دیگر کشور های دوست از طریق خاک چین، به مردم ویتنام به خیانت آغاز نمودند، بعد آن ها به تجاوز آشکار

عاجز تحکم ترمیگردد.

خاتم والسوا نیز در بین اعتصابیون دیده

میشود.

ایوان: وقتی که از جاده (لی) میگذشتیم، چندین هزار نفر بودیم... کارگران پنجاه فابریکه تاحال به پشتیبانی به اعتصاب دست زده اند... همه مخالف جنگ و دولت تزاری هستند.

واسیل: در زمستان گذشته دو صدو پنجاه هزار کارگر اعتصاب کرده بودند یکی در زمان دیگر: ماسعار های نقل میدادیم که روی آن نوشته شده بود:

مرگ بر جنگ و جنگ طلبان، زنده باد انقلاب...

درفش انقلابیون رازن شصت ساله بنام مادر بدوش دارد.

یکی از کارگران میگوید: بیرقه به ما به تبه شاید بری تو گرنگ باشد...

مادر حرف او را قطع کرده میگوید: نی،

هنوز مانده نشیدیم هر وقت مانده شدم، پوت میتیم... به گرچه که بیرشده ام ولی فراموش نکند که زن یک کارگر هستم و بخاطری بیایم

که شکم یگانه فرزندم ره سیر نمیتانستم... فرزندی ره که قهرمانانه از ماوداع کد... در اوایل ماه بریش میگفتم: ای کارها اصلا فایده نداره... بعدا خودم بریش شبتامه بخش

کدم... و امروز بعضی اوو بخاطر حقانیت جنبش، درفش آزادی ره به افتخار به شانه دارم... به صفوف گسترده و عظیمیکه در دنبال ماست نگاه کنید... دیدن آنها دوشربان های

پاعای پیرو ضعیف ما، حیات خسته گسی ناپذیری ره دوباره خلق میکنند... ما مبارزه میکنیم و باز هم مبارزه میکنیم و پیروز خواهیم شد... قدرت دولتی از آن ما کارگران س... به این اعتماد داشته باشین... به پیش... حرکت... به پیش... تمام

مخا برای یک قهر مصنوعی (یکی از پروژه همکاری شوروی - ویتنام) مردم ویتنام به تما شای پرواز مشترک کیهانوردان در صفحه تلویزیون قادر گردیده و بازی های اولمپیک مسکو را تماشا نمودند.

وظیفه که اکنون در برابر سازمان ما، انجمن دوستی اتحاد شوروی و ویتنام، قرار دارد عبارت است از انکشاف موثر همکاری بین کشور هایمان در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی... ماه دیگری از دوستی ما، هر بود سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام سو سیالیستی آغاز شده است.

سی و پنجمین سال تاسیس ویتنام چیزی بیشتر از یک حادثه صرفا ملی میباشد... ما در اتحاد شوروی به شجاعت و کار مردم ویتنام افتخار می نمایم... مطمئن هستیم که آینده روشنتر خواهد بود... رشته دوستی ما هیچگاه از هم نخواهد گسست... اعضای انجمن دوستی شوروی - ویتنام و تمامی مردم اتحاد شوروی سی و پنجمین سالگرد ویتنام را قلبا تبریک می گویند و برای آنها دارای بهترین تمنیات می باشند.

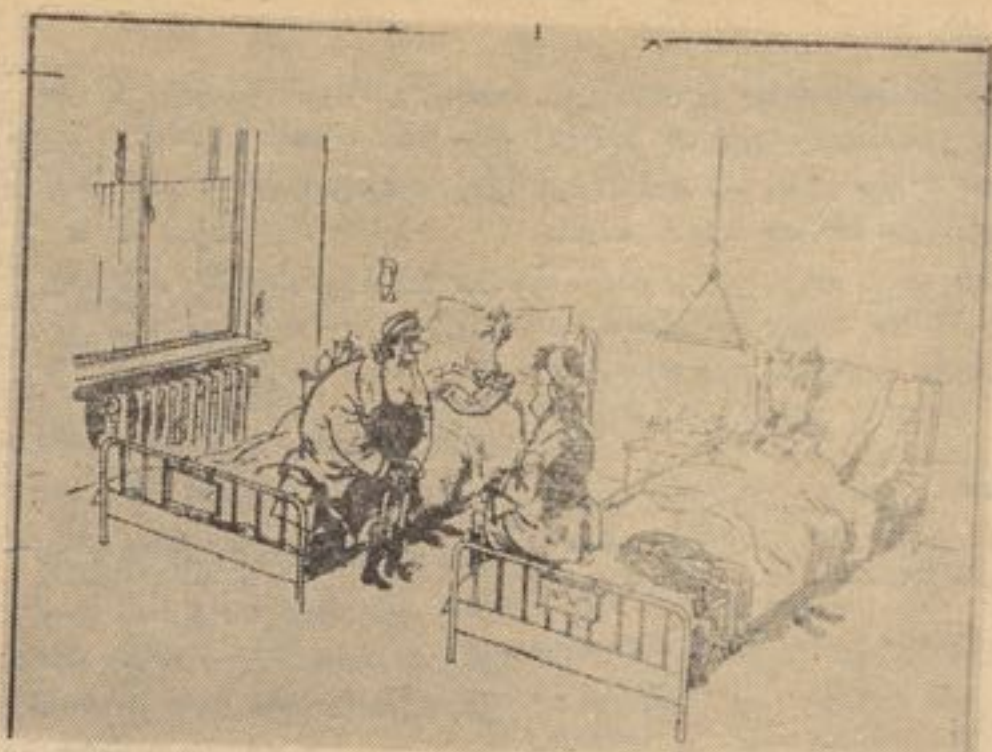
وضعگیری زنان

به نفع حقوق کلیه زنان افغانستان و سراسر دنیای امروز بیانیه ایراد کرد و مصاحبه مطبوعاتی بی راهم انجام داد.

برخی زنان مشاور و متخصص در بعضی آیینته ایمن بحث نمودند در ارگانیک ملل متحد طور مثال چند جبره در

به ارتباط سهمگیری زنان در فعالیت های ارگانهای ملل متحد:

سال ۱۹۶۳ چهل و هشت بار دو رادور کره ارضی رادر نوردینو درین فاصله کیهانی دو میلیون کیلو متر فاصله را موفقانه پیمود... موصوفه که بار ها در کنفرانس های صلح و همبستگی بسویه بین المللی شرکت کرده است چند ی قبل در کنفرانس سرتاسر زنان افغانستان منعقد روز جمعه هفتم ماه قوس ۱۳۵۹ (مطابق ۲۸ نومبر ۱۹۸۰) در کابل نیز



زن اولی به دومی: خواهر جان شما فردا هم به عیادت شوهرتان می آید؟
بلی: زیرا حرف ای امروز تمام نشده است.



شماره انشائی می کنند

وقتی که موقع انجام مراسم ازدواج از عروس ها و دامادها قاضی جدا جدا سوالاتی می کند می گوید:
چند وقت است که با هم آشنا شده اید؟
از ده مرد ۹ نفرشان جواب میدهند:
یکی دو سال. ولی عروس ها میگویند: دوسه سال.
این میرساند که دخترها پسرها را درست يك سال پیش از آشنائی رسمی زیر نظر میگیرند و برای بدام انداختن نشانی میکنند.

رئیس صاحب اشتباه می کنی

گرفته ام.
- چطور میکی شش نفر را ..
در بین دوسه ات نوشته
هفت نفر!
- بلی قاضی صاحب باید توضیح
بدهم. آخر من يك نفر از آن هفت
نفر را که میکی دو بار زیر موتر
گرفته بودم!

را ندهی را به محکمه جلب کرده بودند ...
رئیس محکمه دوسه را ورق زد و سری تکان داد.
- واقعاً باعث تا سفاست در عوضی يك نفر تو خودت
شش نفر را زیر مو تر گرفتایی
را نده با عجله حرف رئیس محکمه را قطع کرد.
- بیخشین قاضی ... اشتباه می کنی من فقط شش نفر را زیر



بدون شرح

خط سفید برای

چیست

بو لیس ترا فیک خانمی را که
پشت مو تر نشسته بود و به آرامی
مو تر را در جهت مخالف خیا بان
میراند متوقف ساخت و از او
پرسید:
- شما نم مگر نمیدانی که خط
سفید و سب خط خیا بان برای
چیست؟
- خانم را نده با دقت نگاه می
به خط و سب خط خیا بان انداخت،
بعد گفت:
چرا نمیدانم، بسیار هم
خوب میدانم که این خط مخصوصی
عبور بایستک ها است!



بدون شرح



وقتی که هنرمند استراحت طلب
میشود.



بدون شرح



بدون شرح

من کاملاً بی گناه هستم

مردی را به جرم سرقت گرفتند. فته بودند... آقا و خانم صاحب خانه هم برای دریافت اموال مسروقه نزد رئیس محاکمه رفته بودند تا گناهان بین آقا و خانم دعوی سختی در گرفت و مرد رو به زنش کرد و پر خاش کنان گفت!

زن احمق... تمام تقصیر تو بود که غفلت کردی و دزد انا لیه را برد.

زن با عصبانیت فریاد کشید: هر شب، نیمه های شب مست به خانه بر میگردی.

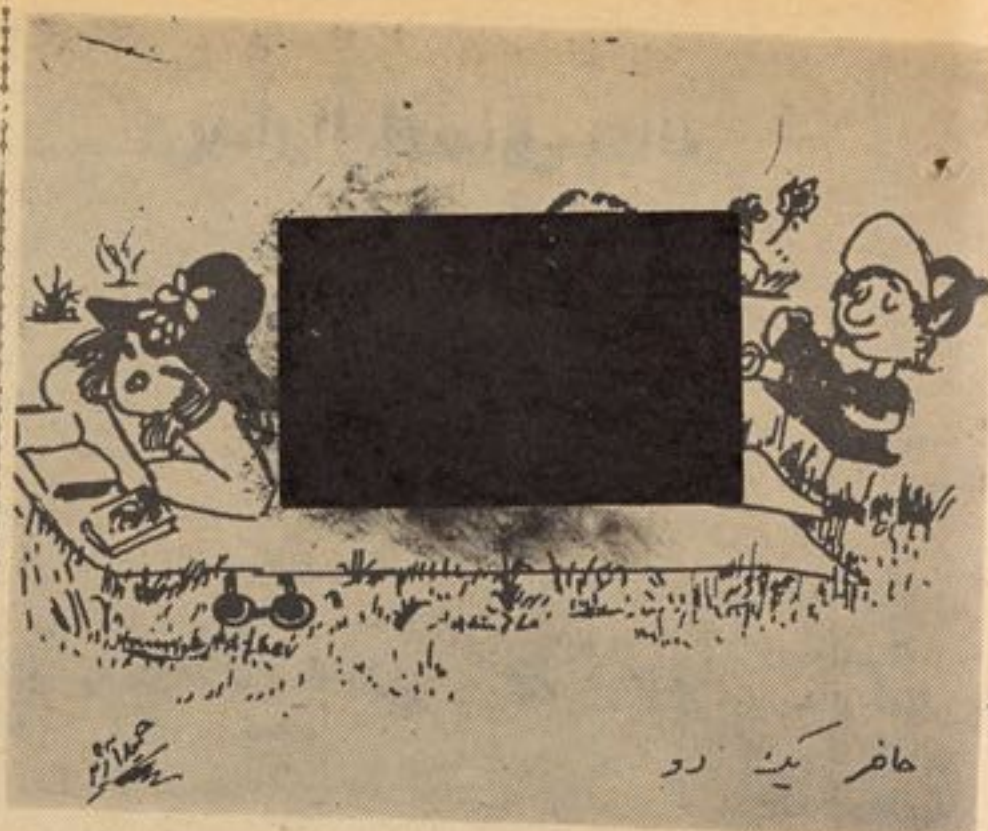
در این موقع دزد از موقع استفاده کرد و گفت: آقا رئیس محاکمه ملا حظه فرمودید که بنده در این میان کاملاً بی گناه هستم!!

شاگرد بهانه گیر

معلم یکی از شاگردان را صدا کرد و گفت:

چرا درست را نخوانده ای مگر پدرت وقت ندارد شب ها کمی بتو درس بدهد؟

نی آقایی معلم، پدرم شبها بسیار مگر فتاری دارد... چون مدتی است که پیشخدمت ما قهر کرده و او مجبور است ظرفها را بشوید!!



حاضر کن رو

یک دو

نامزدی ام برهم خورد

دودختر باهم گرم گفتگو بودند...

یکی از آنها رو بدیگری کرد: خوب تو خو قرار بود با امرت ازدواج کنی و گفته بودی که نامزد هستی... پس چی شد؟ دختر دو می آهی کشید.

بلی... ولی یک هفته قبل نامزدی خود را با آن بهم زدم. دختر او لی با حیرت پرسید: چرا... برای چه؟

برای اینکه هر موقع که یک چند دقیقه دیر تر سرو طیفه میرفتم برا یم می گفت با یزد نوشته بی از پدر و مادرت بیاری که بگویند عذر تو معقول است!!



بدون شرح

مشتری بی ادب

مردی وارد رستوران مجلسی شد که مدیریتش سخت پای بند اداب و رسوم بود و او سر میزی نشست و دستمال سفره را بجای اینکه روی پای خود قرار دهد، بگردن بست و با فریاد صدا زد:

هی... پیشخدمت... بیا اینجا!

مدیر رستوران برای اینکه مشتری بی ادب را گوسشالی دهد چند دقیقه بعد با تفاق یک سلما نی نزدش رفت و گفت: ببخشین قربان... سرتان را اصلاح میکنی یا ریشتان را میتراشینی؟



بدون شرح

زن: الله خواهرجان زود حرف خود را تمام کنی زیرا در بیرون نفر زیاد استاده، اگر نی قصه جنگ بی بی خورد و شیرین گل را برت می کردم.



زن: الله خواهرجان زود حرف خود را تمام کنی زیرا در بیرون نفر زیاد استاده، اگر نی قصه جنگ بی بی خورد و شیرین گل را برت می کردم.

چه تعداد نفر...

در کشور های انکشاف یافته يك سلسله مو سساتی ایجاد گردیده تا به وضع معیو بین رسیدگی گردد

ولی این طرز بر خورد منحیث يك بر خورد خشك، رسمی، ومیخانیکى مورد اعتراض قرار گرفته است. در کشور های روبه انکشاف رشته محکم خانواده گى و تماس انسانی حفظ گردیده ولی به تاسیس و تدویر مو سسات شدیداً احتیاج حس میشود.

اکثراً معیو بیت زاده اختلالات جنتیکی میباشد و لی عوامل تصادف در انثای کار، و تصادفات ترافیکی و جنگ نیز مهم اند. ازینرو پیش گیری از وقوع حوادث و تدابیر وقایوی اهمیت زیادی دارد. معالجه مریضان و تهیه خدمات مکفی صحی برای ناداران و اطفال نیز داری اهمیتی بسزا است.

مشکل دیگر تهیه وجوه برای مو سسات مخصوص معیو بین برای تربیه پر سوتل مورد ضرورت و برای معالجه است. مطالعاتیکه تا حال بعمل آمد حاکی از آنست که منابعه صرف وقایه، معالجه و یا کمک به معیو بین میکرد، از نظر اقتصادی مخصوصاً در دراز مدت موجه است.

برای بهبود موقعیت معیو بین در جامعه ابتکار و سهم گیری شخصی و خصوصی نیز يك عنصر لازمی

جنبه های...

کارگران و دهقانان تشکیل می دهد و تمام طبقات و اقشار و گروه های ملی و دمو کراتیک، همه نیروهای اجتماعی و مذهبی وطن پرست را برای همکاری به خاطر منافع مان افغانستان انقلابی متحد می سازد....

آری جنبه ملی و وسیع پدر وطن در شرایط خاص جامعه ما ممکن ترین و عاملانه ترین راه اتحاد و بسیج مردم در راه دفاع از وطن و دفاع از دست آورد های انقلاب و دفاع از منافع توده های ملیونی مردم می باشد. درین جنبه همه

است. بناغلی منصور کیکیا اظهار میدارد: (بنده) علاقمندی اشخاص را به این مشکل در کشور های انکشاف یافته قابل تعریف میدانم. چنین ابتکار در کشور های مادر دنیای روبه انکشاف زیاد بنظر نمی خورد.

امید ما اینست که در کشورهای روبه انکشاف چنین علاقمندی تعمیم یابد، نه تنها علاقمندی موسسات و خانواده های معیو بین، بلکه علاقمندی عامه مردم!

در قسمت یافتن کارکنان متعهد و با کفایت ختی مو سسات دارای سابقه طولانی در کشور های پیشرفته دچار مشکل اند. این مشکل در کشور های روبه انکشاف

طبعاً حاد و گسترده تر است. تربیت پیشرفته و تخصصی در علوم مستلزم کوششهای وسیعی است که بایست به مساعی حکومت برای انداخته شود چون در چوکات سال بین المللی معیو بین درین زمینه مستقیماً اقدام شده نمی تواند.

یکی از مشکلات دیگر عدم انسجام در مساعی مو سساتیست که وظیفه کمک با معیو بین را بدوش دارند. این مو سسات در مواردی بایست دیگر رقابت میورزند.

در کشور های مختلف مراجع و ادارات مختلف در ساحات مختلف صحت، فعالیت های اجتماعی، تعلیم و تربیت و استخدام فعالیت دارند. یکی از اهداف سال بین المللی معیو بین را تشکیل يك سازمان واحد و عمومی برای تامین ضروریات و حل مشکلات معیو بین تشکیل میدهد.

مردم اعم از کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و وطن پرست تجار و سرمایه دار ملی رو حانیون وطن پرست، اهل کسبه و غیره تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان در يك صف واحد با هم و دست در دست هم کار و پیکار انقلابی و سازنده را برای می اندازند. مردم دلاور و صلحجوی افغانستان که سال های متمادی رنج، استبداد و استثمار را کشیده اند با تشکیل جنبه وسیع ملی پدر وطن به همه آن رنج ها و آلام برای همیشه پایان می دهند و آینده تا بناتک و عاری از همه انواع ستم و استثمار را استقبال خواهند کرد. به پیش در راه تشکیل جنبه و بسیج ملی پدر وطن این متحد کننده همه مردمان کشور ما.

دیدار از آسیای میانه

بدینسان هنرمو سیقی در چار دیواری تنگ خانه ها زندانی می گردید. ملت ترکمن تاپیش از انقلاب فقط چند تا ساز ساده و محدود را می شناخت که آنرا گرو می دل به دریا زده و می نواختند. امروز از فیض انقلاب، ابراهیم با لست سمفونی را دارد و می شنا سست. و این می تواند نشان شکوفائی و گسترش فرهنگ باشد. و این همه تغییر و دگرگونی بنیاد یسن در چهل سال بدست مردم رزمند و ترکمنستان پدید آمد.

پرتگاه يك حادثه

دختری حاضر است باتو از دواج کند و او هم همه این سخنان را به پذیرش میگردفت و با من به بد رفتاری آغا ز میکرد.

به رودی دیر آمدن ها شروع شد و بعد هم شب نیا مد ن ها، هو س در قلبش لانه کرده بود تا آنجا که هیچ نیروی نمیتوانست و سوسه های اغوا آمیز شیطان را از احساسش بیرون کشد و او را برآورد. راست آورد. دوسال به همین شکل سپری شد، در این مدت چقدر عذاب کشیدم و چقدر رنج بردم فقط خدا میداند! همه نگونه که از اشك ریختن های پشیمانی و شب زنده داری ها و بی آرامی های جز خدا نمیداند. این وضع نمیتوانست دوام آورد و دوام هم نیاورد موضوع جدایی مابه طرح آمد و بالاخر هم عملی شد در حالیکه دو کودک معصوم حاصل این پیوند زنا شوی بد فرجام بودند.

دست کود کانم را گرفتم و با دلی خاصی از هر آرزوی بی به خانه بدر رفتم، او وعده کرده بود که مخارج زندگی ما را بپردازد اما بی احساس تر از آن بود که چنین کند و نکرد و ما ماندیم دست خالی و مخارج زندگی.

باآنکه پدرم ماموری بود متقاعد و جز معاش سالانه تقاعدی اش بقیه در صفحه ۵۱



بیرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان . رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان مو قعیکه با احساسات مشایعت کنندگان در میدان هوایی بین المللی کابل پاسخ میدهند.

بقیه صفحه (۹)

یکسال در یک هفته

جمهوری دموکراتیک افغانستان که روز هفتم قوس ۱۳۵۹ بایبانیه بیرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری

دموکراتیک افغانستان در تالار سلامخانه مقر شورای انقلابی دایر گردید . روز ۹ قوس با صدور قطعنامه پیروز مئدانه پایان یافته و شورای مرکزی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بریاست دکتور اناهیتا رانیزاده اتفاق آراء انتخاب شد .

• • •

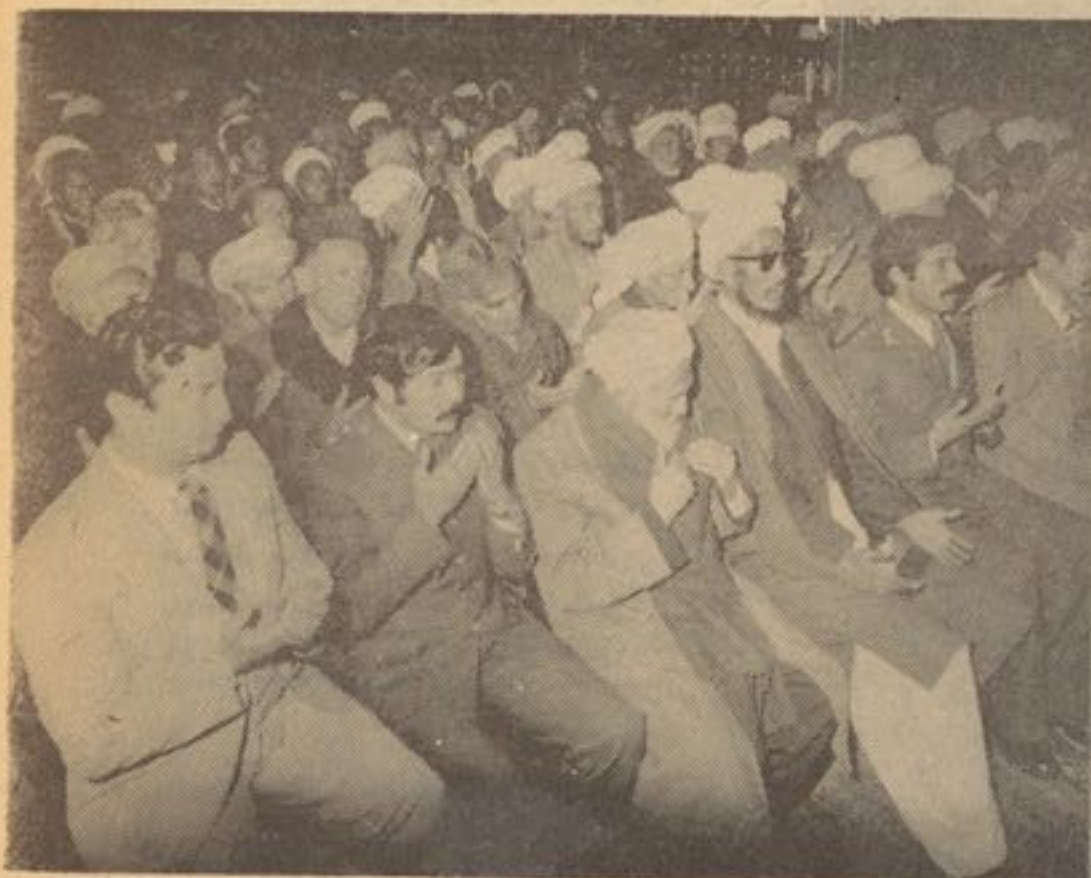
دهیوان شمالی سیمود وزلو بی داوودیمونو

ترمنخ دگال دمنی دوزلوبی ستری اودقبرمانی لوبی د قوس ۱۰ د افغانستان د دموکراتیک جمهوری است د انقلابی شوراد مرستیال او صدراعظم درستیال سلطانعلی گشتمند په وینا پیل شوی او د بدخشان ولایت دوزلوبی تیم دقبرمانی مقام وگاته .

• • •

سیمینار بین المللی زنان که تحت عنوان

وحدت همبستگی صفوف جنبش دموکراتیک بین المللی زنان ونقش آن در امر بسیج وتشکل نیروهای مترقی جهان تحت ریاست داکتر اناهیتا راتب زاد عضو پیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عضو شورای انقلابی رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ورئیس کمیته صلح همبستگی و دوستی افغانستان در تالار هتل انترکانننتال لطفاً ورق بزنید



۴ دافغانستان د خلک د موکراتیک گوندد مرکزی کمیته عمو می منشی، دا نقلا بی شورا رئیس او صدراعظم بیرک کارمل وروسته له هغی چی د صمیمیت په فضا کی بی دبا میانو ولایت د شریفو خلکو له استازوسره خبری د هغوی سره یو ځای د گرا نهیواد سمسور تیا له پاره دعا گوی .

دلکشایه مانی کی ومنل اوله صمیمیت نه په
ډکه او دموکراتیک فضا کی یی له هغوی سره
خبری وکړی .
دقوس ۱۸:

د افغانستان د خلک د دیموکراتیک گوند د
مرکزی کمیټې عمومی منشی د افغانستان د
دیموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس
او صدر اعظم ببرک کارمل د قوس ۱۷ د انقلابی شورا د مقر
گلخانې په مانی کی د صافیو له شریفو او نجیبو
قومونو سره د یوې کتنې په ترڅ کی وویل:
لومړی د افغانستان د دیموکراتیک جمهوریت
د گوند او حکومت لخوا ستاسو خپل کورته ستا-
سوداتګ له امله ښه راغلاست وایم ...

نخستین جلسه شورای مشورتی اقتصادي
کشور قبل از ظهر ۱۸ قوس
تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان



د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې عمومی منشی د انقلابی شورا رئیس او
صدر اعظم ببرک کارمل د بامیان ولایت د زیارګینو خلکو له استازو سره روغې کوی .



ببرک کارمل د صافیو له شریفو قومونو پوتن سره روغې کوی .



یکسال در یک هفته

د ایرشه بودشام ۱۱ قوس با صدور قطعنامه
پایان یافت .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیټه مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان ساعت دوی بعد از ظهر ۱۴ قوس روسا
معاونین ، مالګان اسپېا ، چاپ اندازان و سائیس
های تیم های بزرګشی صفحات شمال کشور را در
قصر دلکشا مقر شورای انقلابی پذیرفته و با
ایشان در فضای کاملاً دوستانه و صمیمانه صحبت
کردند .

د افغانستان د خلک د دیموکراتیک گوند مرکزي
کمیټې عمومی منشی د انقلابی شورا رئیس او
صدر اعظم ببرک کارمل د قوس ۱۵ له غرمې
وروسته به دوو بجو د نورستان د پتمنو او
زیار گینو خلکو یو زیات شمیر استازي د



ببرک کارمل موقعیکه یکتن از مردم شریف
سپین بولدک را مورد نوازش قرار میدهند .



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، موقعیکه باهريك از جاب اندازان مصالحه واحوال پرسى مى نمايند.

يکسال در يك هفته

رئيس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی دایر شد.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۸ قوس در اوج احساسات و طبعیت ستانه مردم زحمتکش و شریف نور زایی مربوطه ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار رادر قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفتند.

بقیه صفحه ۲۴

در پرتگاه يك...

چیزی نداشت با ما کمک میکرد و چرخ زندگی بر همین منوال می گشت.

زنی که در دوره زناشویی ما با همسرم رابطه داشت بالاخره با او ازدواج کرد و همین پیوند بود که یکبار او را از دو کودک معصومش جدا ساخت. دیگر جز به این زن اندیشه ای نداشت. از یاد برده بود که کودکی دارد که نان می خواهند لباس می خواهند به دو ضرورت دارند و از همه مهم تر اینکه نیاز به پدر دارند و از یاد برده بود که نباید هوس و شهوت چنان بر او مسلط گردد که عاقله پدری را در وجودش خفه سازد اما او چنین شد.

کودکان هر روز از من او را می خواستند، او را که شاید وجود آنها را هم از یاد برده بود دیگر نمی توانستم این نیاز عاقله جگرگوشه هایم را نادیده گیرم، نمی توانستم شاید چشمان اشک آلود آنان در همه مواقعی باشم که کودک دیگر را فشرده در آغوش پدرش میدیدند، نشستم و باخود اندیشیدم و تصمیم گرفتم که دوباره با اونکاح شوم در این زمینه مشورت هایی کردم و بابزرگان فامیل به شور نشستم تا بالاخره اقداماتی در این زمینه صورت گرفت و ما باردیگر پیوند زناشویی بستیم و او هم عهد کرد که همه بی

تو جیبی هایش را با مهر و عطف وقت جبران کند.

حاصل این پیوند مجدد باز هم یک ولادت دیگر شد بعد از این جریان او را می سفر خا رج گشت و ماه ها این دوری و جدایی به طول انجامید.

وقتی از سفر باز گشت باز هم همان شوهر بی محبت بود و پدر بی مهر، بهانه جویی هایش با شدت بیشتری دوباره شروع گردید و به او چ خود رسید، جازو جنجال جای آراش را گرفت و گریه حاجا یگزین نوش خندها شد تا اینکه بزرگترین طفلم به بستر بیماری افتاد و او حتی در این مورد هم کمترین اعتنایی نکرد و همچنان بی تفاوت ماند و بعد هم آخرین بهانه اش را گرفت و برای همیشه تر کمان کرد.

بقیه صفحه ۴

اتحاد كلميه...

قدرت زحمتکشان در جمهوری دموکراتیک افغانستان متکی به جبهه وسیع ملی پدر وطن است که عناصر عمده این جبهه راکارگران، دهقانان، کسبه کاران، کوچیان جوانان، زنان، و نمایندگان تمام ملیت ها و اقوام و کلیه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه و تمام سازمان های اجتماعی را می نمایت وطن پرستانه در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بایک

اینک يك و نیم سال از آن روز که او خانه را ترک گفته است می گذرد، شنیدم که از همسر دوم خود هم جدا شده و باز سردرپی دختر ی دیگر گذاشته است که قرار است سو مین همسری باشد در حالیکه من همچنان جوانی ام را فدای اطفالم میسازم و دریای آنها پیر میشوم.

او اکنون کمترین تماسی با ما ندارد پولی نمی فرستد خبری از کودکانش نمی گیرد و علاقه ای از خود نشان نمیدهد من نمیدانم چه کنم، به کجا پناه ببرم، از کی استمداد کنم و جواب کودکانی را که پدر می خواهند چه بد هم شما بگو یید، شما را تنها یسم باشید و این گره کور را باز کنید.

برنامه عمومی و واحد تشکیل میدهد و آنها را قادر میسازد تا با اتحاد شکست نا پذیر از انقلاب و دست آوردهای انقلاب نور میهن و مردم دفاع نمایند و به آرمان های والا و انسانی شان تحقق بخشند زیرا جبهه ملی پدر وطن برای هر قشر اجتماعی هر طبقه و هر صنف جا و مکانی دارد، که با تشکل و شمولیت آنها در همچو يك جبهه، حاکمیت مردم نیرومند تر و زمینه خد متگذاری و امکانات خدمت بیشتر به مردم و میهن و عمران جا معه میسر می گردد. به امید نیرومند شدن پایه های اجتماعی جبهه وسیع ملی پدر وطن

بقیه صفحه ۲۱

نهم ژانویه

میدان بقصر راسد کرده بودند، موج سیاه جمعیت که عده آنان بشمار نمیدانست و آرا مینه به سینه سر بازار ایستاده بود. سرگروهی با صدای آهسته گفت:

— آقا یان! متفرق شوید.

او در امتداد خط جبهه راه می رفت سرش را بزیر انداخته بود میگو شنید تا قیافه مردم را نبیند. با دست و شانه آنها را از سربازان دور میکرد.

از او پرسیدند:

— چرا ما را نه نمیدهند؟

— کجا؟

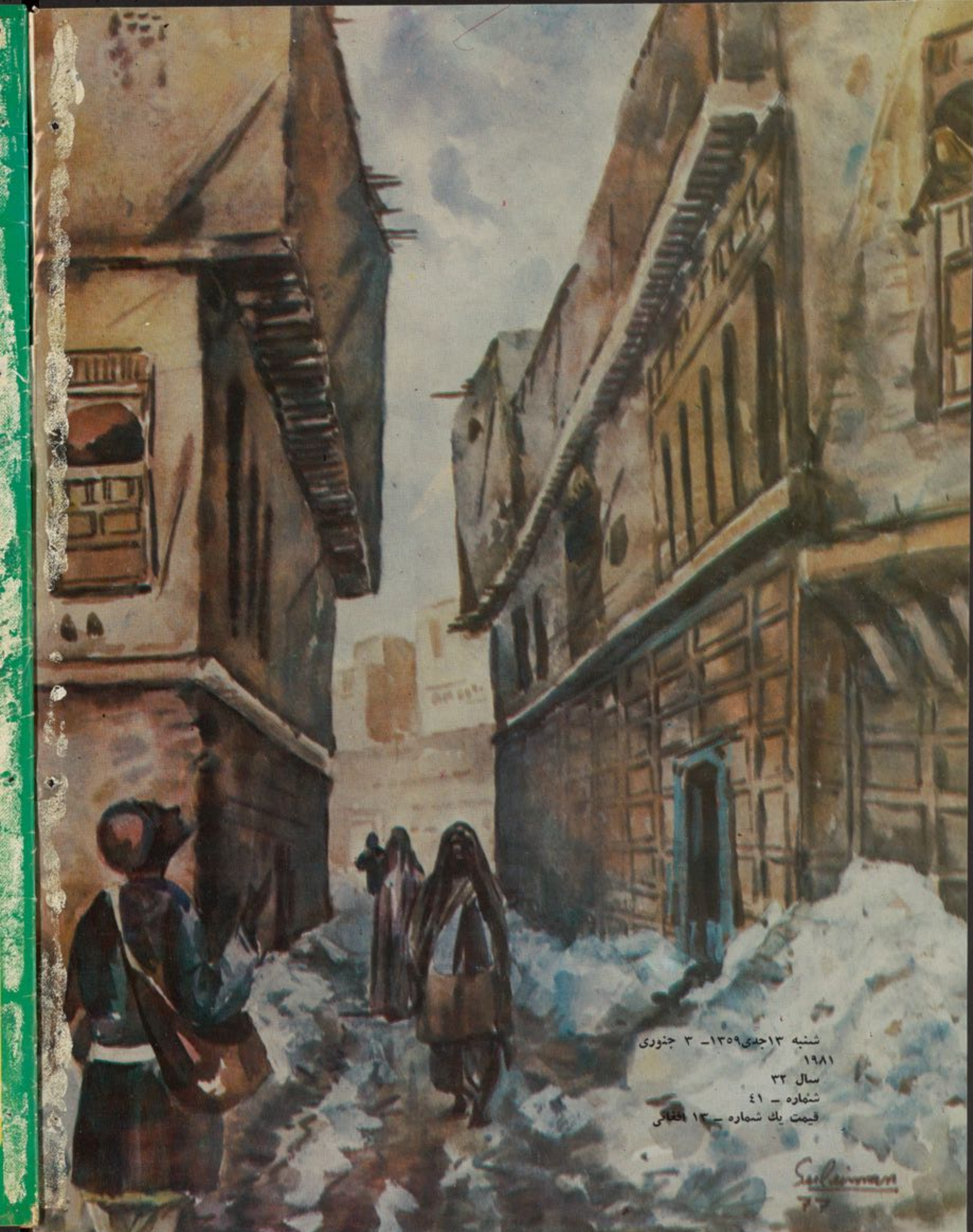
— پیش تر از.

سرگروهی با ن پس از چند ثانیه توقف با یاس و افسردگی فریاد زد.

ادامه دارد

مدیر مسؤول: راحله راسخ خرمی
معاون: محمد زمان نیکرای
آمر چاپ: علی محمد عثمان زاده
آدرس: انصاری واپس جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسؤول: ۲۶۸۴۹
تلفون ارتباطی دفتر: ۲۱
تلفون توزیع و شکایات: ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



شنبه ۱۳ جیدی ۱۳۵۹ - ۳ جنوری
۱۹۸۱

سال ۳۲

شماره - ۴۱

قیمت يك شماره - ۱۳ افغانی

Sachinman

۷۷

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library